

ایران

متن سخنرانی  
رز روستائین



متن سخنرانی  
ربای مارین هابیر



متن سخنرانی  
دیوردا سیگل



ماهنامه ایرانشهر فرهنگی، شماره ۱۹ - مجله جدول ایرانشهر، شماره ۷۴ - ایرانشهر پزشکی، ضمیمه شماره ۱۳ و ایرانشهر اقتصادی شماره ۲ - چاپ آمریکا، قیمت ۳ دلار  
سال نوزدهم - آگوست ۲۰۱۴

**جدول ۷۴**  
**ایرانشهر پزشکی ۱۳**  
**ایرانشهر اقتصادی ۲**

۱۹

# ایرانشهر

Vol:25 AUGUST 2014, 19th Year

IRANSHAHR MONTHLY CULTURAL, POLITICAL, ART, SOCIAL, MEDICAL & CROSSWORDS MAGAZINE, USA \$3.00



تیری که از کمان نفرت جمهوری اسلامی، حماس و حزب الله می جهد  
سینه بیگناهان را می درد



با یاد زنده نام **مسعود هارونیان** که سال های متمادی  
چه در ایران و چه در دوران دوری اجباری از میهن  
برای امور ایرانیان یهودی و معرفی فرهنگ ایران جانفشانی کرد  
انسانی آزاده رهبری با شهامت

تولد تهران. سپتامبر ۱۹۲۲ وفات لوس آنجلس آگست ۲۰۰۶

## در این شماره

## ایران شهر فرهنگی - شماره ۱۹

- ۴ سرمقاله / بیژن خلیلی: قضاوت با وجدان بیدار شما
- ۶ پرونده / مهدی آقازمانی: تروریست‌هایی که سیاستمدار شدند
- ۸ پرونده / تروریسم و آنچه از آن نمی‌دانیم
- ۱۶ پرونده / بازوی تروریستی جمهوری اسلامی
- ۲۲ پرونده / رژیم‌ی که در درون و برون ترور می‌کند
- ۲۹ پرونده / یادبود سه نوجوان اسرائیلی به روایت تصویر
- ۳۲ پرونده / سخنرانی دیوید سیگل
- ۳۴ پرونده / سخنرانی ربای ماروین هایلر
- ۳۶ پرونده / سخنرانی رز روتستاین
- ۳۶ روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران
- ۴۳ شعر و ادب / منوچهر کوهن: سوک سرود
- ۴۴ در قلمرو فرهنگ / مهدی رستم پور: شهلا از مرگ اول تا دم آخر
- ۴۶ در قلمرو فرهنگ / هما سرشار: نگاهی به خویش بعد از سه دهه

## ایران شهر اقتصادی و سیاست بین الملل - شماره ۲

- ۵۰ پیش به سوی سیاست فرزند بیشتر زندگی بدتر
- ۵۲ قراردادهای میلیاردی سپاه ادامه دارد
- ۵۴ نظریات جنجالی اقتصاد دان فرانسوی
- ۵۸ افتضاح تیم ملی برزیل و باقی قضایا
- ۶۰ مکتوبات فدوی / حمیدرضا رحیمی

## ایران شهر پزشکی - ضمیمه رایگان دوازدهم

- ۶۲ تحقیق روی مغز معتادان جنسی
- ۶۴ چرا کاندوم خجالت آور است؟
- ۶۶ خطرات عفونی زوج یابی با تلفن همراه

## جدول ایران شهر - شماره ۷۴

- ۶۸ جدول‌های کلاسیک، شرح در متن، سودوکو، زنجیره و...
- ۱۲۲ حل جدول‌های ایران شهر شماره ۷۲
- ۱۲۶ راهنمای حل جدول
- ۱۲۹ مسابقه همراه با جایزه

ما باور داریم آگاهی مقدمه آزادی است



ایران شهر

شماره نوزدهم، آگوست ۲۰۱۴

IRANSHAHR Magazine

Is published by Ketab Corp.

بنیانگذار و مدیر مسئول: بیژن خلیلی

زیر نظر شورای نویسندگان

ناشر: شرکت کتاب

برای درج آگهی با مشاوران تبلیغاتی شرکت کتاب و یا مشاور تبلیغاتی خود تماس بگیرید

KETAB Corporation

1419 Westwood Blvd,

Los Angeles, CA 90024. USA

818.908.0808

800.908.0808

Fax: 818.908.1457

www.iranshahrweekly.com

ketab1@ketab.com

© Copyright 2014

- مطالب منتشر شده در ایران شهر نشانگر عقیده و آرای نویسندگان آن است و الزاماً رای و نظر ایران شهر محسوب نمی‌شود.
- مسئولیت صحت محتوای آگهی‌های منتشر شده در این ماهنامه با صاحبان آگهی است و ایران شهر در این خصوص مسئولیتی ندارد.
- استفاده از مقالات، طرح‌ها و ایده‌های منعکس شده در این مجله فقط با اجازه کتبی امکان پذیر است.
- ایران شهر در حکم و ویرایش مطالب وارده مختار است.
- مطالب و تصاویری که برای ما می‌فرستید مسترد نمی‌شود.



اپلیکیشن Scan را روی گوشی‌های هوشمند تلفن همراه خود دانلود کنید و سپس از طریق بارکد ویژه روبرو به خانواده ایران شهر در اینترنت بییونید و به راحتی نسخه ویژه تلفن همراه ایران شهر را به رایگان دریافت کنید.

برای پشتیبانی از ما، ایران شهر را مشترک شوید

# قضاوت با وجدان بیدار شما

بیژن خلیلی

در گرماگرم تهیه ویژه نامه تروریسم که اینک تقدیم حضور شما می شود متأسفانه جنگ جدیدی در خاورمیانه شعله برکشید که بر آن شدید دو نظرگاه را در دو بیانیه که انعکاس یافته است روبروی هم قرار دهیم تا شما داوری کنید که مسئول این خون و خونریزی کیست و یا چه کسانی هستند؟

## بیانیه گروهی از فعالان ایرانی - یهودی در باره جنگ حماس و اسرائیل

مذهبی در لبنان، سوریه و عراق بوده و عامل اصلی جرقه زدن جنگ بین اسرائیل و لبنان بوده است، بزرگترین تامین کننده کمک‌های مالی، تسلیحاتی و سیاسی به سازمان‌های حماس و حزب الله در این چند ساله بوده است. این در حالی است که حکومت جمهوری اسلامی ایران علیرغم خواست مردم ایران که در سال ۲۰۰۹ اعلام کردند: "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران" به تشنج آفرینی در منطقه ادامه می دهد که اساسی ترین دلیل آن منحرف کردن مبارزه مردم ایران علیه حکومت خودکامه خود می باشد.

در این هنگامه خونبار، ایرانیان معدود و فرصت طلب که خود را روشنفکر، چپ، سوسیالیست، کمونیست و ملی - مذهبی می نامند و یا خود را انساندوست معرفی و قلمداد می کنند (البته فقط در مقابل کشور و ملت اسرائیل و نه در مقابل کشتار سوریه یا عراق یا نیجریه یا سایر کشتارهای بین المللی) ضمن ریختن اشک تمساح فقط برای قربانیان فلسطینی در مقابل اسرائیل، مسئولیت را بمانند دولت جمهوری اسلامی بر دوش اسرائیل قرار داده اند و مسئولیت حماس را به عنوان شروع کننده جنگ جدید بطور کلی ندیده گرفته اند. این به ظاهر روشنفکران و اسلافشان همان‌هایی هستند که یک بار نسخه بدبختی ایران را با پیشکش کردن سرنوشت ایران و ایرانی به خمینی و حواریونش پیچیدند.

ما امضاکنندگان این بیانیه اعلام می داریم:

۱) ما بطور جدی طرفدار صلح کامل و عادلانه برای هر دو ملت هستیم.  
 ۲) هر کس با موجودیت کشور اسرائیل به عنوان کانون ملی یهودیان مخالفت می کند، نه تنها اسرائیل ستیز بلکه یهود ستیز است.  
 ۳) دولت‌هایی که به گروه تروریستی حماس کمک می کنند در آرمان‌های آن نیز که اسرائیل ستیزی و کشتار یهودیان است، مشارکت دارند.  
 ۴) بر مبنای، پاداش کلوخ انداز سنگ است، ما همه مسئولیت‌های خسارات جانی و مالی جنگ را بر عهده حماس و کشورهای پشتیبان آن یعنی جمهوری اسلامی، قطر و ترکیه می دانیم.

۵) ما حق دفاع را حق هر کشوری منجمله اسرائیل می دانیم.  
 ۶) با توجه به این که گروه‌های تروریستی در غزه بر سر کارند و سرنوشت اهالی آن منطقه را در دست دارند ما هوادار غیرنظامی کردن غزه هستیم تا از خونریزی‌های بعدی جلوگیری شود.

ما به ایرانیان آزادی خواه یاد آوری می کنیم که یهودیان همواره روابط دوستانه و مهر آمیز با ایران و ایرانیان داشته و حاصل این دوستی بهروزی و پیشرفت دو سوی این رابطه بوده است. ایران آزاد و دمکرات می تواند منشا صلح و احترام متقابل با همه ملت‌ها در منطقه باشد.

به تاریخ ۲۹ جولای ۲۰۱۴

در زمانی که جنگ های مذهبی اسلامی، بخش بزرگی از خاورمیانه را به خون کشیده است و میهن ما را نیز سال‌هاست که درگیر فجایع داخلی نموده است، یک بار دیگر گروه تروریستی حماس نایره جنگی کور را در نوار غزه به راه انداخته است. چه کسانی، چه سازمان‌هایی و چه دولت‌هایی مسئول شروع جنگ و خون بیگناهایی هستند که بر این زمین مقدس ریخته شده و می شود.

آغاز کننده جنگ، مسئولیت نتایج جنگ را نیز بر دوش می کشد.

الف - سازمان حماس که از سال ۲۰۰۶ سرنوشت مردمان غزه را که به آن رای داده اند در دست گرفته است، به مانند هیتلر و حزب نازی که مردم آلمان را به گروگان گرفته بود، آغاز کننده این جنگ با شلیک ۳۰۰ موشک به سوی اسرائیل (پس از قتل سه نوجوان بیگناه و غیر نظامی یهودی) بوده است. هدف حماس به مانند رایش سوم چنانچه در مرانامه اش آمده است حذف یهودیان و نابودی کشور اسرائیل می باشد. برای رسیدن به اهداف غیر انسانی خود حاضر به انجام هر اقدامی بدون اعتنا به مصالح اعراب مقیم غزه یا هرگونه شرایط انسانی و اصول اخلاقی بین المللی است. از جمله:

الف - موشک باران مناطق مسکونی و غیر مسکونی اسرائیل به هدف کشتن یهودیان و اعراب اسرائیلی.

ب - استفاده از مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس و مساجد برای استقرار نیروها و تجهیزات نظامی و تبدیل این مناطق به اهداف نظامی.

پ - ساختن تونل از داخل غزه به مناطق مختلف اسرائیل برای فرستادن خرابکاران از طریق این تونل‌ها و کشتن افراد نظامی و غیر نظامی و گروگانگیری.

ت - مصرف کمک‌های بشردوستانه جهانی که سر به بیلیون‌ها دلار می زند، در راه خرید موشک و خمپاره و ایجاد تونل و تربیت خرابکار، برای ضربه زدن به اسرائیل و کشتار یهودیان به جای صرف آن برای آبادانی و ترقی فرهنگ و بهداشت و ایجاد کار و در نهایت رفاه اهالی غزه.

ج - دولت‌های عقب مانده و ارتجاعی عرب و اسلامی که با صرف بیلیون‌ها دلار در شبکه‌های خبری جهانی، راه اندازی تظاهرات خشونت آمیز و تشویق و تحریک به یهودی کشی در کشورهای مختلف به خصوص اروپایی و با دروغ بافی می خواهند گناه این فاجعه را به گردن اسرائیل و یهودیان بیندازند.

چ - حکومت جمهوری اسلامی ایران که از عوامل اصلی برپایی جنگ‌های

سازمان حماس هزینه ای قابل قبول می شمارد نزد ما غیر قابل قبول و مخالف وجدان بشری محسوب می شود. ما باور داریم که قتل و ترور نظام یافته فلسطینیان نقشه حساب شده دولت نتانیاهو برای نابودی ائتلافی ملی میان فلسطینیان، و بهانه ای برای اشغال و غصب زمین، آب، و معاش فلسطینیان است. کسانی که مکررا از "حق دفاع" اسرائیل در برابر موشک های حماس سخن می گویند اما در برابر تلفات بیش از ۲۰۰ نفر فلسطینی در این دور از حملات اسرائیل بی تفاوت باقی مانده اند باید در مورد "حق دفاع" فلسطینیان نیز پاسخگو باشند. چه کسی از آنها در برابر هجوم های غیر قانونی و بمب های اسرائیلی که از جت های آمریکائی فرو می ریزند محافظت خواهد کرد؟

اهل انصاف و وجدان در سراسر جهان نسبت به این حملات سبعانه اسرائیل معترض و از بی اعتنائی آن به حق حیات انسانها منزعجند. ما قاطعانه همه انواع خشونت - بخصوص خشونت نسبت به نوجوانان و بیگناهان - را محکوم کرده قطع فوری بمباران غزه و نیز پایان محاصره غزه را خواستاریم. همچنین، ما تقاضای سازمان عفو بین الملل از سازمان ملل متحد را تایید می کنیم که: "هیئاتی مستقل به غزه و اسرائیل گسیل دارد تا موارد تخلف از قوانین بین المللی حقوق بشر از سوی همه مسئولین مناقشه را مورد تحقیق قرار دهد. این نخستین گام قاطعانه برای حصول اطمینان از مسئولیت مرتکبین جنایات جنگی یا سایر تخلفات جدی در برابر اعمالشان خواهد بود."

۲۶ تیر ۱۳۹۳، ۱۷ جولای ۲۰۱۴

اروند ابراهامیان، اردشیر امیر ارجمند، سعید امیرارجمند، گلبرگ باشی، آصف بیات، علی پایا، حمید دباشی، محمد سهیمی، محمود صدری، امید صفی، فریده فرهی، محسن کدیور، فاطمه کشاورز، حسین کمالی، داریوش محمد پور، زیبا میرحسینی، علی اکبر مهدی، علی میر سپاسی.

## بیانیه گروهی از اساتید ایرانی دانشگاه های آمریکا و اروپا در مورد فاجعه روزهای اخیر در غزه


بمباران بی امان غزه که امروز وارد یازدهمین روز خود شد تا بحال ۲۱۴ نفر کشته بجا گذارده، بسیاری را مجروح یا عزار کرده و به بسیاری دیگر آسیبهای غیرقابل جبران روحی وارد نموده است. در این شرایط، آیا جامعه جهانی حق ندارد پرسد: تا به چه هنگام باید صبر کرد تا اهالی این "بزرگترین زندان زمین" از محاصره اقتصادی و خونریزی ادواری اسرائیل نجات یابند؟ حملات اخیر اسرائیل بحران غزه را تشدید کرده هزاران ساکن فلسطینی آنرا در جستجوی امنیت نسبی به سایر مناطق این سرزمین پر جمعیت گسیل نموده است. دستگاه تبلیغاتی اسرائیل عملیات اخیر که طی آن بسیاری از اماکن مسکونی یا تاسیسات غیر نظامی هدف قرار گرفته اند را "حملاتی با دقت عمل جراحی" خوانده است. هر ناظری که از شفقت و عقل سلیم برخوردار باشد حق دارد پرسد چگونه بمباران منطقه ای که یکی از متراکم ترین نقاط جمعیتی جهان است و لذا اکثر قربانیان آنرا افراد غیر نظامی و کودکان تشکیل می دهند می تواند مصداق "حملاتی با دقت عمل جراحی" محسوب گردد؟ اگر استفاده از استعاره پزشکی "جراحی" در این مورد مجاز باشد باید آنرا جراحی بدون بیهوشی خواند. سازمانهای مدافع حقوق بشر در مورد نتایج مزمن حملات حاد اخیر اسرائیل هشدار داده در این مهم به جامعه بین المللی پیوسته اند.

ما امضا کنندگان زیر (اساتید ایرانی دانشگاه های آمریکا و اروپا) این دور تازه از حملات خشونت بار خودسرانه بر علیه مردم فلسطین را محکوم می کنیم. گستره و ژرفای تلفات و خسارات ناشی از این حمله، که اسرائیل آنرا برای رسیدن به اهدافش در فرسایش قدرت اندک نظامی

## فرم تقاضای اشتراک

تاریخ:.....

### جدول هزینه اشتراک مجله فرهنگی ایران‌شهر

اروپا	کانادا	داخل آمریکا	
\$ 150	\$ 120	\$ 60	۱۲ شماره
---	---	---	---

NAME: \_\_\_\_\_

LAST NAME: \_\_\_\_\_

ADDRESS: \_\_\_\_\_

SUITE#: \_\_\_\_\_

CITY: \_\_\_\_\_

STATE: \_\_\_\_\_

ZIP CODE: \_\_\_\_\_

TEL: \_\_\_\_\_

شما می توانید با انتخاب گزینه مورد نظرتان در جدول اشتراک وجه آنرا از طریق چک به حساب KETAB CORP پرداخت نمایید و یا با تماس با ما از طریق کارت های اعتباری خود وجه مورد نظر را انتقال دهید. لازم به ذکر است شرایط ارسال و زمان دریافت مجلات تابع شرایط پست ایالات متحده خواهد بود.

اینجانب ..... ضمن مطالعه اطلاعات فوق، متقاضی اشتراک مجله جدول ایران‌شهر از شماره ..... برای مدت ۱۲ شماره می باشم.

امضا

برای اشتراک، فرم فوق را تکمیل نموده و به همراه چک به آدرس مجله ارسال فرمایید و یا با دفتر مجله تماس بگیرید

# تروریست‌هایی که سیاستمدار شدند



حسن نصراله (حزب اله لبنان) خالد مشعل (حماس)، علی خامنه‌ای (جمهوری اسلامی)، اسماعیل هنیه (حماس)، بشار اسد (بعث سوریه) ایمن الظواهری (القاعده)، ملا محمد عمر (طالبان)، مسعود رجوی (مجاهدین خلق ایران)، ابوبکر بغدادی (داعش) و....

این لیست بسیار بلند بالاتر از آن است که حتی عبور تیتروار اسامی و مشخصات آن در مقاله‌ای کوتاه بگنجد. حتی مرزهای آن تا جاهایی گسترده است که ذهن آدمی به آن خطور نمی‌کند. اما نکته مهم درباره همه این اسم‌ها، رسمی است که از تروریست‌ها، سیاستمدار می‌سازد. رسمی که بی تردید نشان می‌دهد چرا و چگونه اخلاق سیاسی در ورطه تباهی افتاده است و آینده

لیست بلند بالایی از شخصیت‌های سیاسی جهان است که در سابقه فعالیت‌های خود زیر اسم مبارزه!!! سابقه تروریستی دارند. اسم‌هایی که شاید نتوان به سادگی از تاثیر آنها در تاریخ معاصر جهان گذشت.

برای نمونه فقط و فقط این چند اسم را که امروز یا خودشان و یا دنیا آنها را از رهبران سیاسی قلمداد می‌کنند، مرور کنید:

روح اله خمینی (جمهوری اسلامی)، سید



**دکتر مهدی آقازمانی**  
(جامعه‌شناس)



مسیری که در این سال‌ها لبنان از آن عبور کرده است را نمی‌بینید؟! جنگ، ترور، ناکارآمدی دولت‌ها، قدرت گرفتن شبه‌نظامیان (بسیج و سپاه) و حذف فیزیکی مخالفین!!!

آیا شما هم مثل من به این نتیجه رسیده‌اید که ما ایرانی‌ها بیست سال قبل تر از مردم لبنان تجربه زندگی با احزاب سیاسی مسلح را آغاز کرده‌ایم؟!

سه- این روزها دار و دسته دولت اسلامی عراق و شام حسابی نقل محافل خبری هستند. از خطبه خوانی خلیفه مسلمین جهان حضرت آیت الاعظام ابوبکر البغدادی (دامت افاضاته!!!) تا کشتارهای جمعی در گوشه و کنار مناطق تحت تصرف این گروه تروریستی. از اجرای به گفته خودشان قوانین شریعت اسلام و فرامین رسول خدا، دال بر سنگساز زنان، قطع دست و پا و گردن زدن در ملاعام تا احکام سیاسی رهبران گروه داعش مانند تسویه‌های خونین از هر فرد یا گروهی که با تفکر حاکمان همسو نباشد. کشتارهای دسته جمعی و قتل عام‌های بدون هرگونه محاکمه و البته بی هیچ نیازی به پاسخگویی بابت جانی که از هر کسی گرفته می‌شود. چرا که شلیک کننده خود را حاکم شرع می‌داند و معتقد است که در حال جاری کردن حکم خدا بر روی زمین است!!!

برگردید به ایران خود مان از همان شب بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ تا همین امروز می‌توانید نام‌هایی مانند خمینی (با صدور حکم تشکیل دادگاه‌های انقلابی در همان ابتدای به قدرت رسیدن، صدور فرمان جهاد و ادامه جنگ، دستور کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و ده‌ها مورد دیگر) صادق خلخالی (برای اعدام هزاران زندانی به جرایم گوناگون از مخالف اسلام و توده‌ای بودن گرفته تا اعتیاد به مواد مخدر) هادی غفاری، اسداله لاجوردی، مصطفی پورمحمدی، علی فلاحیان، اکبر هاشمی رفسنجانی، محمدی گیلانی و... را نادیده بگیرید؟! آیا شما هم مثل من به این نتیجه رسیده‌اید که ما ایرانی‌ها طعم زندگی کردن زیر نظر و قوانین دولت اسلامی را سی و پنج سال پیش از مردم عراق و شام تجربه کرده‌ایم؟

آنها می‌گویند خلیفه مسلمین جهان و شاید همه ما به یاد بیاوریم که علی خامنه‌ای را سال‌هاست بادمجان دور قاب چین‌هایش ولی امر مسلمین جهان لقب داده‌اند.

فراموش نکنیم جمهوری اسلامی پدرخوانده تمام گروه‌های تروریستی امروز دنیا است. گروه‌هایی که آنها هم از همان مسیر جمهوری اسلامی به زودی رهبران خود را سیاستمداران زبده بین‌المللی، تلقی خواهند کرد و شگفت آور اینکه جهان با همین رهبران بر سر میز مذاکره خواهد نشست. فکر کنید او باما و ابوبکر بغدادی سر یک میز!!!

دنیا در دست چنین سیاستمدارانی و آنها که با ایشان بر سر میزهای عریض و طویل مذاکره می‌نشینند به کدامین سو خواهد رفت؟!

در این میانه شاید پرداختن به هزار توی کثیف سیاست جهان کار من و تو نباشد که به قدر فهم انسانی خود به مسائل دنیا و خبرهای تلخ و خونین آن نگاه می‌کنیم، اما به سهم خود اجازه بدهید چند نکته کوتاه را در این میان مرور کنیم. نکاتی که بیشتر به تاثیر سیاستمداران تروریست پیشه کشور خودمان بر عرصه کیمیاگری تبدیل تروریست به سیاستمدار، متمرکز است.

**نخست-** وقتی در خلال آخرین سال‌های زمامداری بیل کلینتون در کاخ سفید، طالبان در افغانستان به رهبری ملا عمر و القاعده به رهبری بن لادن در حال تشکیل امارت اسلامی افغانستان بود، کسی فکر نمی‌کرد فقط چند سال بعد، صدور دستور واقعه یازدهم سپتامبر از همان دولت امارت اسلامی طالبان! دنیا را تکان بدهد. همان روزها من خبرنگاری جوان در روزنامه‌ای در تهران بودم و برای نخستین بار به معنای کلمه طالبان اندیشیدم. «طالب» دانش آموز مدرسه دینی است و طالبان جمع آن. در فرهنگ خودمان در ایران از کلمه «طلبه» و جمع آن «طلاب» برای دانش آموزان مدارس دینی که به حوزه‌های علمیه شهرت دارند استفاده می‌شد و البته می‌شود.

حکومت طالبان با همه قواره ظاهری و عقاید باطنی‌اش را یکبار دیگر برانداز کنید! بیش از ۲۰ سال قبل از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، طالبان در ایران با جمهوری اسلامی به قدرت رسیده بودند با همان قواره ظاهری و عقاید باطنی.

آیا شما هم مثل من به این نتیجه رسیده‌اید که ما ایرانی‌ها بیست و چند سال بیشتر از مردم افغانستان طعم حکومت طالبانی را چشیده‌ایم؟!

**دوم-** آیا هنوز حزب جمهوری اسلامی را به خاطر دارید؟! حزبی که در ابتدای به قدرت رسیدن انقلابیون توانست با هزاران ترفند و از جمله ترور و تسویه حساب‌های خونین مسیر انقلاب را به نفع خود مصادره کرده و همه رقبای سیاسی را با شنیع‌ترین روش‌های تروریستی از میدان بدر کند؟!

حالا به حوادث سیاسی لبنان در ۲۰ سال گذشته توجه کنید درست پس از آن که حزب اله تصمیم گرفت از یک قدرت شبه نظامی، تبدیل به یک حزب سیاسی مسلح!!! گردد. تاریخ لبنان در این سال‌ها با افت و خیز مداوم دولت‌ها، چندین فقره ترور برجسته‌ترین چهره‌های ملی (مانند رفیق حریری) و حتی جنگ با اسرائیل، پیوند خورده است.

نگاهی به سال‌های زمامداری اعضای حزب جمهوری اسلامی در همه سال‌های پس از انقلاب تا اکنون - که بیش از ۲۵ سال است دبیرکل آن حزب کذایی رهبر جمهوری اسلامی است - در ایران بیابنازی. آیا همان



گذری بر ساختار شناسی و تاریخچه ترور در جهان:

# تروریسم و آنچه از آن نمی‌دانیم



شمار می‌رود. ترورگری روش حکومت‌هایی است که با بازداشت و شکنجه و اعدام و انواع آزارهای غیرقانونی، از راه پلیس سیاسی مخفی، مخالفان را سرکوب می‌کنند و می‌هراسانند، و یا روش دسته‌های راست یا چپی است که برای افکندن یا هراساندن دولت به آدمکشی و آدم دزدی و خرابکاری دست می‌زنند. از برخی جهات ترور به معنای کشتار سیاسی نیز به کار می‌رود و کسانی را که به کشتار سیاسی دست بزنند ترورگر (تروریست) می‌خوانند. در دنیای پیشرفته قرن بیست و یکم به دلیل تأثیراتی که نا آرامی بر روی اقتصاد جهانی دارد، برخی از ترورها جهت ایجاد نا هنجاری در کشوری خاص و در نتیجه آن رکود اقتصادی در یک یا چند کشور استفاده می‌نمایند. از مصادیق بارز تروریسم دولتی رفتار خشونت بار رژیم جمهوری اسلامی در داخل و خارج از مرزهای جغرافیایی ایران است که در سی و چند سال گذشته با استفاده از این روش در راستای منافع حکومتی خود سود برده است. حال آنکه برخی از سران و پایه گذاران این رژیم نیز خود قربانی مجموعه ای از ترورهای زنجیره‌ای در سال‌های نخستین بعد از انقلاب شدند که عمدتاً به واسطه فعالیت‌های خشونت بار گروه مجاهدین خلق به رهبری مسعود رجوی

ترور در زبان فرانسه، به معنای دهشت و دهشت افکنی است. در لغتنامه دهخدا آمده‌است: «ترور مأخوذ از Terreur و به معنای قتل سیاسی به وسیله اسلحه در فارسی متداول شده‌است و تازیان معاصر اِهرَاق را به جای ترور به کار می‌برند و این کلمه در فرانسه به معنای وحشت و خوف آمده و حکومت ترور هم اصول حکومت انقلابی است که پس از سقوط ژیروندن‌ها (از ۳۱ مه ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴م) در فرانسه مستقر گردید و اعدام‌های سیاسی فراوانی را متضمن بود.»

در سیاست به کارهای خشونت آمیز و غیر قانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنها ترور دولتی می‌گویند و نیز کردار گروه‌های مبارزی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود دست به کارهای خشونت آمیز و هراس انگیز می‌زنند، تروریزم نامیده می‌شود. حملاتی مانند اقدام تروریست‌ها در منهدم کردن برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عملیاتی تروریستی به



دکتر مهدی آقامانی  
(جامعه‌شناس)







در داخل ایران انجام شد.

واژه تروریسم دولتی واژه‌ای جنجال بر انگیز است. تروریسم دولتی اصطلاحی است که برای دخالت دولت یا دولت‌هایی در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر که به وسیله اجرا یا مشارکت در عملیات تروریستی یا حمایت از عملیات نظامی برای زوال، تضعیف و براندازی دولت مذکور یا کل دستگاه حاکمه آن کشور انجام می‌شود.

کمک‌های مادی و معنوی (مثل حمایت سیاسی) به گروه‌های مخالف و مشارکت در عملیاتی چون بمبگذاری، مین گذاری بنادر و سواحل، آدم ربایی، هواپیمادزدی و ترور مقام‌های عالی مملکتی، نمونه‌هایی از تروریسم دولتی است.

برایان جنکینس که از خبرنگاران مشهور در معضل تروریسم است از تروریسم دولتی به عنوان «جنگ از طریق قائم مقام» یاد می‌کند. وی می‌گوید: «این کشورها (پیروان تروریسم دولتی) بر محدودیت‌های جنگ‌های متعارف واقفند، بنابراین ترجیح می‌دهند از امکانات سازمان‌های تروریستی، که خود راساً آنها را ایجاد کرده‌اند یا تغذیه مالی آنها را بر عهده دارند، برای تهدید دشمن یا اختلال در ثبات سیاسی و اقتصادی آن کشور یا ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در آن مملکت بهره‌گیرند».

جنکینس معتقد است که این شکل از تروریسم به سرمایه‌گذاری بسیار کمتری نسبت به یک جنگ متعارف نیاز دارد، دشمن را از پای می‌اندازد و می‌توان ارتباط با تروریست‌ها را به طور کلی منکر شد. این روشی است که در سه دهه گذشته با حمایت از گروه‌های تروریستی مانند حزب اله لبنان، حماس و گروه مقتدی صدر در عراق در صدر لیست فعالیت‌های سیاست خارجی ایران قرار داشته است. از سوی دیگر سپاه قدس سازمانی رسمی در قالب نیروهای نظامی ایران است که به صورت سازمان یافته چنین فعالیت‌هایی را سازمان‌دهی و در سطح بین‌المللی دنبال می‌کند.

تفاوت عمده تروریسم دولتی و تروریسم غیردولتی در مجری آن است؛ بدین معنی که مجری و طراح اعمال تروریستی غیردولتی افراد، گروه‌ها و احزاب اند، و مجری و طراح اعمال تروریستی دولتی، یک دولت یا چند دولت خاص هستند. علاوه بر این دخالت دولت یا دولت‌ها در اعمال تروریستی دو گونه است یا به صورت مستقیم؛ یعنی خود دولت اعمال تروریستی را علیه دولت دیگر انجام می‌دهد.

و یا به صورت غیرمستقیم؛ یعنی به وسیله فرستادن کمک‌های مادی مانند این که اسلحه، مهمات و وسایل پیشرفته نظامی در اختیار گروه‌های مخالف دولت مذکور قرار داده شود یا گستردن چتر حمایت معنوی از گروه‌های مزبور مانند حمایت سیاسی یا اقتصادی یا تبلیغاتی. که در این روش برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و در راس آنها عربستان بیش از دیگر کشورهای جهان سابقه دارد. البته رد پای ایران علاوه بر ارسال چنین حمایت‌هایی برای تقویت گروه‌های تروریستی

مخالف صلح در خاورمیانه بر علیه اسرائیل، در تقویت مخالفان شیعی مذهب در کشور بحرین نیز به صورت جدی دیده شده است. اگرچه اصولاً تروریسم برآمده از منافع سیاسی و در راستای اهداف معین است اما همواره مذهب و افراطی‌گری مذهبی در توسعه تروریسم نقش داشته است.

تروریسم مذهبی اصولاً مجموعه از عملکردهای خشونت آمیز است که از سوی پیروان مذاهب صورت می‌گیرد. این تروریسم اساساً ریشه در باور و تفسیر این افراد از آیین و آموزه‌های مذهبی دارد. این شکل از تروریسم زاده یک اعتقاد راسخ سیاسی است به این معنی که فرد تروریست اقدام خود را یک وظیفه دینی قلمداد می‌کند. برخی از تروریست‌های مذهبی آشکارا متون دینی و کلام خدا را در توجیه عمل خود به کار می‌برند. این در حالی است که از دیدگاه دیگران ممکن است دین تنها یک عامل محرک باشد برای ایجاد و تشدید خصومت و خشونت در بین گروه‌هایی که از نظر مذهبی-نژادی باهم تفاوت دارند. در این مورد تفاوت شایانی بین اصول مذهب نیست و در تاریخچه تروریسم مذهبی چنین رفتارهایی از پیروان اکثر آیین‌های مذهبی از ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) گرفته تا ادیان طبیعت محور شرق آسیا (گروه‌های تندروی مذهبی در ژاپن) به چشم می‌خورد. حال آنکه روایت‌های معاصر از برخی ادیان و قوانین دینی رایج در برخی جوامع پتانسیل خشونت برانگیز بیشتری دارند که به عنوان نمونه می‌توان اسلام و خصوصاً قرائت جهادی از آن را مصداق بارز این ادعا دانست.

اساتید جامعه‌شناسی و مطالعات دینی معتقدند: «باید به یاد داشته باشیم



ادامه از صفحه قبل

غرب، افزایش سرمایه گذاری‌های دولتی در تجهیز سازمان‌های چریکی و زیر زمینی، گسترش دامنه دست رسی افراطیون به رسانه‌های اینترنتی و جذب نیروهای جوان و مغزشویی آنها، وجود مناطق نا امن و دولت‌های ضعیف محلی در گستره وسیعی از کشورهای منطقه از جمله افغانستان، کشورهای تازه استقلال یافته اتحاد جماهیر شوروی در آسیای میانه، سومالی، سودان، عراق، پاکستان، ایران، یمن و سوریه و در راس همه تلاش متمرکز دولتی برای نهادینه کردن خشونت با اجرای احکام خشونت آمیز در جامعه از قبیل اعدام در ملا عام، سنگسار، گردن زدن، دار زدن و قطع اعضای بدن است که قبح خشونت و حفظ حرمت انسان را زیر سوال برده است.

با این حال افراط گرایی مذهبی از اصلی ترین دلایل رشد تروریسم در چند دهه اخیر قلمداد شده است.

اگرچه کمتر کسی پیدا می‌شود که کوبیدن هواپیمای پر از مسافر به مرکز تجارت جهانی را بدترین نوع تروریسم نداند. اما خشم ناشی از آن حملات باعث شد این مساله که هنوز بر سر معنی این کلمه اختلاف هست پنهان بماند. بحث بر سر این که چه کسی تروریست و چه کسی مبارز راه آزادی است هنوز در بسیاری زمینه ها پایان نیافته است.

تاکنون تنها چند کشور در جهان تعریف تروریسم را در قوانین خود گنجانده‌اند. یکی از این کشورها بریتانیا است. "قانون تروریسم ۲۰۰۰" بزرگترین مصوبه درباره تروریسم در سراسر اروپا قلمداد شده است.

بر اساس این قانون، تروریسم یعنی انجام دادن یا تهدید به انجام اعمالی که هدف آن نفوذ بر دولت یا عموم مردم برای دست یافتن به یک آرمان سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیکی است. این گونه اعمال شامل خشونت جدی علیه مردم یا به خطر انداختن جان افراد، به خطر افکندن

که آیین‌های آسمانی باوجود اصولی که در مورد صلح و مودت ترویج می‌کنند، همواره یک سوی خشن هم دارند. تاریخ ادیان و سنت‌های آن به روشنی گذشته‌ای خونین را نشان می‌دهد. این روند به همان صورت که در اسلام و سیکسیسم دیده شده، مویذ درگیری‌های خشونت آمیزی است که به وضوح در عهد عتیق و عهد جدید از آیین‌های یهودیت و مسیحیت هم به تصویر کشیده شده است. این تاریخ و تصویری که متون دینی به ما ارایه می‌دهد مبنای توجیه خشونت‌های گروه‌های مذهب گرای امروزی قرار گرفته است.

با این حال در چند دهه اخیر اسلامگرایان افراطی بیش از هر گروه دیگری در جهان مبادرت به فعالیت‌های تروریستی داشته‌اند.

سابقه تاریخچه ترور در عصر معاصر نشان می‌دهد که اگرچه تا پیش از آغاز دهه ۱۹۷۰ پیروان آیین سیک در هندوستان پیشتازان ترور در سده معاصر بودند اما در چهل سال گذشته اسلامگرایان توانسته اند بیش از ۳۵ درصد از کلیه عملیات‌های تروریستی در جهان را به نام خود ثبت کنند. گفته می‌شود در ۱۵ سال اخیر این رقم رشد فزاینده‌ای داشته است اما همچنان هیچ موسسه معتبر بین المللی در این خصوص آمار رسمی منتشر نکرده است.

یکی از دلایل انتشار خشونتگرایی اسلامی و به تبع آن تروریسم اسلامی در چهار دهه اخیر، گسترش تفکر جهادی در ساختار نظام سیاسی اسلامی، افزایش درآمد برخی کشورهای اسلامی نظیر ایران و عربستان و قطر از محل درآمدهای نفتی، دخالت مستقیم مسائل مذهبی در ساختار سیاسی و اداره حکومت برخی کشورهای مسلمان مانند ایران، تغییر هدف حملات تروریستی از اسرائیل به عنوان دشمن مشترک جهان عرب و اسلام به ایالات متحده آمریکا و کلیت جهان



تروریستی «بریت هاکانایم» از سوی تندروهای یهودی علیه مسلماناندر همین منطقه از جهان کاربرد داشته است.

به علاوه، برای حماس همه غیرنظامیان بی‌گناه نیستند. این گروه تروریستی می‌گوید که همه یهودیانی که در فلسطین (سرزمین‌های تحت اداره دولت قانونی اسرائیل) سکنی گزیده‌اند، هدف حمله هستند و باید کشته شوند.

با اینکه در بیشتر نقاط جهان این ذهنیت بلافاصله طرد می‌شود اما در خاک اسرائیل همین ذهنیت همچنان قربانی می‌گیرد. چه از شهروندان با تابعیت اسرائیلی و چه در مقابل در نواحی تحت اداره حماس که مورد حمله‌های تلافی جویانه ارتش اسرائیل قرار می‌گیرد.

در خارج از مناقشه اعراب و اسرائیل هم سایر گروه‌هایی که برای گرفتن سرزمینی یا استقلال می‌جنگند روش‌های مشابهی را در کنار جنگ‌های چریکی اتخاذ کرده‌اند. یک نمونه استفاده پیاپی از بمبگذاری انتحاری توسط بره‌های تامیل در اماکن عمومی سریلانکا است. آنان همچنین به روستاهای «سینلیز» (قوم غالب در سریلانکا) که متعلق به خود می‌دانند بارها حمله کرده و مرتکب جنایات سازمان یافته شده‌اند. جدایی طلبان باسک در اسپانیا نمونه دیگری از این گروه‌ها هستند که روش‌های خود را منطبق با سیاست‌های اجرایی ارتش آزادی بخش ایرلند و شاخه شین فین طراحی و باری سالیان متمادی به اجرا گذاشته‌اند.

کشتارهای سازمان یافته مسلمانان در غرب تایلند، سلاخی‌ها و بودایی تبار در منطق تومور شرقی و نمونه‌های متعدد دیگر در سال‌های اخیر و خصوصا قبل از پیدایش القاعده نشانگر چنین تعاملاتی در عصر

سلامت و امنیت عموم، یا خسارت جدی به دارایی ملی است. در زمان تصویب این تعریف پیشنهادی که توسط کمیسیون اروپایی طرح شده بود شامل طیف گسترده‌تری از جنایات مشخص تحت عنوان تروریسم بود.

این فهرست شامل قتل نفس، گروگان‌گیری، تصرف وسایل نقلیه عمومی، انتشار مواد آلوده‌کننده و ایجاد اختلال در شبکه‌های رایانه‌ای است.

اما مصوبه پیشنهادی اتحادیه اروپا، انگیزه‌های تروریستی-سیاسی مذهبی یا ایدئولوژیکی - را تعریف نمی‌کند. در عوض می‌گوید که تروریسم یک حمله عمدی به وسیله یک گروه یا فرد علیه یک کشور، نهادهای آن و مردمش است، که هدف آن ارباب‌انها و لطمه زدن یا تخریب ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

این تعریف خشک اما همه‌جانبه جای ویژه‌ای برای عملیات تروریستی که ممکن است از دولت‌ها سرزنند باز نکرده است. با این حال این موضوع بسیار مهم و ضمنا جنجال‌آفرین است.

در خلال آغاز جنگ دوم خلیج فارس ایالات متحده آمریکا شش کشور را رسماً به عنوان حامیان تروریسم معرفی می‌کند: عراق، ایران، لیبی، سوریه، کره شمالی و سودان.

در آن سوی این معادله اعراب هستند که اسرائیل را به خاطر رفتارشان با فلسطینی‌ها به تروریسم متهم می‌کنند. اسرائیل این اتهام را غیرمنصفانه می‌داند و آن را رد می‌کند. اسرائیل مدت‌ها پیش از جرج بوش، می‌گفت که خود در حال «جنگ» علیه تروریسم است و همواره اهداف خود را بر قتل هدفمند رهبران گروه‌های تروریستی متخاصم با اسرائیل متمرکز کرده است.

اگرچه تعریف حقوقی تروریسم متاسفانه میان حمله به غیرنظامیان و اعضای نیروهای امنیتی فرق نمی‌گذارد، با این حال، این فرقی است که اغلب مردم بدان قائل هستند. در سراسر جهان در مورد این مساله که غیرنظامیان یا رهگذران بی‌گناه - در مقابل نظامیانی که در حملات غافلگیرانه کشته می‌شوند - نباید هدف قرار گیرند، توافق نظر وجود دارد. با چنین معیاری دوگانه‌ای در مورد خاورمیانه، نیروهای امنیتی محمود عباس که به سربازان اسرائیلی شلیک کنند تروریست نیستند، اما یک بمبگذاری انتحاری در اتوبوس یا در بازار یک اقدام تروریستی محسوب می‌شود. اما حماس، گروه اسلامی فلسطینی، با این نظر مخالف است.

شیخ احمد یاسین، تئورسین بنیادگرای اسلامی و از بنیانگذاران حماس، حملات انتحاری از سوی پیروانش را همواره تلاش «جوانان برای آزادی» توجیه می‌کرد. او مشخصاً در مقایسه کارکردهای تروریستی حماس با واقعه یازده سپتامبر در گفتگو با یک نشریه لبنانی گفته بود که «حملات علیه آمریکا بدون مقصود مشخصی بوده که متجاوزان مرتکب آن شده‌اند. اما حمله به مردم و نظامیان اسرائیل هدفمند است و قصد آزادی فلسطین را دارد!»

برهان اصلی شیخ یاسین همان است که جنگجویان آزادی به کار می‌گرفتند: در صورتی که آرمان عادلانه باشد، به کار گرفتن هر وسیله‌ای برای رسیدن به آن حق است. به طور خلاصه: هدف وسیله را توجیه می‌کند. همین سیاست در خلال سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ از سوی گروه

بلکه روند و ساختار پیدایش گروه‌های تروریستی و کارکرد آنها نیز کاملاً دگرگون شد.

اگرچه القاعده زمانی اعلام موجودیت کرد که افغان‌ها مشغول نبرد با نیروهای شوروی سابق برای اخراج آنها از سرزمینشان بودند. سران عربستان با حمایت شیوخ عرب فتاوی‌ای جهاد علیه نیروهای شوروی صادر کردند که در نتیجه آن عده زیادی از جوانان مسلمان پرورش یافته در کشورهای عربی و غیر عربی عمدتاً سنی مذهب به افغانستان سرازیر شدند که بارزترین آنها «عبدالله عزام» بود. عزام که دانش آموخته مکتب وهابیت در عربستان بود، در سال ۱۹۸۴ با راه اندازی دفتری در پشاور پاکستان و در نزدیکی مرز افغانستان، استقبال از به اصطلاح مجاهدین عرب و سازماندهی آنها برای عزیمت به افغانستان را به عهده گرفت. عزام به منظور جمع آوری اعانات بارها به امریکا سفر کرده بود و سازمان اطلاعاتی این کشور با اطلاع یافتن از اندیشه و اقدامات او کمک‌هایی در اختیارش می‌گذاشت. وی نبرد با اتحاد جماهیر شوروی را گام نخست در راه اندازی انقلابی گسترده علیه دولت‌های عرب می‌دانست. اسامه بن لادن که بعداً به عنوان رهبر القاعده مطرح شد و چند سال قبل با تلاش امریکای کشته شد، معاون عزام بود که در امر جمع آوری پول و تهیه امکانات لجستیکی به وی کمک می‌کرد. در سال ۱۹۸۵ برخی از دولت‌های عرب از جمله مصر، تندروهای سلفی را از زندان آزاد کردند تا روانه افغانستان شوند که از جمله آنها الظواهری رئیس تشکل موسوم به جهاد اسلامی و رهبر کنونی القاعده بود.

الظواهری از پیروان سید قطب صاحب تئوری «لیبرالیسم غرب اندیشه‌های مسلمانان را فاسد کرد» بود، اما او این تئوری را اینگونه تفسیر کرد که «این فساد شامل نظام‌های دمکراتیک غربی می‌شود». به عبارت دیگر الظواهری معتقد است که دمکراسی به سیاستمداران اجازه داد تا خود را سرمنشأ همه قوا بدانند و به همین دلیل قتل آنها و حامیانشان را صادر کرد و گفت: هر کس در پارلمان و یا حزب سیاسی و یا انتخابات شرکت کند و یا دعوت به مشارکت کند، منکر قرآن است و باید کشته شود. الظواهری در پشاور مستقر شد و اندیشه‌های تندروانه و خشونت آمیز خود را به پیروانش تلقین کرد و به عنوان رقیبی برای عبدالله عزام که از خشونت کمتری برخوردار بود، درآمد.

در این میان جدایی و انشعاب بین عزام و الظواهری رخ داد. الظواهری بر نفوذ خود و تضعیف هرچه بیشتر عزام افزود و بن لادن را به خدمت گمارد تا از اموالش بهره ببرد و در مقابل به او وعده داد تا وی را به عنوان امیر جماعت جهاد اسلامی (القاعده) منصوب کند و بعد هم چنین کرد و سازمان تروریستی القاعده به رهبری اسامه بن لادن ظهور یافت. گروه الظواهری در اثر کشمکش‌های جاه طلبانه، عبدالله عزام را در سال ۱۹۸۹ با انفجار یک خودرو بمب گذاری شده در پشاور پاکستان به قتل رساند. گروه‌های طرفدار القاعده و شیوخ تندرو از سال ۱۹۹۰ با تلقین «پیروزی بر شوروی» به جذب عناصر ساده لوح در سراسر جهان پرداختند. الظواهری با ایجاد تشکل بین المللی القاعده و ایجاد شاخه‌هایی در کشورهای مختلف عمل به مفهوم «جهاد» و عملیات تروریستی را به مردم عادی نیز تسری بخشید. وی این مقوله را مطرح کرد که سرپیچی مردم عادی از تمرد علیه حکام فاسد به معنای این



حاضر محسوب شده است.

روس‌ها تا کنون چندین بار تاکید کرده‌اند که شورش در چین، که تا حدودی از کسانی مانند بن لادن الهام می‌گیرد، مظهر تروریسم بین المللی بوده است. چینی‌ها تقاضا می‌کنند که امریکا باید تلاش‌ها را برای سرکوب جدایی طلبان مسلمان در غرب منطقه «ژینجیانگ» را درک کند. و اسپانیایی‌ها می‌گویند که جنگ علیه تروریسم باید کلیه تروریست‌ها، از جمله گروه «ای تی ای» را در برگیرد که برای دست یافتن به یک ایالت مستقل باسک اقدام به بمبگذاری در اتومبیل‌ها و تیراندازی می‌کنند. آنها می‌گویند «ای تی ای» نباید فقط به خاطر این که به اندازه مهاجمان القاعده افراطی نیستند، تروریست شناخته نشوند. «تروریست» کلمه‌ای است که هر کسی به راحتی می‌تواند علیه دشمنانش به کار برد. به همین دلیل در استفاده از آن بارها لغزش رخ داده و یا از آن سواستفاده شده است.

اما اکنون در این باره که حمله بدون تبعیض علیه افراد غیرنظامی، مساله‌ای غیرقابل تحمل است توافق نظر گسترده تری پدید آمده است، حالاً هر تعریفی روی آن گذاشته شود.

با این حال از فردای یازدهم سپتامبر ۲۰۱۱ نه تنها جهان تغییر کرد،

ادامه از صفحه قبل



خیریه و همچنین بهره برداری از برخی عناصر سیاسی این کشور در مقابل زیاده خواهی‌های جمهوری اسلامی در حمایت همه جانبه مالی، سیاسی و تسلیحاتی از گروه حزب الله لبنان که شیعی است، شکل گرفته است.

دولت قطر به رغم برخی مشترکات خود با عربستان به خصوص در مورد تحولات سوریه اما، همواره خود را به عنوان رقیب این کشور مطرح کرده است. قطر در برابر تشکل علمایی عربستان، تشکلی موسوم به «اتحاد علمای اسلام» به ریاست شیخ یوسف قرضاوی تشکیل داد و در برابر راه اندازی شبکه تلویزیونی العربیه، شبکه الجزیره را با همان رویکرد اساسی راه اندازی کرد. دو دولت عربستان و قطر به منظور به کنترل درآوردن تکفیری‌ها و بهره گیری از آنها در خدمت به منافع خود با یکدیگر رقابت می کنند که رقابت آنها در تحولات چند سال اخیر مصر و رویدادهای سوریه به وضوح نشانگر حمایت این دولت‌ها از نوع خاصی از اندیشه سیاسی و به تبع آن تروریسم در منطقه است. حال آنکه جمهوری اسلامی نیز کاملاً با رویکردی مشابه با حمایت از دیگر گروه‌های تروریستی در همین منطقه زمینه پیدایش ثبات سیاسی را از بین برده است. از همین روست که گستره وسیعی از خاورمیانه



به دلیل منازعات مذهبی در بحران توسعه روز افزون گروه‌های تروریستی اسلامی با روکردهای متقابل، فرو رفته است. بحرانی که علی ارغم آسیب به ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و ملی کشورهای درگیر در آن بیش از پیش به خطری روز افزون برای ترویج خشونت بر

است که یا خود نیز فاسد هستند و یا با سکوتشان مهری بر پدرش فساد زده‌اند و در هر دو حالت مهدور الدم هستند.

عربستان سعودی به عنوان مهد اندیشه بنیادگرای خشن اسلامی با رویکرد سنی از حدود ۵۰ سال قبل رویکرد احداث مساجد، مدارس و مراکز خیریه را در جهان به منظور انتشار اندیشه‌های منطبق با سیاست‌های خود در پیش گرفته بود تا مسلمانان را از یک سو علیه مسیحیت و از سوی دیگر علیه مسلمانان غیر سنی بشوراند.

با به قدرت رسیدن طیف بنیادگرایان شیعی مذهب در ایران و روی کار آمدن جمهوری اسلامی که همانند عربستان از مدافعان سرسخت تروریسم بوده است و البته بیشتر از جناح‌ها و حرکت‌های شیعی مانند حزب اله لبنان، جهادیون سیدی در عراق و جبهه علویان در سوریه

حمایت می‌کند، برخی کشورهای دیگر از قبیل بحرین، کویت و امارات عربی نیز که حاکمان آنها سران عربستان را برادر بزرگ خود دانسته‌اند، کوشیده‌اند تا خطر فراگیر جمهوری اسلامی و توسعه بنیادگرایی شیعی جلوگیری کنند.

این رویارویی میان دو جناح فکری افراط گرای اسلامی به آنچه مجموعه غیر قابل کنترل خشونت در عراق، سوریه و نا امنی در دیگر کشورهای منطقه شناخته می‌شود، منجر شده است.

این رویارویی بین سعودی‌ها و رهبران تهران در لبنان نیز با نفوذ سعودی‌ها در آوارگان فلسطینی مقیم لبنان و ارائه کمک‌های مالی و تشویقی و اعطای بورسیه‌های تحصیلی و ساخت مساجد و مراکز



ادامه از صفحه قبل

علیه جهان دموکراتیک غرب تبدیل شده است.

اما برگ جدید این بازی خونبار در دنیای امروز پیدایش گروه تروریستی داعش است. تشکل موسوم به «دولت اسلامی در عراق و شام» (داعش) چندی قبل و در پی کشمکش میان گروه‌های مختلف وابسته به القاعده بر سر حاکمیت در برخی از مناطق سوریه و لبنان علام موجودیت کرد و به سرعت از طریق دسترسی به رسانه‌های دیجیتال و انتشار ویدیوهایی از خشونت‌های صیوانه خود، شهرت جهانی پیدا کرد. ذکر این نکته ضروری است که همه گروه‌های تروریستی در عراق، سوریه، لبنان، یمن و دیگر کشورهای منطقه در بستر حمایت‌های مالی و لجستیک چند دولت اصلی حامی تروریسم در منطقه یعنی ایران، عربستان و... قرار دارند و به قول معروف «سر و ته یک کرباس» هستند. عملیات این گروه‌ها ی تروریستی عموماً چریکی است که بر اساس تصمیم راس هرم تشکیلاتی همواره با نام‌های مختلف در مکان‌ها و زمان‌های مختلف ظاهر می‌شوند. همچنانکه نوع عملیات و تعداد عناصر هر گروه نیز تغییر می‌یابد تا طرف مقابل نتواند برای شناسایی و نابودی آنها برنامه ریزی کند. از سوی دیگر در تشکیلات اینچنینی گاه فردی و یا عده‌ای ساز ناهمگون می‌زنند و یا اهداف دیگری در سر می‌پروراند که در چنین حالتی راس هرم اقدام به تصفیه درون گروهی می‌کند همچنانکه الظواهری با عبد الله عزام کرد.

به طور کلی داعش شکل جدیدی از تروریسم نیست که به رویدادهای جاری در منطقه اضافه شده باشد. این تشکل استمرار تشکل موسوم به «دولت اسلامی در عراق» است که ابتدا تحت رهبری ابو مصعب الزرقاوی بود و به رهبری ابوبکر البغدادی فعالیت کرد. به عقیده بسیاری

از ناظران داعش پس از حضور در مناطق مرزی عراق و سوریه (استان الانبار در عراق و دیر الزور در سوریه) همواره از حمایت‌های عربستان سعودی و اردن برخوردار بوده است، اما به نظر می‌رسد تاریخ مصرف آن رو به پایان است و عناصر آن باید به گروه‌های دیگری محلق شوند و البته عده‌ای از آنها نیز (به خصوص عناصر غیر عرب) تصفیه شوند. اگرچه حضور پر رنگ سپاه قدس ایران و گروه‌های شبه نظامی شیعه در عراق که از حمایت مستقیم تهران برخوردارند به آشوب در منطقه به شدت دامن می‌زند.

رویکرد سال‌های اخیر جمهوری اسلامی در منطقه خاور میانه همواره به مبارزه خشونت آمیز، حذف فیزیکی، ایجاد نا امنی و در پناه آن ایمن سازی مسیرهای مواصلاتی خود برای حمایت لجستیک از نیروهای حزب الله لبنان را در کارنامه فعالیت‌های تروریستی دولت ایران ثبت کرده است.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت در ده سال گذشته تمرکز تروریسم دولتی در جمهوری اسلامی از موضوع حذف فیزیکی و مستقیم مخالفان آنچنان که در دهه اول و دوم بعد از انقلاب مرسوم بود، به توسعه حمایت‌های سازمان یافته از جنگجویان و گروه‌های مستقل تروریستی برای ایجاد آشوب و جامه عمل پوشاندن به خواسته‌های جمهوری اسلامی تغییر کرده است.

در این سال‌ها هر چه از میزان افزایش لیست اسامی افراد سرشناس ترور شده در خارج کشور به وسیله نیروهای تحت امر جمهوری اسلامی کاسته شده اس، به همان میزان و بیشتر بر گروه‌های تروریستی با رویکرد موافق جمهوری اسلامی در منطقه افزوده شده است.

آشنایی با فهرست سازمان های تروریستی و کشورهای حامی تروریسم وزارت خارجه ایالات متحده:

# فهرستی با قدرت اجرایی بالا

نویسنده: مرل دی. کلر هالز جونیور

FTO در نظر گرفته شود - گروه خارجی باشد، درگیر فعالیت های تروریستی تعریف شده طبق قانون فدرال بوده، و فعالیت هایش امنیت شهروندان ایالات متحده یا امنیت ملی ایالات متحده را تهدید کند. - محور شناسایی یک سازمان تروریستی تعریف تروریسم است. وزارت امور خارجه در گزارش مربوط به تروریسم خود، از چندین تعریف کلیدی که در قانون فدرال وجود دارد، استفاده می کند:

- اصطلاح «تروریسم»، خشونت عمدی با انگیزه سیاسی علیه اهداف غیر نظامی توسط زیر گروه های ملی یا عواملان سازمان های زیر زمینی با اقداماتی که معمولاً با قصد تأثیر گذاری بر گروهی از مردم است، در نظر گرفته می شود.

- اصطلاح «گروه تروریستی» به هر گروه که با تروریسم بین المللی ارتباط داشته باشد یا که دارای زیر گروه های مهم به کار گیرنده تروریسم بین المللی باشد، اطلاق می شود.

- اصطلاح «تروریسم بین المللی» به معنای تروریسمی است که شهروندان یا قلمرو بیش از یک کشور را درگیر سازد.

- هر عضو که دانسته «بشتیبانی مواد یا منابع» شامل کمک مالی، محل اسکان، آموزش، کمک یا رایزنی حرفه ای، مکان های امن، مدارک جعلی یا هویت ساختگی، وسایل ارتباطی، تسلیحات یا حمل و نقل فراهم کند، می تواند در دادگاه های ایالات متحده تحت پیگرد قرار بگیرد.

- هر نماینده یا عضو یک FTO منتصب شده، می تواند از ورود به ایالات متحده منع شده یا در صورتی که از قبل در کشور بوده، می تواند با اخراج مواجه شود.

- هر مؤسسه مالی که آگاه شود از منابع مالی یک FTO منصوب شده یا نماینده های آن نگهداری می کند، باید این منبع مالی را مسدود کرده و این اقدام را سریعاً به دفتر کنترل دارایی های خارجی وزارت خزانه داری ایالات متحده گزارش کند.

با این حال، فهرست FTO تنها «فهرست تروریست ها» منتشر شده از طرف دولت ایالات متحده نیست. به دلیل اینکه تروریسم تبدیل به تهدیدی فزاینده نسبت به امنیت ملی ایالات متحده شده است، دولت شدیداً با این موضوع برخورد کرده است.

فهرست معروف دیگر، «کشورهای حامی تروریسم» است که به واسطه قانون اجرایی صادرات ۱۹۷۹ لازم الاجرا است. این فهرست همچنین در گزارش سالانه کشور در زمینه تروریسم وجود دارد.

در حال حاضر، چند کشور در این فهرست قرار دارند: کوبا، ایران، و سوریه. این قانون مجموعه ای از کنترل های صادرات به هر کشور تعیین شده به عنوان حامی تروریسم تحمیل می کند و کمک های خارجی ایالات متحده نیز به کشورهای فهرست شده ممنوع است.

رویکردهای ایالات متحده عامل شناسایی و فهرست کردن «سازمان های تروریستی خارجی» به عنوان ابزار مؤثری برای جلوگیری از حمایت مالی از این گروه ها، ممانعت از سفرهای بین المللی اعضای آنها و غیر قانونی اعلام کردن حمایت از آنها است. یک مقام ارشد وزارت امور خارجه می گوید: این فهرست ها همچنین به افشا کردن تروریسم عموماً به عنوان راه غیر قابل قبولی برای ایجاد تغییرات سیاسی کمک می کند.

دل دلی، هماهنگ کننده پیشین امور ضد تروریسم وزارت امور خارجه در یک سخنرانی در واشنگتن می گوید: «ما باید با تروریست ها با نیروی دقیق و حساب شده به منظور ایجاد زمان و فرصت تغییر شکل محیط و شرایطی که تروریست ها به کار می گیرند و ایجاد راه حل های بلند مدت که باعث چیره شدن بر خشونت می شود، مبارزه کنیم».

وزارت امور خارجه هر ساله گزارش های کشور در زمینه تروریسم را که شامل فهرست سازمان های تروریستی خارجی (FTO) است، منتشر می کند. این فهرست توسط مجلس ایالات متحده در ضمیمه ۱۹۹۶ قانون فدرال به وجود آمد و تغییرات تکمیلی تحت قانون ۲۰۰۴ اصلاحات هوشمندانانه و پیشگیری از تروریسم ایجاد شده است. این فهرست به منظور قطع وجوه گروه های تروریستی، ممانعت از مهاجرت آنها به ایالات متحده و اجازه اخراج اعضایی از این گروه ها که در کشور شناسایی می شوند، در نظر گرفته شده است.

فهرست FTO پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به ایالات متحده نقش مهم تری در مقابله با تروریسم جهانی داشته است.

وزیر امور خارجه اختیار دارد تا در صورت وجود معیارهای خاص قطعی، هر گروهی را به عنوان سازمان تروریستی خارجی تعیین کند. در حالی که وزارت امور خارجه، آژانس پیشرو در مقابله با تروریسم است، تعیین یک FTO همکاری مشترک وزارت امور خارجه، وزارت دادگستری و وزارت خزانه داری را می طلبد. اطلاعات مربوط به گروه های تروریستی از منابع محرمانه (طبقه بندی شده) و غیر محرمانه جمع آوری شده و با جزئیات «مدارک اداری»، که تشریح می کند چرا یک گروه باید این عنوان را داشته باشد، گردآوری می شود.

اولین فهرست FTO در ۸ اکتبر ۱۹۹۷ منتشر شد و بعداً در برگیرنده گزارش خصوصیات تروریسم جهانی ۱۹۹۷ شد. این گزارش در سال ۲۰۰۴ بازنگری شد و در حال حاضر به عنوان گزارش های فدرال در زمینه تروریسم شناخته می شود.

این لیست در حال حاضر شامل ۴۲ سازمان تروریست خارجی است. به هر حال، این لیست یک هدف گسترده دیگر به عنوان نشانه سیاست مقابل به تروریسم ایالات متحده را برآورده می کند.

یک گروه در صورت برخورداری از سه شرط می تواند به عنوان یک

سپاه قدس را بهتر بشناسیم

# بازوی تروریستی جمهوری اسلامی

دکتر مهدی آقازمانی  
(جامعه‌شناس)



جهان مبادرت می‌ورزد؟ آیا سپاه قدس بازوی تروریستی جمهوری اسلامی است؟ و شاید هم مانند بسیاری مفاهیم دیگر متداول در ساختار سیاست جهان که در جمهوری اسلامی ملغمه‌ای از معانی مختلف را در بر می‌گیرد؟

نیروهای قدس در جنگ ایران و عراق به‌عنوان نیروی مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد و فعالیتش را با حمایت از کردها برای مقابله با صدام حسین در زمان جنگ ادامه داد. همچنین با حمایت از احمدشاه مسعود در جنگ شوروی در افغانستان و بعدها در مقابله با طالبان دامنه فعالیتش را گسترش داد. همچنین گزارش‌هایی از نیروهای قدس مبنی بر حمایت از مبارزان مسلمان بوسنیایی در جنگ یوگوسلاوی در دست است. این نیرو در پوشش فعالیت‌های فرهنگی و هنری در خارج از ایران فعالیت‌های ایدئولوژیک و اطلاعاتی دارد و به ساخت فیلم‌های مستند ضد غربی در خارج از ایران می‌پردازد. که پوششی برای انتقال اطلاعات نظامی و همکاری لجستیکی با گروه‌های تروریستی است و در حال حاضر فرمانده سپاه قدس، سرلشکر قاسم سلیمانی می‌باشد که گفته می‌شود بیش از سه سال جنایات جنگی در سوریه را به نفع بشار اسد فرماندهی کرده است.

پس از استقرار جمهوری اسلامی در سرزمین مادریمان ایران، بارها و بارها نام سپاه قدس ایران در حاشیه بسیاری از رخدادها تروریستی جهان به گوش رسیده است. اگرچه در سال‌های نخستین، دولت جمهوری اسلامی، ماهیت تشکیلاتی چنین سازمانی را تکذیب می‌کرد اما در دو دهه گذشته و به خصوص پس از سقوط صدام در عراق مقامات تهران با صراحت بیشتر از این نیروی نظامی برون مرزی و اقدامات آن در راستای تقویت منافع دولت تهران و حاکمان مستبد آن سخن به میان آورده است. تا آنجا که در جریان جنگ ۳۳ روزه بین اسرائیل و حزب الله لبنان، رهبر جمهوری اسلامی علی خامنه‌ای به صراحت از نقش داشتن مستقیم پرسنل این نیروی نظامی در آن مواجهه تمام عیار نظامی اعتراف کرد و آن را برای خود یک پیروزی تمام عیار دانست. در حالی که بازنده اصلی آن جنگ مردم ایران بودند که میلیاردها دلار در درآمد ملی کشورشان صرف ساخت و ساز مناطق جنگ زده لبنان شد.

اما به راستی سپاه قدس چیست؟ آیا یک تشکیلات نظامی است؟ آیا باید آن را در ردیف ارتش‌های کلاسیک جهان طبقه بندی کرد؟ آیا این سازمان یک نهاد مخفی است که به اقدامات مزدورانه در نقاط گوناگون







مأموریت اصلی نیروی قدس، بر اساس اساسنامه آن سازماندهی، پروراندن، تجهیزکردن و سرمایه‌گذاری بر جنبش‌های انقلابی اسلامی است. که تعبیر این شرح وظیفه مشخصا به سازماندهی و تلاش برای تقویت لاجستیک و بالا بردن توان نظامی گروه های تروریستی و شبه نظامی مسلح هوادار علی‌خامنه‌ای در کشورهای منطقه خصوصا لبنان، سوریه، عراق و افغانستان می‌باشد.

در ضمن نیروی قدس مسئولیت راهبرد سیاست‌های خارجی رژیم جمهوری اسلامی را بر عهده دارد.

سیاست‌های توسعه طلبانه جمهوری

اسلامی و حمایت‌های گسترده مالی و تسلیحاتی این رژیم از گروه‌های تروریستی موجب شده است تا سپاه قدس به واسطه همکاری تنگاتنگ با حزب الله لبنان، دولت سوریه، شبه نظامیان شیعه در عراق صاحب نفوذ بسیار زیادی در عراق، لبنان، سوریه باشد. تا آنجا که بارها از قول قاسم سلیمانی فرمانده این سازمان تروریستی نقل شده است که سپاه قدس در صدد مبارزه با عربستان و ترکیه، و جلوگیری از کاهش قدرت شیعه در خاور میانه است.

بر اساس مستندات رسمی وزارت دفاع آمریکا پنتاگون ژنرال رایت روبین فرمانده نیروهای آمریکایی در منطقه فعالیت این نیروهای سپاه قدس را به هشت دسته تقسیم می‌کند: ۱- کشورهای غربی، ۲- عراق، ۳- افغانستان، پاکستان، و هند، ۴- اسرائیل، لبنان، و اردن، ۵- ترکیه، ۶- آفریقای شمالی، ۷- شبه جزیره عربستان و ۸- جمهوری‌های شوروی سابق.

اگرچه هرگز به صورت رسمی تعداد عوامل شاغل در این نهاد

امنیتی تروریستی جمهوری اسلامی منتشر نشده است اما سازمان‌های اطلاعاتی غربی تخمین می‌زنند نزدیک به ۲۰۰۰ نفر عامل اجرایی با ۸۰۰ نفر پرسنل هسته مرکزی به صورت سازمانی در استخدام سپاه قدس هستند. پیش از این نیز یکی از روزنامه‌های عرب زبان چاپ مصر تعداد عوامل اجرایی سپاه قدس را در مناطق عربی خاورمیانه بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر گزارش کرده بود. نویسنده این روزنامه اطلاعات خود را به نقل از یک مقام حزب اله لبنان عنوان کرده بود و مدعی شده بود بیش از نیمی از این نیروها به صورت تخصصی مسئولیت آموزش فنون نظامی را به تروریست‌های حزب الله و گروه‌های جهادی فلسطینی در خاک لبنان و سوریه عهده دار هستند.

تا کنون رد پای فرماندهان و عوامل اجرایی سپاه قدس در بسیاری از فعالیت‌های تروریستی و حتی بمبگذاری‌های بین‌المللی پیدا شده است و حتی در مواردی بر اساس مستندات موجود دست داشتن ایران از طریق سپاه قدس در این موارد به اثبات رسیده است.

انفجار مقر تفنگداران آمریکایی و فرانسوی در بیروت (لبنان) در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۳ یکی از این موارد است. در این عملیات دو نفر از اعضای حزب‌الله لبنان دو کامیون با بار مواد منفجره‌ای در حدود ۵۴۰۰ کیلوگرم تی‌ان‌تی را به بلوک‌های ساختمان کوبیدند و انفجار بزرگی به وجود آوردند که در اثر آن بیش از ۲۸۶ نفر از نیروهای آمریکایی و فرانسوی کشته شدند. پس از این حوادث نیروهای آمریکا و فرانسه لبنان را ترک کردند و سربازان اسرائیلی نیز تا ماه ژوئن ۱۹۸۵، از لبنان خارج شدند. اگرچه برای رهبران تهران این یک پیروزی محسوب می‌شد اما دامنه جنگ





ادامه از صفحه قبل

داخلی و آسیب‌های گسترده به پیامد آن هنوز بر زندگی عمومی مردم لبنان و منطقه تاثیر دارد.

در موردی دیگر، لوئیس فری، رئیس سابق اف‌بی‌آی که برای بررسی ترور ۲۵ ژوئن ۱۹۹۶ به عربستان سعودی اعزام شده بود، سپاه پاسداران و نیروی قدس را در این عملیات تروریستی دارای نقش دانسته است. در آن عملیات، انفجاری در برج‌های خوبر و در پایگاه نیروهای آمریکایی در شهر دهران عربستان رخ داد. مواد منفجره از لبنان با کامیونی از نوع تانکر انتقال گاز قاچاق شده بود و حاوی ده‌هزار کیلوگرم TNT بود و ۱۹ سرباز آمریکایی کشته شده و حدود ۴۰۰ نفر مجروح شدند. به گفته لوئیس فری، «در سال ۱۹۹۷ ولیعهد وقت عربستان، امیر عبدالله، در حاشیه اجلاس سران کشورهای اسلامی در اسلام‌آباد، خطاب به هاشمی رفسنجانی گفته بود: «ما می‌دانیم شما عملیات خوبر را انجام دادید.» رفسنجانی در پاسخ اصرار داشته که خودش شخصا درگیر این کار نبوده و با اشاره به علی خامنه‌ای گفته است: «او این کار را کرده است.»

فریبرز صارمی، استاد دانشگاه و پژوهشگر روابط بین‌الملل مقیم آلمان، که روی فعالیت‌های تروریستی سپاه قدس و مستندات آن تحقیق کرده است معتقد است: «در سال‌های گذشته هزاران نفر از واحد قدس و سپاه پاسداران در عراق فعال بودند، به‌ویژه از شیعه‌های عراق حمایت کردند. در سال ۲۰۰۸ موقعی که مبارزه آمریکا با مقتدی صدر خیلی بالا گرفت، قاسم سلیمانی مجبور به عقب نشینی از مواضع خود شد تا این تنش را تاحدی کاهش داد.» شایان ذکر است که در همین دوران بارها آمریکا به صراحت از نقش داشتن سپاه قدس در پرونده بمب‌های کنار جاده‌ای که برای مدت دو سال به کابوس مردم عراق تبدیل شده بود

سخن به میان آورده است.

به گزارش روزنامه الشرق الاوسط به نقل از یک مقام ارشد امنیتی عراقی، سپاه قدس مسئول جنایت النخیب که ۳۰ عراقی زیر که از سوریه باز می‌گشتند کشته شدند، بوده است. نیروهای امنیتی عراقی هدف این ترور را ایجاد تفرقه و فتنه طایفه‌ای در عراق ارزیابی کرده‌اند. این مقام امنیتی عراقی معتقد بود «نیروی قدس به شدت به دنبال کنترل جاده بین عراق و سوریه است و مسئولیت این نیرو گماردن نیروهای نظامی و امنیتی در حد فاصل این جاده است تا بر تمامی مناطق سنی‌نشین خصوصاً در فرمانداری الانبار تسلط کامل داشته باشد. و نیروی قدس به دنبال ایجاد جای پای در بین مرز عراق و عربستان سعودی هستند و چندین بار تلاش‌هایی برای کنترل آن انجام داده‌اند.»

در هنگام خیزش مردم کشورهای عربی، این نیرو به حمایت از گروه‌های شیعه و دخالت در امور داخلی برخی کشورها متهم شد که نمونه بارز آن آشوب‌های بحرین بود که با دخالت عربستان سعودی و نیز دستگیری برخی عوامل سپاه قدس در بحرین فیصله یافت.

روزنامه الشرق الاوسط به نقل از همان مقام ارشد امنیتی عراقی که خواهان مخفی ماندن هویت خود بوده‌است افشا کرده است که سپاه قدس در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی و به‌ویژه در منطقه حفاظت شده سبز بغداد (که سفارتخانه‌های غربی و عربی و ادارات و خانه‌های مقامات دولتی و اعضای پارلمان عراق در آن قرار دارد) نفوذ دارد. آن مقام امنیتی گفته بود: «اعضای سپاه پاسداران به درون منطقه سبز با پوشش محافظ فیزیکی مقامات دولتی و سیاستمداران عراقی که اکثراً از طرفداران احزاب شیعه عراقی هستند، نفوذ کرده‌اند.» او معتقد است





«با اطمینان می‌توانم بگویم که نیروی قدس، بخشی از حکومت ایران، با کار گذاشتن بمب‌های کنار جاده‌ای پیچیده به گروه‌های نظامی ما در عراق آسیب رسانده است.»

بوش سپس گفته بود که نمی‌داند کدام یک از مقامات در ایران به نیروی قدس دستور می‌دهد، اما او به ایران اطمینان داد که از گروه‌های نظامی خود حمایت خواهد کرد. اگرچه بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که فرماندهان سپاه قدس مستقیماً از علی‌خامنه‌ای دستور می‌گیرند، اما بوش با این لحن و بدون متهم کردن شخص خاصی، به ایران فرصت داد تا بدون وخیم‌تر شدن تنش دیرین ایران و آمریکا، عملیات نیروی قدس را متوقف کنند.

ظاهراً این تهدید پاسخ مثبتی دریافت کرد، توماس متز (Thomas Metz) رئیس دفاع در مقابل بمب‌های کنار جاده‌ای در عراق در سال ۲۰۰۸ به لوس آنجلس تایمز گفت: «طی سه ماه گذشته آنها (نیروی قدس و شیعه) عملیات خود را کاهش داده‌اند. گویا کسی از طرف‌های شیعی مرتبط با ایران این تصمیم را گرفته است. اکنون بمب‌های ضدزره‌ای که در عراق پیدا می‌شود پیچیدگی کمتری دارند که نشان می‌دهد دیگر از ایران قاچاق نمی‌شوند.» علی‌دباغ، سخنگوی حکومت عراق نیز در همان ایام گفت که ایران اخیراً موضع بهتری در قبال عراق اتخاذ کرده است.

متز در ادامه سخنان خود آماری را ذکر می‌کند که تا حدی می‌تواند دامنه دخالت نیروی قدس در عملیات تروریستی علیه نیروهای آمریکایی را نشان دهد: «این بمب‌ها تنها ۵ درصد از بمب‌های کنار جاده‌ای را شامل می‌شوند اما باعث ۳۵ درصد از تخریب‌ها شده‌اند.»

عراقی‌های شیعه در سپاه قدس استخدام شده و آموزش دیده‌اند. سپاه قدس در تمامی بخش‌های عراق پراکنده هستند و نفوذ دارند، و حتی به مناطق کردنشین با تاسیس شرکت‌های تجاری نفوذ کرده‌اند.

در طول این سال‌ها، علاوه بر موضع همیشگی آمریکا مبنی بر کمک نیروی قدس به شبه‌نظامیان شیعی بدر، وقایع زیر نیز شواهدی دال بر دخالت تروریستی سپاه قدس زیر نظر مستقیم رهبر جمهوری اسلامی در عراق فراهم آورده است:

در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۶، نیویورک تایمز گزارش داد که دست کم چهار ایرانی توسط نیروهای آمریکایی دستگیر شده‌اند که دو تن از آنها مظنون به عضویت در نیروی قدس هستند.

در سال ۲۰۰۷، دیوید پترئوس (David Petraeus) در کنگره آمریکا اعلام کرد که توان نیروی قدس در عراق رو به افزایش است. وی گفت آنها در عملیاتی علیه نیروی قدس، کامپیوتری به دست آوردند که در آن یک پرونده ۲۲ صفحه‌ای شامل اطلاعاتی بود درباره طرح ریزی و هدایت عملیاتی که منجر به کشته شدن پنج سرباز آمریکایی در کربلا شد.

در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۸، یک افسر نیروی قدس در فرودگاه بین‌المللی بغداد به جرم قاچاق اسلحه بازداشت شد.

در ماه ژوئن ۲۰۱۱، ۱۵ تن از کارکنان آمریکایی در عراق کشته شدند، عملیاتی که آمریکا بر اساس اسناد و شاهد موجود تربیت و طرح ریزی آنرا از سوی نیروی قدس می‌داند.

در چهارده فوریه ۲۰۰۷، جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، مستقیماً نیروی قدس را به ایجاد ناآرامی در عراق متهم کرد و گفت:



پاسخ جمهوری اسلامی به اینکه آیا در عملیات تروریستی در عراق نقش دارد، مبهم است. آنها ادعا می‌کنند که مستقیماً هیچ عملیاتی انجام نمی‌دهند و سپاه قدس تنها یک الگو برای رزمندگان مسلمان است، اما صرف وجود سپاه قدس به عنوان یک شاخه نظامی پر تعداد و مباحث رسانه‌های وابسته به سپاه به انجام ماموریت‌های مخفی برون مرزی، با این ادعا در تناقض قرار دارد.

دامنه فعالیت‌های سپاه قدس به عنوان بازوی تروریستی جمهوری اسلامی همواره در منطقه و با هدف آسیب زدن به امنیت اسرائیل فعال بوده است از همین رو پس از شروع اعتراضات بهار عربی و موج مخالفت مردم سوریه با ادامه حکومت بشار اسد، ایران به لحاظ پایگاه استراتژیک خود برای مداخله در امور مربوط به اسرائیل با دخالت سپاه

قدس در سوریه کوشیده است از سرنگونی اسد جلوگیری کند. روند درد آوری که تا کنون به کشته شده بیش از ۱۵۰ هزار شهروند سوری انجامیده است.

در ماه مه ۲۰۱۲، اسماعیل قآنی جانشین فرماندهی سپاه قدس در پاسخ به ایسنا عملاً دخالت این نیروها در جنگ سوریه را تایید کرد: «اگر جمهوری اسلامی در سوریه حاضر نباشد، قتل عام مردم ابعاد بیشتری به خود خواهد گرفت... قبل از حضور ما در سوریه بسیاری

از مردم توسط مخالفین کشته شدند، اما با حضور فیزیکی و غیر فیزیکی جمهوری اسلامی جلوی قتل عام بزرگ در سوریه گرفته شده است.» این خبر بلافاصله از سایت ایسنا حذف شد. در حقیقت، این نخستین بار بود که یک مقام ارشد سپاه حضور و عملیات نیروی قدس در سوریه را پذیرفته و آنرا اعلام کرد.

جزایری، معاون ستاد کل نیروهای مسلح، حتی این سطح از دخالت را در مقابل اقدامات بعدی ناچیز می‌داند: «هنوز هیچ یک از دوستان سوریه و جبهه بزرگ مقاومت وارد عرصه نشده‌اند و چنانچه این اتفاق

## چرا کشوری که تمدن بشریت را پایه ریزی کرده چنین خوار و ضعیف است ؟

چرا ملتی که فلسفه پندار نیک ،  
گفتار نیک و کردار نیک ،  
یعنی اوج انسانیت را قرن ها پیش  
الگوی زندگی اش قرار داد ،  
امروز در جهل و خرافات مذهب  
خوطة ور می باشد ؟

چرا ملتی که اولین منشور حقوق  
بشر و تحمل دگر اندیش را 2500  
سال پیش پیاده کرد ، امروز از تمامی  
این حقوق بی بهره است ؟

خدا سالار  
درماندگی

مبارزه برای عدالت  
آزادی و مرد سالار

امیر حسین لادان



[www.dofcenter.org](http://www.dofcenter.org)

کتاب خدا سالاری و درماندگی را از این سایت تهیه نمایید :



**Ayatollah Ali Khamenei**  
Supreme leader

Serves as commander in chief of the military, appoints leaders of Iran's top councils, oversees the president and has the power to dismiss him.

### The Revolutionary Guards, an elite force

Ayatollah Khamenei appoints the top leaders of the Guards — a force that is perhaps 120,000 strong — but his leadership is not monolithic. Military officers in Iran have seized power in the past, and analysts don't entirely dismiss the possibility of a commander of the Guards trying to oust the mullahs.

### Quds Force

Revolutionary Guards, international operations

The Quds commander reports directly to the supreme leader. The force has traditionally limited its operations to the Middle East and has almost always worked through proxies. Some of its proxies include Hezbollah in Lebanon, the Palestinian group Hamas and some elements of the Taliban in Afghanistan.

### National Security Council

Foreign policy advisory body led by the president. It also advises Ayatollah Khamenei on nuclear policy.

### Mahmoud Ahmadinejad

President

Highest popularly elected official and head of the government, but is subordinate to the supreme leader, who is the head of state.

### Foreign Minister

### Minister of Intelligence

### Minister of Defense

### Regular military forces

روی دهد ضربات قاطعی به جبهه دشمن و به خصوص عرب‌های منفور وارد خواهد شد.»  
اعضای مجلس ملی سوریه گفته‌اند که اطلاعات معتبری در دست دارند که نشان می‌دهد قاسم سلیمانی مخفیانه با بشار اسد و فرماندهان نظامی او برای سرکوب معترضین همکاری می‌کند. رضوان ضیاحده، عضو اجرایی مجلس ملی سوریه (ائتلافی از اپوزیسیون)، گفت که «نیروی‌های قدس اساساً مشغول تمرین و کمک به گروهک‌های نظامی و تک تیراندازها هستند.» همچنین گفته می‌شود که ایران در جمع آوری اطلاعات به سرویس اطلاعاتی رژیم سوریه کمک می‌کند، از جمله مونتورینگ اینترنت و پیام‌های کوتاه تلفنی معترضین.

تحلیل گران تخمین می‌زنند که شمار نفرات ارتش قدس در سوریه، صدها یا حداکثر یکی دو هزار نفر باشد. آنها حداقل یک پایگاه در الزبدانی در نزدیکی دمشق تاسیس کرده‌اند. شهر کوچک الزبدانی برای نیروی قدس بسیار حائز اهمیت است و به نظر می‌رسد که مقر عملیات‌های آنها در آنجا قرار دارد. از طریق همین شهر بود که نیروهای ایرانی در سال ۱۹۸۳، دیوید دوج (David Dodge) رئیس دانشگاه آمریکایی بیروت را که توسط حزب الله ربوده شده بود به تهران منتقل کردند.

حفظ رژیم بشار اسد برای جمهوری اسلامی حیاتی است. علاوه بر اینکه ایران با از دست دادن یکی از هم‌پیمانان خود در منطقه تنها

خواهد ماند و نمونه سوریه به الگوی مناسبی برای پیاده شدن در ایران تبدیل خواهد شد، حزب الله نیز خانه امن خود را در سوریه را از دست خواهد داد و اگر در آینده جنگی بین حزب الله و اسرائیل درگیرد، آنها هیچ پایگاهی برای عقب نشینی موقت در اختیار نخواهند داشت.

دخالت نیروی قدس به این دو کشور محدود نمی‌شود. تاکنون نیروی قدس به انجام عملیات تروریستی در کشورهای تایلند، آذربایجان، گرجستان، هند، بلغارستان و آمریکا (برعلیه سفیر عربستان) متهم شده است.

نیروی قدس مهمترین ابزار دخالت نظامی - تروریستی ایران در منطقه است. به نظر غرب، فعالیت‌های نیروی قدس حاکی از تلاش جمهوری اسلامی برای بی ثبات کردن منطقه از یک سو و ایجاد اهرم فشار به قدرت‌های جهانی از سوی دیگر در بازی هسته‌ای ایران است.

از سوی دیگر نقش پر رنگ اما پنهان ایران و سپاه قدس در همکاری نزدیک نظامی با حزب الله لبنان و گروه تروریستی حماس موجب توسعه توان تهاجمی این دو گروه متخاصم با دولت اسرائیل شده‌اند. که علاوه بر برهم زدن تعادل امنیتی در منطقه، زمینه ایجاد صلح پایدار بین

اسرائیل و اعراب را به طور جدی با خطر مواجه کرده است.

حمایت گسترده نظامی ایران از حزب الله لبنان و نیز ارائه پنهانی تسلیحات و تکنولوژی موشکی از ایران به جنوب لبنان همواره در صدر اعتراضات مقامات امنیتی اسرائیل به کنوانسیون‌های جهانی در سال‌های اخیر قرار داشته است.

فرماندهان سپاه قدس آنچنان که از نامشان سازمان نظامی - تروریستی شان بر می‌آید (اشاره به بیت المقدس نام اسلامی شهر اورشلیم که نخستین قبله مسلمانان - قدس - بوده است) در سر هوای همان شعار را دارند که در زمان جنگ ایران عراق هزاران جوان ایرانی را شتسشوی مغزی داده و روی مین فرستادند شعاری که می‌گفت راه قدس از کربلا می‌گذرد. این روزها آنها تا کربلا رسیده‌اند اگرچه پاهایشان تا مفرغ در خون و جنایت غرق شده است اما باید دید ادامه بی توجهی جامعه جهانی به رویکرد تروریستی آنها می‌تواند جرعه در انبار باروت در مرزهای اسرائیل با لبنان بیافکند؟

این سوالی است که اگر امروز مقامات مسئول جامعه جهانی متعهدانه به آن پاسخ ندهند، بی تردید تاریخ پاسخی تلخ به آن خواهد داد.



# جمهوری اسلامی رژیمی که در درون و برون ترور می‌کند



**دکتر مهدی آقازامانی**  
(جامعه شناس)

داشته‌است و در عموم موارد قربانیان هرگز به حقوق خود دست نیافته‌اند. با این حال پرونده تروریسم دولتی جمهوری اسلامی چنان صفحات قطوری دارد که نمی‌توان همه آن را در مختصر چند مقاله و یک پرونده مطبوعاتی خلاصه کرد اما بازخوانی برخی از نمونه‌های بارز و البته تلخ رفتارهای تروریستی جمهوری اسلامی هر فرد منصفی را متقاعد می‌کند که جمهوری اسلامی رژیمی است که در درون و برون مرزهای جغرافیایی‌اش ترور را جایز می‌داند.

### سینما رکس آبادان

یکی از مهمترین حوادث سال ۱۳۵۷ که باعث خشمگین کردن مردم و سرعت بخشیدن به انقلاب ۵۷ شد، فاجعه به آتش کشیدن سینما رکس آبادان بود. علت خشمگینی مردم، نسبت دادن این فاجعه به عوامل حکومت پهلوی بود.

در حدود ساعت ۲۱:۴۵ شب بیست و هشتم مرداد طبق آمار دقیق ۳۶۰ نفر از کسانی که به تماشای فیلم گوزن‌ها در آخرین سانس به سینما رفته بودند در آتش سوختند. تعداد کشته‌شدگان بعداً به بیش از ۳۷۷ نفر افزایش یافت.

سینما در زمانی دچار آتش سوزی شد که در حال نمایش فیلم گوزن‌ها، ساخته مسعود کیمیایی بود. این فیلم به گونه‌ای اشاره کوتاه و گذرای داشت به روزهای فرار و مرگ یک مبارز مسلح علیه حکومت پهلوی و بسیاری بر این عقیده بودند که فیلم به بخش کوچکی از واقعه سیاهکل

اگرچه در سال‌های گذشته به دفعات درباره فعالیت‌های نامشروع جمهوری اسلامی سخن گفته شده است اما همواره یک سوال اساسی در ذهن ایرانیان باقی مانده است چگونه می‌توانیم رفتارهای ساختار سازانه یک حکومت را شناسایی کنیم و چه کسانی در مقابل رویکردها و تصمیمات یک حاکمیت مسئول هستند؟! جمهوری اسلامی پرونده‌ای سنگین از سیاه کاری‌های سیاسی، امنیتی، تقض سیستماتیک حقوق بشر و تروریسم سازمان یافته دولتی

را در کارنامه خود دارد و همواره کوشیده‌است برای مشروع جلوه دادن خود رفتارهای سر زده از بدنه حاکمیت را به قوانین شرعی و الهی پیوند دهد. سران این رژیم کوشیده‌اند همواره نقش خود را در بسیاری از موارد سیاه کارنامه سیاسی- تروریستی به جا مانده از دوران حکومت خود در سی و چند سال گذشته پنهان نگه دارند. آنجا که تشت رسوایی شان از بام افتاده است روش حکومت قربانی کردن عوامل دست چندی در جریان هر جنایت بوده است. واژه نیروهای خود سر ساخته همین منش سیاسی جمهوری اسلامی است که همواره قربانی دستورات مقامات پشت پرده، در نهایت اگر عدالتی (به سبک جمهوری اسلامی!) وجود داشته دل به محاکمه آنها خوش ساخته‌اند. که البته به گواه تاریخ چنین عدالت مخدوشی هم فقط در برخی پرونده‌ها وجود



## حلقه ترور در پاریس

پس از آنکه انقلابیون در ایران زمام امور را در دست می‌گیرند، جهان شاهد وقوع سریالی ترورهای معنا داری از مخالفان شناخته شده و غیر شناخته شده جمهوری اسلامی در فرانسه، آلمان، روسیه، آمریکا، عراق، پاکستان، لبنان و ... است که در خلال دو دهه نخست انقلاب و تا وقوع حادثه تروریستی رستوران میکنونوس استمرار می‌یابد در موارد متعددی از این ترورها مقامت سیاسی، امنیتی و حتی نظامی جمهوری اسلامی مستقیماً نقش داشته‌اند.

در این میان پاریس یکی از مهمترین شهرهایی است که شاهد چندین ترور سیاسی مخالفان جمهوری اسلامی می‌شود. سر شناس ترین آنها، شاپور بختیار آخرین نخست وزیر ایران در پیش از انقلاب که در کنار نام او چهره‌های دیگری هم خود نمایی می‌کند.

در تابستان ۱۳۵۹ تیمی به رهبری انیس نقاش (یک تبعه لبنانی) اقدام به ترور او کردند که با هوشیاری محافظان بختیار نافرجام ماند. هرچند بختیار از این سوء قصد جان سالم به در برد اما در این ماجرا یک پلیس جوان زخمی و فلج شد و یکی از همسایگان خانه بختیار به قتل رسید. انیس نقاش توسط پلیس فرانسه دستگیر و به حبس ابد محکوم شد اما پس از مدتی و در تبادل با گروگان‌های فرانسوی در لبنان از طرف دولت فرانسه مورد عفو قرار گرفت و به جمهوری اسلامی تحویل داده شد. انیس نقاش بعد از آزادی و در ایران اعلام کرد که این تیم، از سوی مسئولان جمهوری اسلامی برای قتل شاپور بختیار اعزام شده بودند. یازده سال پس از این تلاش نا موفق و درست یک سال پس از آزادی



پرداخته‌است. همین امر موجب برخی گمانه‌زنی‌ها مبنی بر دخالت ساواک در این آتش سوزی گردید.

پس از انقلاب این فاجعه در دادگاهی انقلابی که با سرعت به انجام رسید مورد بررسی قرار گرفت و با اصرار مستقیم نزدیکان خمینی خیلی زود چند نفر از مقامات پلیس و فرمانداری آبادان و یک نفر به نام حسین تکبعلی‌زاده که قبل از انقلاب به همین اتهام دستگیر شده بود و سر انجام اقرار کرد که عامل جنایت او بوده‌است، به اعدام محکوم و تیرباران شدند. در جریان محاکمات مشخص شد که تکبعلی فردی معتاد و بیکار بود و هیچ وابستگی به رژیم شاه نداشته و به خیال خود این حرکت انقلابی را در جهت پیشبرد مقاصد انقلاب انجام داده بود.

اما خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد در زمینه سینما رکس روشنگری‌هایی آغاز شد که نشان می‌داد، توطئه این واقعه مهم که به اعتقاد تاریخ‌شناسان موجب پیوستن صنعت نفت ایران به جریان انقلاب و زمین‌گیر شدن رژیم پادشاهی شد، در داخل کانون حلقه نزدیکان به روح‌اله خمینی و به جهت تحریک احساسات مردمی شکل گرفته است. در سال‌های اخیر فرج‌الله سلحشور - یکی از کارگردانان وابسته رژیم جمهوری اسلامی - در اظهار نظری جنجالی درباره سینما در پیش از انقلاب گفته است: «قبل از انقلاب اسلامی، ماهیت سینما برای مردم روشن بود و ... من جزء کسانی بودم که قبل از انقلاب، سینما آتش زد و متأسفانه بعد از انقلاب برای همان سینماها موزه درست شد و هنوز هم از آنها حمایت می‌شود.»

امروزه و پس انتشار شواهد بازمانده از آن حادثه به وسیله برخی مطلعین، برای تاریخ‌پژوهان جای هیچ شکی نیست که طرح توطئه این حادثه تروریستی در بیت روح‌الله خمینی طرح ریزی شده بود. در حالی که هرگز مسبب اصلی این حادثه در پیشگاه عدالت نایستادند.



منتشر نشد، خودکشی کرد. قاتلان شهریار شفیق نیز ردپایی از خود بر جای نگذاشتند.

یکی دیگر از قربانیان حلقه ترورهای پاریس ارتشبدغلامعلی اویسی بود که جمهوری اسلامی از او به عنوان فرمانده مقابله نیروهای گارد شاهنشاهی با انقلابیون در هفدهم شهریور ماه ۱۳۵۸ در میدان ژاله تهران یاد می‌کند، او هم در سال ۱۳۶۳ باز در پاریس کشته شد. قاتلان او نیز ردپایی از خود بر جای نهداند... قاتلان ناشناس در همین سوء قصد مرگبار، برادر ارتشبد اویسی را نیز کشتند.

در میان لیست بلندبالای ترورهای حلقه پاریس اسامی دیگری چون: سیروس الهی، عبدالرحمان برومند، رضا مظلومان و... نیز دیده می‌شود که طیف‌های گوناگونی از مخالفان جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد.

### ترور نویسندگان و هنرمندان

در میان کسانی که به وسیله مزدوران جمهوری اسلامی در خارج از ایران ترور شده‌اند تنی چند از اصحاب فرهنگ و هنر نیز جا دارند. فراموش نکنیم که یکی از جنجالی‌ترین موضوعاتی که سیاست خارجی ایران را در دوران روح الله خمینی تحت الشعاع قرار داد دستور قتل (فتوای مهدورالدم بودن) سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی بود. با همین رویکرد فکری است که بسیاری از نویسندگان و هنرمندان ایرانی در خارج از کشور همواره بیم جان خود را داشته‌اند که بسی به جا بوده‌است.

در میان اهل فرهنگ و هنر شاید فاجعه ترور فریدون فرخزاد، یکی از نمونه‌های منحصر به فرد و رقت باری باشد که عمق دشمنی مقامات

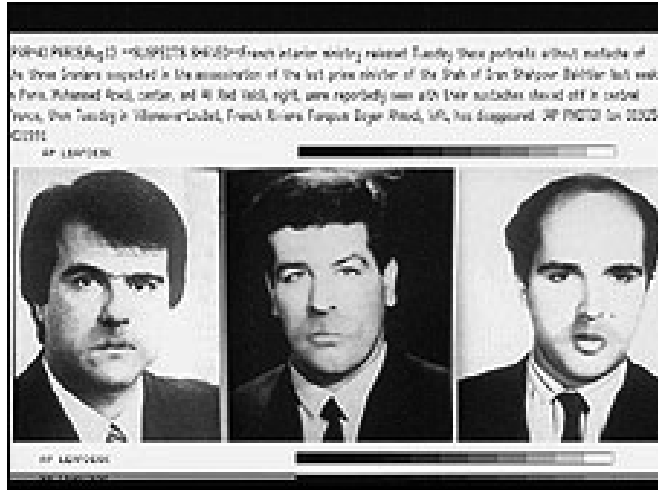


ایران با هنر و ادبیات را به نمایش می‌گذارد.

فریدون فرخزاد در ۱۶ مرداد ۱۳۷۱ (۷ اوت سال ۱۹۹۲) در محل سکونتش در شهر بن بر اثر ضربات چاقو به قتل رسید. قاتلان «شکمش را دریدند و زبان و گوش و دماغش را بریدند».

قتل او بی شک به دستور و اجرای عوامل جمهوری اسلامی ایران بود. اما ترازوی عدالت درباره این ترور جنایتکارانه هرگز تراز نایستاده است و عاملان و آمران این قتل نیز مشخص نشدند.

گمانه‌های بسیاری درباره دلایل قتل فریدون فرخزاد وجود دارد.



انیس نقاش در ۱۵ مرداد ۱۳۷۰ (برابر با ۶ اوت ۱۹۹۱) شاپور بختیار و منشی وی، سروش کتیبه در خانه مسکونی بختیار در حومه پاریس به قتل رسیدند. ترور توسط گروهی ۳ نفره، فریدون بویر احمدی، محمد آزادی و علی وکیلی‌راد که در قالب حامیان و دوستان بختیار توانسته بودند به اقامتگاه وی نفوذ کنند صورت گرفت. فریدون بویر احمدی عضو شورای نهضت مقاومت ملی ایران بود و از سال‌ها پیش به منزل بختیار رفت‌وآمد داشت. با وجود محافظت شبانه‌روزی از خانه بختیار و با وجود ۱۳ محافظ مسلح، قاتلان از خانه وی خارج شده و متواری شدند. جسد شاپور بختیار و سروش کتیبه در حدود ساعت ۱۱:۵۰ دقیقه صبح روز ۱۷ مرداد ۱۳۷۰ در حالیکه ۴۸ ساعت از مرگ آن‌ها گذشته بود پیدا شد. بعد از چند روز علی وکیلی‌راد در لوزان، سوئیس دستگیر شد و به فرانسه تحویل داده شد. او در جریان محاکمه‌اش در سال ۱۳۷۲ خورشیدی بیان کرد که «این ترور با دستور مسئولین وقت جمهوری اسلامی ایران انجام شده‌است».

زمانی که فرضیه دست داشتن ایران در ترور بختیار مشخص شد یکی از دختران او توانست در دادگاهی از سران جمهوری اسلامی ایران به جرم شرکت در ترور بختیار شکایت کند. شهین تاج بختیار (همسر دوم بختیار) و گودرز بختیار فرزند او هم توانستند به همین اتهام از جمهوری اسلامی ایران در دادگاه‌های آمریکا شکایت کنند.

سرانجام متاسفانه در حالیکه وکیلی‌راد (قاتل دکتر بختیار) به حبس ابد محکوم شده بود تنها چند روز بعد از آزادی یک معلم فرانسوی که در خلال اعتراضات خیابانی سال ۱۳۸۸ در تهران بازداشت شده بود، با حکم دادگاهی در فرانسه پس از ۱۹ سال از زندان آزاد شد.

در موردی دیگر هفتم دسامبر ۱۹۸۱ (زمستان ۱۳۶۰) شهریار شفیق - فرزند شاهدخت اشرف پهلوی - را در پاریس به گلوله بستند و کشتند. دریابان شفیق یکی از فرماندهان نیروی دریایی شاهنشاهی در عملیات بازگرداندن سه جزیره مهم استراتژیک نزدیک به تنگه هرمز، ابوموسی و تنب‌های بزرگ و کوچک بود. همو بود که همراه با ناخدا فرید خزعل، بدنبال کشته شدن یک سروان و دو ناوی ایرانی در تنب بزرگ، پاسگاه راس الخیمه را در آن جزیره گرفتند. ناخدا فرید خزعل، چندی بعد، در خانه‌اش در مجاورت سینما مولن روژ تهران، بدلایلی که هرگز دقیقاً







برمی‌دارد، در تاریخ ۹ ژوئیه ۲۰۰۴ در سن ۴۱ سالگی به هنگامی که در شامگاه روز جمعه در حال خارج شدن از دفتر مجله بود، با چهار گلوله شلیک شده از یک ماشین در حال حرکت به شدت زخمی شد و در بیمارستان به علت خرابی کپسول اکسیژن در آسانسور و یا نبود آن درگذشت. اگر چه پرونده این قتل همواره بازماند اما سازمان اطلاعات و امنیت روسیه بعدها عنوان کرد که رد پای دستور شلیک به کلبینیکوف را تا تهران پیگیری کرده‌است.

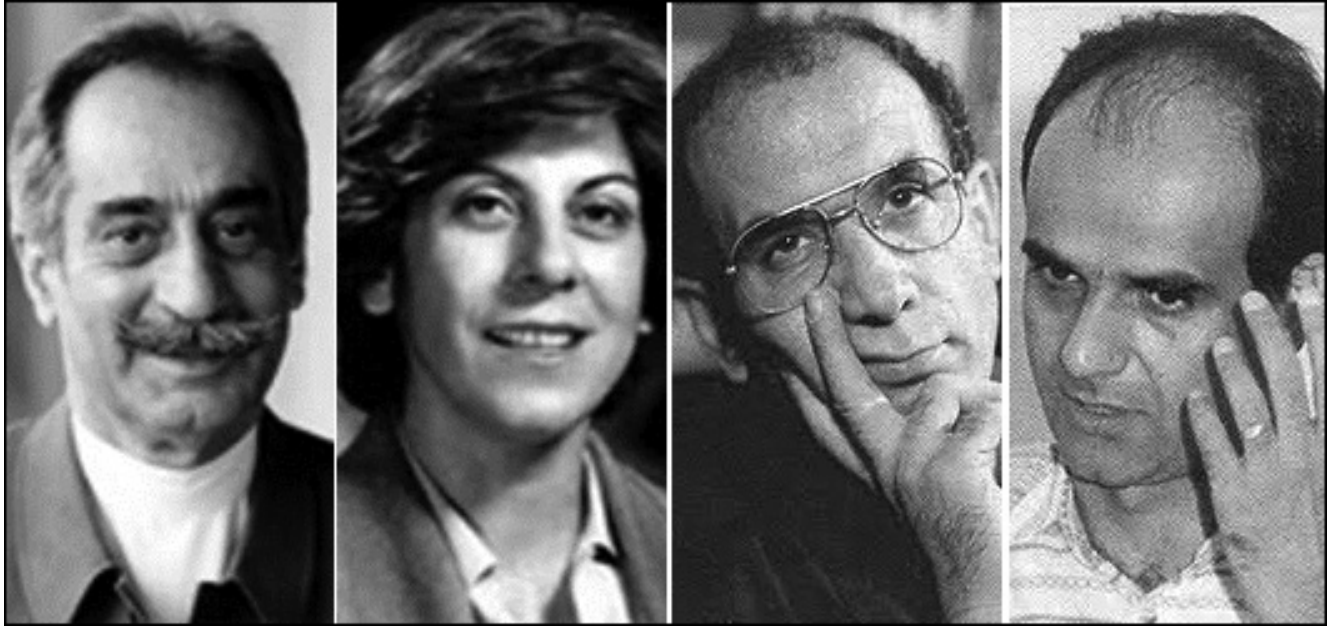
### قتل‌های زنجیره‌ای

جمهوری اسلامی اگر بتواند همه ترورهایی را که انجام داده‌است را هم لاپوشانی کند که نمی‌تواند، اما در پرونده موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای که بی‌تردید مهمترین فاز حذف روشنفکران و منتقدان حکومت در داخل و خارج از ایران بود هرگز نخواهد توانست دست‌ان آلوده‌اش را مخفی نماید.

قتل‌های زنجیره‌ای به مجموعه ترورهای سازماندهی شده نزدیک به ۸۰ فعال سیاسی، فرهنگی، نویسنده و روشنفکر اطلاق می‌شود که همگی در یک وجه مشترک بودند. آنها به رژیم جمهوری اسلامی انتقاد داشتند. این ترورها در دهه هفتاد خورشیدی در داخل و خارج از ایران به اجرا درآمد که به گفته برخی منابع با صدور فتوی توسط روحانیون بلندپایه و توسط پرسنل وزارت اطلاعات در زمان وزارت علی فلاحیان (وزیر اطلاعات دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی) و در نجف

از جمله میرزا آقا عسگری (مانی) که کتاب «خنیاکر در خون» درباره فرخزاد، به قلم او منتشر شده، انتقادهای عیان فریدون فرخزاد از استبداد سیاسی و مذهبی حاکم بر ایران را از انگیزه‌های قاتلان می‌داند و تأکید می‌کند «جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد.» ایرج مصداقی، فعال سیاسی و زندانی سیاسی سابق نیز در گفتگویی که به مناسبت نوزدهمین سالگرد درگذشت فریدون فرخزاد با رادیو فردا انجام داده بود، گفته است به باور او کشته شدن فرخزاد «قطعاً به دست عوامل وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی» انجام شده بود. مصداقی برای دفاع از نظریه خود قتل‌های زنجیره‌ای انجام شده در ایران را مثال آورده و تأکید می‌کند در این شکل قتل‌ها، عوامل اطلاعاتی قربانی را به اصطلاح رایج میان خود «کاردی» می‌کردند، اتفاقی که دقیقاً در مورد فرخزاد نیز انجام شد و الگوی قتل بسیاری از مخالفان دیگر از جمله داریوش و پروانه فروهر و کوروش آریامنش (رضا مظلومان) و... در این مورد نیز تکرار شد.

یکی دیگر از نمونه‌های صریح ترور نویسندگان به وسیله جمهوری اسلامی خیابان‌های مسکو پایتخت روسیه را خون آلود کرده‌است. قربانی پل جرج کلبینیکوف، یک روزنامه‌نگار آمریکایی روسی تبار بود که در شهر نیویورک متولد شد اما در شهر مسکو به وسیله نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ترور شد. پس از آنکه مجله بین‌المللی فوربز در مقاله‌ای به قلم او تحت عنوان «آخوندهای میلیونر ایران» برای نخستین بار پرده از ثروت پنهان مقامات جمهوری اسلامی در بانک‌های جهانی

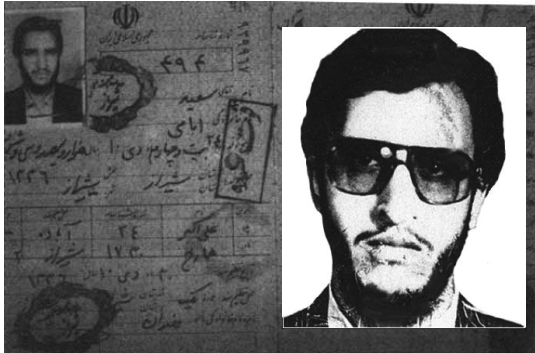


احکام اعدام انقلابی آنها از بیوت چند آیت الله نزدیک به علی خامنه‌ای (مکارم شیرازی، جنتی، خوشوقت، مصباح یزدی، خزعلی، دری نجف آبادی و محسنی اژه‌ای) با ذکر نام و به صورت مورد به مورد گرفته شده بود.

اگر این لیست هرگز منتشر نشد و بسیاری از چهره‌های فعال مدعی این بوده هستند که یکی از بیست نفر باقیمانده در آن لیست سپاه بوده‌اند!!! اما از میان هشتاد قربانی این سری ترورها می‌توان به اسامی زیر اشاره کرد:

داریوش فروهر، پروانه اسکندری، محمد مختاری، محمد جعفر پوینده، حسین برازنده، احمد تفضلی، احمد میرعلایی، حمید حاجی‌زاده و پسر ۹ ساله‌اش «کارون»، غفار حسینی، ابراهیم زال‌زاده، کاظم سامی، هایک هوسپیان مهر، مهدی دیباج، قربانیان عملیات می‌کونوس: صادق شرفکندی، فتاح عبدلی، همایون اردلان، نوری دهکردی.

برخی اطلاعات قابل دسترس نشان از آن دارد که ترور چهره‌های زیر نیز بخشی از قتل‌های زنجیره‌ای بوده است اما نام این افراد در پرونده رسمی قتل‌های زنجیره‌ای



ثبت نشد و متهمان در خصوص این افراد در دادگاه محاکمه نشدند: مجید شریف، پیروز دوانی، فریدون فرخزاد، رضا مظلومان، مظفر بقائی، عبدالرحمن قاسملو، فاطمه قائم مقامی، علی اکبر سعیدی سیرجانی، سیامک سنجری، حمید حاجی‌زاده، معصومه مصدق، دکتر جمشید پرتوی (متخصص قلب و پزشک سیداحمد خمینی)، سید احمد خمینی، ملامحمد ربیعی، فاروق فرساد، عبدالرحمن برومند، شاپور بختیار، حسین سرشار، احمد میرعلائی، شمس‌الدین امیر علائی، جواد صفار، محمود طالقانی، فخرالسادات برقی، فرزین مقصدلو به همراه خواهرزاده اش شب‌نم حسینی و ۳ فرمانده سپاه که گفته می‌شد مخالفان

آبادی (اولین وزیر اطلاعات در دولت محمد خاتمی) صورت گرفت. با همزمانی ترور داریوش فروهر، همسرش پروانه فروهر، محمد مختاری (نویسنده) و محمد جعفر پوینده (نویسنده) که در کمتر از ۴۰ روز در ایران و همگی به یک سبک کشته شدند، وزارت اطلاعات طی اطلاعیه بی‌سابقه‌ای، عوامل قتل‌ها را خودسر نامید. محمد خاتمی رئیس جمهور وقت، تیمی خارج از وزارت اطلاعات و بدون حضور وزیر وقت را مسئول رسیدگی به پرونده کرد. این تیم پس از یک ماه تحقیق، برای نخستین بار دست‌داشتن مقامات بلند پایه وزارت اطلاعات در قتل‌ها را اعلام کرد و عوامل را دستگیر نمود. دری نجف‌آبادی وزیر وقت اطلاعات، بلافاصله توسط خاتمی برکنار و یونسی جایگزین وی شد.

دادگاه قتل‌های زنجیره‌ای پس از توقیف مطبوعات در بهار ۷۹، دستگیر و زندانی کردن روزنامه‌نگاران پیگیر موضوع (اکبر گنجی و عمادالدین باقی) بدون حضور هیات منصفه و در حالی که خانواده مقتولان در اعتراض به نحوه رسیدگی در جلسات دادگاه حضور نیافتند، با محکوم

کردن صوری چند نفر از عوامل درجه سوم وزارت اطلاعات به چند سال زندان بسته شد.

سعید امامی معاون وقت وزارت اطلاعات که گفته می‌شد سرحلقه اجرای کلیه قتل‌های زنجیره‌ای در طول دوره اجرای این پروژه بوده است، در زندان با خوردن داروی نظافت خودکشی کرد یا حداقل درباره مرگ او این روایت منتشر شد و هرگز در دادگاه حاضر نگشت.

بعدها گفته شد که یک لیست ۱۰۰ نفره از نویسندگان، مترجمان، شاعران، اندیشمندان، فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران در داخل و خارج از کشور لیست هدف گروه‌های ترور در قتل‌های زنجیره‌ای بودند که



ادامه جنگ ایران و عراق بودند (این سه نفر در سال ۶۶ ترور شده‌اند).

### ترور در رستوران میکونوس

در ماجرای ترور میکونوس که در رستورانی به همین نام واقع در برلین، آلمان و در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ رخ داد، تعدادی از سران اپوزیسیون کُرد به قتل رسیدند. این ترور تأثیر زیادی بر روی روابط بین ایران و کشورهای اروپایی داشت.

از آنجا که از تاریخ ۲۳ تا ۲۶ شهریور ماه سال ۱۳۷۱ کنگره جهانی احزاب سوسیالیست و سوسیال دمکرات در برلین در حال برگزاری بود، فعالین سوسیال ایران که عموماً از فعالین سیاسی ایرانی و مخالف جمهوری اسلامی ایران بودند، از جمله صادق شرفکندی دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران برای شرکت در این مراسم به آلمان رفته بودند. در این میان دعوتی در روز ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ از ۱۵ الی ۲۰ نفر از ایرانیان جهت حضور در رستورانی به نام میکونوس که صاحب آن فردی ایرانی بوده و پاتوق مناسبی برای ایرانی‌های مقیم برلین به شمار می‌رفت، صورت می‌گیرد.

در روز جلسه شش نفر از دعوت شدگان در رستوران حاضر می‌شوند. که علاوه بر آنها دو نفر به صورت اتفاقی و صاحب رستوران (جمعا ۹ نفر) در رستوران حاضر بودند. ساعت حدود ۵۰:۲۲ دقیقه ناگهان سه فرد مسلح وارد رستوران می‌شوند. یکی نزدیک در ورودی و دومی در قسمت جلویی رستوران می‌ایستند و نفر سوم نیز مسلسل به دست وارد

قسمت پشتی رستوران که ۶ ایرانی در آنجا دور یک میز نشسته بودند رفته و همه آنها را به رگبار می‌بندد. از جمع افراد حاضر در رستوران ۴ نفر در جا کشته می‌شوند و یک نفر نیز به شدت زخمی می‌شود و چهار نفر دیگر نیز جان سالم به درمی‌برند.

یک سال بعد از حادثه رستوران میکونوس یک ایرانی به نام کاظم دارابی که عضو سپاه پاسداران و سازمان امنیت ایران بود و ۴ لبنانی به نامهای یوسف امین، محمد اتریس، عطاالله عیاد و عباس رحیل توسط پلیس آلمان دستگیر شدند و محاکمه متهمان در ششم آبان‌ماه سال ۱۳۷۲ در آلمان آغاز شد. دادگاه این عده حدود ۵ سال و ۲۴۷ جلسه طول کشید و حدود ۹ میلیون فرانک هزینه در برداشت. در جلسات این دادگاه بیش از ۱۷۰ نفر در دادگاه حاضر شده و در مورد حادثه ترور شهادت دادند. شهادت برخی از این افراد بر ضد جمهوری اسلامی و برخی نیز به نفع جمهوری اسلامی ایران بود. دادستان دادگاه برونو یوست و قاضی آن فریچوف کوبش بودند. حکم دادگاه میکونوس در بیست و یکم فروردین ماه سال ۱۳۷۶ صادر شد و طی آن کاظم دارابی از اتباع ایرانی و عباس رحیل تبعه لبنانی به حبس ابد و یوسف امین و محمد اتریس هر دو از اتباع لبنان به ترتیب به ۱۱ و ۵ سال زندان محکوم شدند. در این حکم متهم دیگر نیز به نام عطاالله ایاد تبرئه شد. همچنین از آنجا که در جلسات دادگاه مفهومی به نام وظایف ویژه مطرح شده بود که سران رژیم ایران تصمیم گیرندگان اصلی آن کمیته بودند، مسئولان وقت





جمهوری اسلامی ایران یعنی هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت ایران، علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت، علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه وقت و علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران متهم به زمینه سازی ماجرای میکونوس شدند.

### انفجار آمیا

شاه بیت فعالیت‌های تروریستی ایران بی تردید انفجار مرکز همیاری یهودیان در ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۴ برابر با ۲۷ تیر ۱۳۷۳ بود که در جریان آن ۸۵ نفر از شهروندان یهودی تبار آرژانتینی جان خود را از دست دادند و بیش از سیصد نفر زخمی شدند. مرکز همیاری یهودیان نام ساختمان هفت طبقه‌ای در شهر بوینوس آیرس بود که مرکز همکاری‌های اسرائیل و آرژانتین (Asociacion Mutual Israelita Argentina) وابسته به کمیته یهودیان آمریکا، با نام اختصاری، آمیا (AMIA) در آن قرار داشت.

در تاریخ آرژانتین، رسیدگی به هیچ پرونده قضایی به اندازه پرونده انفجار آمیا به طول نینجامیده است. گفتنی است تاکنون بیش از یک هزار و دویست نفر برای ادای شهادت در مورد این پرونده به دادگاه احضار شده‌اند. دولت آرژانتین تا کنون ۳ بار جمهوری اسلامی ایران را به دست داشتن در انفجار متهم کرده است.

دولت آرژانتین بر اساس شواهد موجود مدعی است که دستور و نقشه ضربه زدن به بزرگ‌ترین مرکز اقلیت یهودی در آمریکای لاتین در تهران کشیده شد و مسئولیت اجرای طرح عملیات به ستاد ویژه عملیات حزب الله لبنان که به گروه شبه نظامی حزب الله لبنان وابسته است سپرده

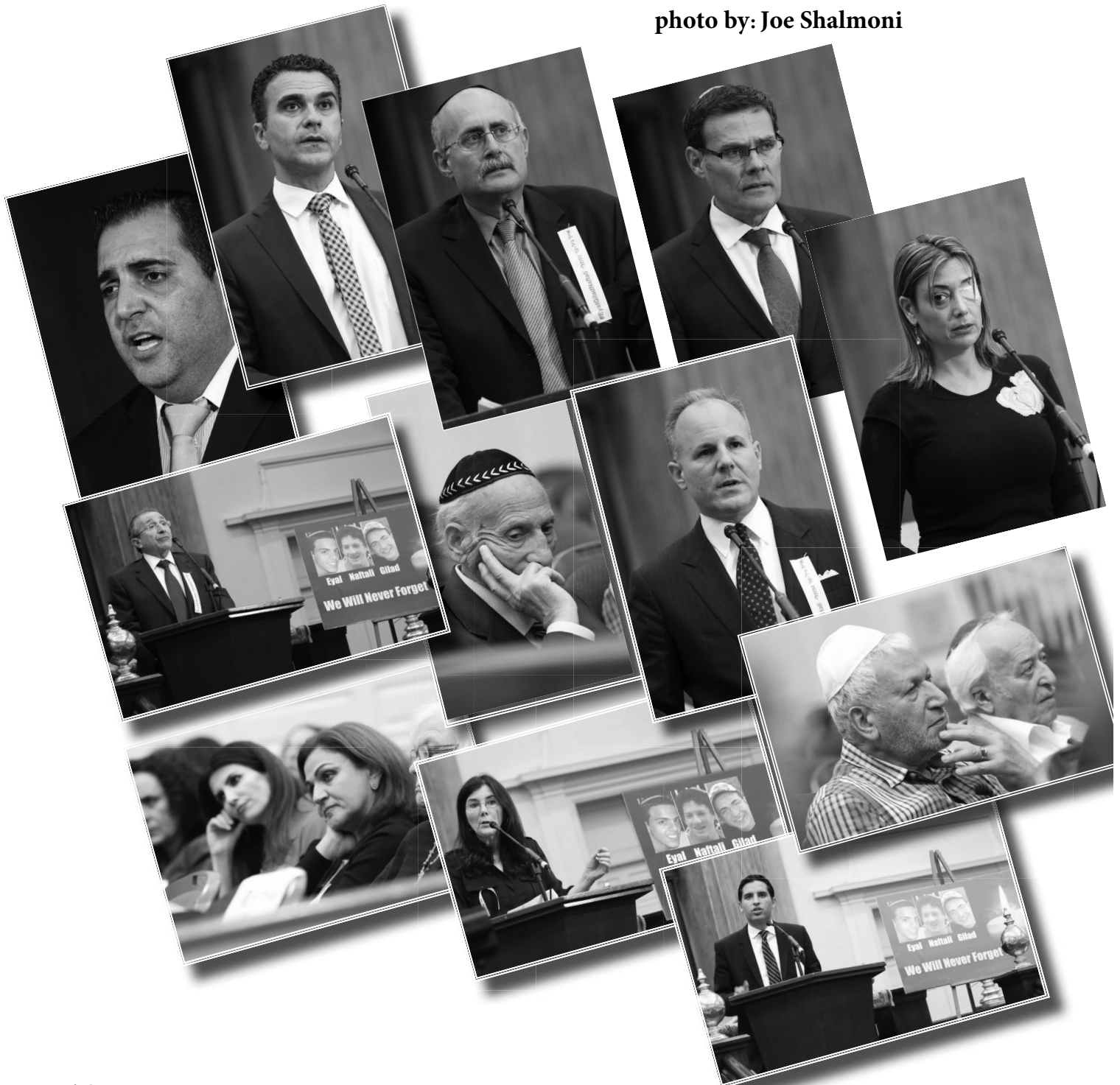
شد. این بمبگذاری علاوه بر تاثیرگذاری بر وجهه جهانی جمهوری اسلامی و روابط با آرژانتین، تبعاتی نیز برای سیاست داخلی آرژانتین داشته است. از جمله یکی از قضات بررسی در مورد این پرونده به اتهام اقدام در ارائه شواهد کذب از کار برکنار شده و در سال ۲۰۱۲، قوه قضاییه آرژانتین، کارلوس منم، رئیس جمهوری وقت این کشور را در ارتباط با پیگیری این بمب‌گذاری تحت پیگرد قانونی قرار داد. منم متهم شد که با دریافت رشوه، کوشیده بود شواهد مربوط به ارتباط حزب الله لبنان و دولت جمهوری اسلامی ایران با این بمب‌گذاری‌ها را پنهان کند. در مارس ۲۰۰۷ و پس از مدت تقریباً سیزده سال از انفجار، دادستانی کل آرژانتین درخواست صدور حکم جلب نه نفر از جمله علی اکبر هاشمی رفسنجانی و علی اکبر ولایتی توسط پلیس بین‌الملل را صادر کرد. اینترپل برای شش تن از این افراد حکم جلب بین‌المللی صادر کرد. این افراد عبارتند از:

علی فلاحیان (وزیر اطلاعات وقت جمهوری اسلامی)، محسن رضایی (فرمانده وقت کل سپاه پاسداران جمهوری اسلامی)، احمدرضا اصغری (دبیر سوم پیشین سفارت جمهوری اسلامی ایران در آرژانتین)، احمد وحیدی (فرمانده سابق نیروی ویژه قدس سپاه پاسداران)، محسن ربانی (رایزن فرهنگی پیشین سفارت جمهوری اسلامی ایران در آرژانتین) و عماد مغنیه (رئیس وقت ستاد عملیات ویژه حزب الله لبنان).

پرونده بمبگذاری تروریستی آمیا هنوز باز است و علی الرغم تشکیل کمیته حقیقت یاب همچنان امیدی به اجرای عدالت درباره آمران این بمبگذاری در پیشگاه این دادگاه نمی رود.

# یادبود سه نوجوان اسرائیلی در کنیسه‌ای نصیح ایسرائل به روایت تصویر

photo by: Joe Shalmoni



# یادبود سه نوجوان اسرائیلی در کنیسای نصح ایسرائل به روایت تصویر

photo by: Joe Shalmoni



# یادبود سه نوجوان اسرائیلی در کنیسیای نصح ایسرائل به روایت تصویر

photo by: Joe Shalmoni



# فراخوان عمومی و سخنرانی دیوید سیگل



**کنسول کشور اسرائیل در لس آنجلس  
در مراسم یادبود سه جوان به قتل رسیده  
اسرائیلی و آمریکایی  
در کنیسیای نصح ایسرائل  
بورلی هیلز، کالیفرنیا  
سوم جولای ۲۰۱۴**

۱۸ روز تمام، همه ما بمانند یک تن واحد نفس را در سینه‌ها حبس کردیم و به همراه خانواده‌های گیلعاد، نفتالی و ایال دست به دعا برداشتیم، به امید آنکه این سه نوجوان نازنین به سلامت به خانه باز گردند.

این بچه‌ها و آن خلوص و معصومیتشان نمادی از بهترین خصائل مردم اسرائیل و یهودیان جهان بودند. لبخندی که بر لب داشتند همه‌ی ما، مادران و پدران را بیاد فرزندان خودمان می‌انداخت و بزرگی روحشان در تضادی آشکار با تیرگی آن شب بد سرانجامی قرار داشت که زندگانی آنان را در پایانی وحشت‌انگیز خاتمه داد. هر کسی که نوار آخرین پیام گیلعاد و در پی آن صدای شلیک گوله‌ها و فریادهای بیمارگونه‌ی شادی قاتلین را شنیده باشد، بی‌شک به انگیزه‌ی این جنایت پلید پی برده است.

بزدلی و پلیدی خالص، تفرغ بی‌حساب، پایکوبی و شادمانی، علامت سلام سه انگشتی، مادرانی که از عمل جنایتکارانه‌ی فرزندان‌شان اظهار غرور می‌کنند و ... چنین‌اند نمادهای بارز یک فرقه مرگ. چقدر فاصله‌ای که ارزش‌های ما را از یکدیگر جدا ساخته‌است، زیاد است!

اشتباه نکنید! گیلعاد، ایال و نفتالی تنها به این دلیل هدف گرفته شدند و به قتل رسیدند که یهودی و اسرائیلی بودند.

چنین لحظه‌ای تا ابد در قلب‌ها و یاد‌های ما بر جای خواهد ماند. هر کدام از ما حاضر است هر چه دارد را از دست بدهد تا چنین سرنوشتی را تغییر دهد و این جوانان را دوباره در خانه‌ی خود و در آغوش خانواده‌اش ببیند. ولی شوربختانه، ما شاهد تصاویر سه

جسد بی‌حیثیت در شال‌های دعای پدرانشان و پرچم سید و آبی

کشورشان هستیم. جوامع یهودی در سراسر گیتی در یگانگی دعا خوانده‌اند و اینک در همدردی به سوگ نشسته‌اند. ما در تسلیت و تقویت یکدیگر در اینجا جمع شده‌ایم اما «لیهی» عزیز، بدان که در واقع همه‌ی ما برای تو و برای سایر خانواده‌ها گرد آمده‌ایم.

در این عزای دستجمعی‌ام، از یاد نبریم که ما مردمان نور و مردمان امیدیم. موضوع موجودیت اسرائیل زندگی است، یعنی موضوع اجتماع، کودکان و آینده. سرود ملی «هتیکوا» در واقع هویت ما را به مثابه مردمی که زندگی و کرامت و نیکی را عزیز می‌دارند تعریف می‌کند. تقدس ذات حیات که در مرکز مفهوم یهودیت قرار دارد، آن پدیده‌ای است که علیرغم تجربیات وحشتناک، بقای ما و تعالی ما را در این جهان در طول چهار هزار سال تضمین کرده است و بقای ما را در هزاره‌های آینده نیز ممکن خواهد ساخت.





آنچنانکه پیامبر «اخیا هشیلونی» گفته است، ما همانند گیاهان سرسختی هستیم در معرض وزش باد خم می‌شویم. و پس از قطع ساقه‌ها، باز می‌روئیم و مرگی در کار نیست زیرا ریشه‌های گیاه گسترده است و عمق آن به چهار هزار سال می‌رسد. وزش هیچ باد یا حمله هیچ دشمن و نیروی اهریمنی، توان ریشه‌کنی ما را نخواهد داشت. سرانجام،

دورتر از آن تشدید خواهد کرد و به آدم ربایی خود نیز ادامه خواهد داد. ابرهای تروریزم، یکبار دیگر آسمان‌های ما را تیره و تار ساخته‌اند.

تروریزم یک تهدید بین‌المللی است و هیچکس از صدمات آن در امان نیست. چالش ما، همبستگی و اتحادی است در حد آنچه در این سه هفته شاهدش بوده‌ایم: یکصدا بر علیه تروریزم.

سکوت، همیاری با تروریزم است. ما وظیفه‌مندیم که هر روز با سکوت مقابله نماییم و مطمئن گردیم که رهبرانمان با صدای بلند این وحشیگری را محکوم نمایند.

به آنانکه سنگ «این همانی» اخلاقی را بر سینه می‌زنند، به روشنی می‌گوییم که مابین تلاشهای یک دمکراسی در حال دفاع از خود و تروریستهای خونخواری که مشخصاً غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهند هیچ قیاسی موجه نیست.

در باره‌ی مرگ تأسف بار یک جوان فلسطینی در روز گذشته، باید گفت که هنوز شرایط این واقعه روشن نشده است و تحقیقات در این مورد هم اکنون ادامه دارد. اما بگذارید بدون هیچ شبهه‌ای بگویم که دولت اسرائیل، دولتی است قانونمدار و دمکراتیک، و مانند هر دمکراسی دیگر، ما تمامی سنگینی قوانین خود را در جهت پیشگیری و یا مقابله با هر گونه جنایت انتقام جویانه و یا تحریکات خشونت‌آمیز بر علیه اعراب بکار خواهیم گرفت.

تروریستها گیلعاد، نفتالی و ایال را به قتل رسانیده‌اند، اما نتوانسته‌اند ارزشها و آرمان‌های خانواده‌ها و ملتها ما را میان بردارند. تروریستهای سعی می‌کنند ما را ارباب کنند، اما هرگز نفهمیده‌اند که ما استوار ایستاده‌ایم و همواره با قدرت تمام بر جای خواهیم ماند، و از حق تمامی یهودیان برای زندگی توام با امنیت در سرزمین خویش دفاع خواهیم کرد. به گفته‌ی اشعیا پیامبر: «جاودانگی اسرائیل هرگز متزلزل نخواهد شد»

باد آرام می‌شود و دشمن از میان خواهد رفت، اما یهودیان بر جای خواهند ماند و رشید و استوار قد علم خواهند کرد.

ما اینگونه‌ایم، همچنانکه خانواده‌های گیلعاد، نفتالی و ایال به ما یادآوری کرده‌اند. ایمان، استحکام، شرافت و انسانیت این خانواده‌ها به راستی که جهان را نورافشان می‌کنند و قدرت نهفته در روح یهودی را به نمایش می‌گذارند. این خانواده‌ها بدون آنکه خواسته باشند، با قدرت ایمان و اخلاق خود ناگهان از شهروند عادی به نمادهایی ملی تبدیل شده‌اند و اینک دورنمای بهتری را برای ملت رسم می‌نمایند.

از بورلی هیلز تا اورشلیم، اینک ما یک ملت واحد هستیم و در هر کجا که هستیم به مثابه یک جامعه به گرد یکدیگر جمع خواهیم شد، و این راز قدرتمندی ماست. و این است چرایی گردآمدن ما در این مکان. با هم دعا می‌خوانیم، به یکدیگر امید می‌دهیم و همه با هم خواهیم گریست.

بگذارید به شما اطمینان بدهم که اسرائیل در جهت کشاندن این تروریست‌ها به مجرای عدالت، به هر عملی که لازمست دست خواهد زد. ما آرام نخواهیم گرفت و نخواهیم خفت تا زمانی که عدالت را حاکم بر این جنایت سازیم.

امشب، جنوب اسرائیل زیر حملات موشکی حماس و سایر گروههای تروریستی قرار دارد که آتشباری خود را بروی جوامع غیرنظامی ما تشدید کرده‌اند. طی روز گذشته یک مهد کودک در شهر «سدوروت» مورد اصابت مستقیم قرار گرفت، در حالی که کودکان و مسئولین آنها در اطاق امن پناه گرفته بودند. این انفجار، می‌توانست مسبب فاجعه‌ی بزرگی باشد.

امشب، حماس تهدید کرده است که حملات خود بروی جوامع ما در سراسر اسرائیل را تا محدوده‌ی تل آویو اورشلیم و حتی



# اظهارات ربای ماروین هایر



مسئول مرکز سایمون ورننتال  
در مراسم یادبود سه جوان  
اسرائیلی و آمریکایی بقتل  
رسیده  
ایال یفتاخ، نفتالی فرانکل و  
گیلعاد شائر  
در کنیسیای نصح ایسرائل  
بورلی هیلز، کالیفرنیا - سوم  
جولای ۲۰۱۴

بار آمده بودند و همانا نماد زندگانی و جوانی بودند در راه بازگشت به منزل، قربانی چنین جنایت هولناک برخاسته از تفر قومی و دینی شدند.

پدر گیلعاد در مراسم خاک سپاری او چنین گفت: «من در اطاق تو می‌نشینم و نمی‌توانم بپذیرم که هولناک‌ترین کابوس من، به واقعیت پیوسته است، به آلبوم عکس‌های مراسم تکلیف ۱۳ سالگیت نگاه می‌کنم و نمی‌توانم چنین واقعیتی را هضم نمایم... هنگامی که نجوای شجاعانه‌ات را روی تلفن شنیدم، آنرا ندای مهبیی یافتم و از جای برخاستم. چنین بود قدرت و قهرمانی جوانی که هنوز ۱۷ سال از زندگی را پشت سر گذاشته بود.

مادر نفتالی در رثای او چنین ناله سر داد: «از همان روز اول به خود گفتیم که حتی اگر پایان غم انگیزی هم در راه باشد، خداوند بر ما رحمت آورده است... این حادثه، امری اتفاقی نبوده است. آنها در واقع در کمین شکار نشسته بودند و ذات اقدس پروردگار ترا به مثابه چهره ماندگار خود برگزید... آرام بخواب فرزندم. ما بدون تو خواهیم خواند و صدایت را با روح و روان خود خواهیم شنید. آرام بخواب که همواره صدایت با ما خواهد بود.»

به مدت ۱۸ روز، همهی یهودیان و دوستداران اسرائیل در سراسر جهان به امید دریافت آخرین اخبار در برابر تلفن‌های موبایل، کامپیوترها و تلویزیون‌های خود، در خانه‌ها، در خودروها و در هواپیماها میخکوب شده بودند.

ما، عدد ۱۸ را عزیز می‌داریم زیرا که مجموعه‌ی عددی آن به معنای زندگانی است. اما در چنین روزی، این عدد پیام آور خبر تکان دهنده‌ی قتل بی‌رحمانه‌ی ایال، نفتالی و گیلعاد بود که در راه بازگشت به خانه، توسط تروریست‌های حماس ربوده شده و از میان رفته بودند.

از زمان‌های دور، یهودیان بر اساس چنین آموزه‌های تورات زندگانی کرده‌اند که می‌گوید: «من آسمان و زمین را اینک به شهادت می‌طلبم... که من در برابر تو راه مرگ و راه زندگانی را پیش نهاده‌ام، راه رستگاری و راه گمراهی را و تو بهتر است که راه زندگانی را برگزینی...»

کتاب پنجم تورات ۳۰/۱۹

دوستان من، نکته‌ی غم‌انگیز این فاجعه نیز در همین جاست، زیرا که گیلعاد و نفتالی ۱۶ ساله و ایال ۱۹ ساله که با ارزش‌های تورات





در جهان فانی، زندگانی پر معنا و شرافتمندانه‌ای را پیشه کرده باشند. اما جهانی که در انتظار تروریست‌های آدم‌ربایی که در اتوموبیل خود شادمانه می‌خواندند که «سه نفرشان را گرفتیم - سه نفرشان را گرفتیم». مکانی بجز دوزخ نخواهد بود. زیرا که جزای عادلانه‌ی اینان چنین است.

دلیل اینکه مرکز سایمون ویزنتال و ۱۵۰۰۰ نفر دیگر در سراسر جهان از رئیس‌جمهور اواما خواسته‌اند که از محمود عباس، رئیس‌جمهوری دولت فلسطین بخواهد که مابین صلح و حماس یکی را برگزیند، همینست. حماسی «تکنوکراتی» در کار نیست، حماس تنها «تکنوکرات»هایی را در درون خود دارد که پیرو یک چنین اندیشه‌ی انسان‌کشی باشند.

ما هیچگونه محکومیتی را در مورد این جنایت هولناک از مسئولین یا «تکنوکرات‌های» حماس نشنیده‌ایم. آنچه تاکنون شنیده‌ایم تنها سخن نخست‌وزیر حماس بوده است مبنی بر اینکه: «انشالله، دفعه‌ی بعد موفق‌تر خواهید بود!» و آنچه دیده‌ایم جشن و پایکوبی و پخش شیرینی در خیابان‌های غزه و ساحل غربی بوده است.

اما دوستان من، ما برای تروریست‌ها و حامیان‌شان پیامی داریم: «برای ۳۵۰۰ سال ما امثال شما را در دوران‌های کشتارها، تفتیش عقاید و هولاکاست، دیده‌ایم و هرگز از ایمان خود به تقدس زندگانی بشر دست‌نشته‌ایم. مدتها پس از آنکه اثری از شما بر جای نمانده است، یهودیانی که قصد انهدامشان را دارید، بر جای خواهند بود، در حالی که جای شما در زباله‌دان تاریخ است.

باشد که روح ایال، نفتالی و گیلعاد با زندگانی جاودانه در پیوند ابدی باشد

پدر ایال در کنار بدن پیچیده در پرچم فرزندش چنین خواست: «مادرت می‌گوید که تو در گوش خداوند نجوا خواهی کرد و از او خواهی خواست که به ما قدرت عطا فرماید. تو مقدسی و در زندگانیت هم مقدس بودی، تو که بسیاری را نیرو دادی، امروز به ما قدرت تحمل فقدان را بده.»

و در زمانی که جهانیان در سوگ این نوجوانان بسر می‌برند، مادر یکی از قاتلین فراری آنان چه گفته است؟

«اگر فرزند من واقعاً چنین کاری را کرده باشد، من تا آخر عمر به او افتخار خواهم کرد. من، فرزندانم را روی زانوان دین اسلام پرورده‌ام و هدف آنان کسب پیروزی برای اسلام است.» این مادر با زبان حماس سخن می‌گفت، زبانی همانند آن تروریست غزه که به مادر خود گفت: «به من نگو که ازدواج کنم. من نمی‌خواهم ازدواج کنم. می‌خواهم که در بهشت ازدواج کنم... من مرگ شهادت‌آمیز را طلب می‌کنم.» و این گفته نیز همانند سخن دیگری است از تروریستی که کودکان یهودی را در فرانسه بقتل رسانید: «ای مرگ، من ترا آنچنان دوست می‌دارم که دیگران زندگی را.»

جهان هرگز تاریکی گسترده‌ای را، همانند ترویج پرستش مرگ توسط حماس تجربه نکرده است و حماس نیز بدون شک آموزه‌ی تلمودی ذیل را نیاموخته است:

«به گفته‌ی ربای یعقوب، این جهان همانند ورودی منزلی است که در آینده بدان وارد خواهی شد. خود را در این ورودی آماده کن تا سپس به سرای اصلی پذیرفته گردی» (نصایح پدران، فصل ۴، بخش ۲۱)

چه کسی نیاموخته است که دنیای باقی تنها از آن کسانی است که

# یادبود ایال، گیلعاد و نفتالی



**سه جوان به قتل رسیده اسرائیلی و  
آمریکایی)  
در کنیسای نصح در لس آنجلس  
سوم جولای ۲۰۱۴  
نوشته‌ی: رز روتستاین**

این افتخار را داشتیم که از من برای سخنرانی در مراسم یادبود ایال، گیلعاد و نفتالی در کنیسای نصح در لس آنجلس کالیفرنیا که در تاریخ سوم جولای ۲۰۱۴ از طرف جامعه‌ی یهودی برگزار شده بود دعوت بعمل آورده بودند. در میان سخنرانان مراسم می‌توان از خانم لیچی شائر، عمه گیلعاد و داوید یسگل کنسول اسرائیل در لس آنجلس نام برد.

سخنرانی من در واقع فراخوانی بود که در گام نخست خواستار قطع کمک‌های مالی به تروریسم فلسطینی است. در این رابطه شما را به سایت «نفی مالیات برای ترور» یا «notaxesforterror.com» رجوع می‌دهم - و پیشنهاد می‌کنم که کتاب جدید اروین بلاک به نام «تامین مالی شعله‌های آتش» یا «Financing the Flames» را مطالعه فرمایید.

سخنرانی من به قرار زیر است:

سازمان «با ما بایستید» یا «stand with us»، سیزده سال پیش آغاز به کار نمود و می‌توان گفت که از آن زمان تاکنون بعضی از مشکلات به قوت خود باقی مانده‌اند.

در هفتم ماه مه ۲۰۰۱، «کوبی مندل» و «یوسف ایشران» در راه بازگشت از مدرسه ناپدید شدند و دیگر به خانه بازنگشتند. در هشتم ماه مه اجساد آنان که توسط نوجوانان تروریست فلسطینی به نحو وحشیانه‌ای به قتل رسیده بودند در تپه‌های «تکوآ» کشف شدند.

کوبی و یوسف به این دلیل به قتل رسیده بودند که به آن جوانان فلسطینی تنفر و آدمکشی را آموخته بودند. در واقع به آنان آموخته بودند که از یهودیان متنفر باشند و آنان را به قتل رسانند.

در آن زمان به نظر می‌رسید که رسانه‌ها سعی در پیچاندن واقعه داشتند و مقتولین را به جای قاتلین مقصر مرگ خود معرفی می‌کردند!

آن زمان بر ما روشن بود که بیشتر مردم جهان درکی از این نداشتند که رهبران فلسطینی رسماً تنفر از یهودیان را تبلیغ می‌نمودند و اشخاص یا

مؤسسات غیردولتی و حتی دولتهایی که به فلسطینیان کمک‌های مالی می‌کردند، هرگز دخالتی در چگونگی مصرف مبالغ اهدایی خود نداشتند و البته هنوز هم ندارند!

ما، سازمان «با ما بایستید» را سیزده سال قبل براه انداختیم اجساد کوبی و یوسف در هشتم ماه می کشف شدند و ما، «با ما بایستید» را دو هفته بعد در بیست و یکم ماه راه اندازی کردیم. ما همچنان ایستاده‌ایم و باز شاهد قتل فجیع سه فرزند گمشده‌ی بنی اسرائیل هستیم که به دست کسانی که نفرت و کشتار یهودیان را فرا گرفته‌اند نابود شده‌اند. ایال، نفتالی و گیلعاد، این سه فرزند ما در نتیجه تشویق تنفر و قتل قوم یهود به قتل رسیده‌اند. نازی‌ها نیز با ما چنین کرده بودند.

من هشتاد عضو خانواده‌ی خود را در نتیجه‌ی تنفر و تحریک و تبلیغ سوء از دست دادم. همیشه تبلیغ نفرت و رزی و خشونت، قتل را در پی خواهد داشت و نباید کسی از چنین نتیجه‌ای حیرت نماید. این مسئله، یک دور باطل و یک دایره‌ی وحشت است و لازم است که ما این دور را متوقف نماییم. دل‌های ما شکسته‌اند اما قوم یهود نیرومند است. ما هنوز هم بمانند یک قوم





از سوی دیگر اما کسانی که بی تفاوت در کنار معرکه ایستاده‌اند و حتی با مشاهده‌ی فجایع نیز کاری نمی‌کنند نیز می‌توانند شریک جرم به حساب بیایند. حکومت فلسطینی، که آموزش تفکر نژادی و تحریکات خشونت آمیز را در مدارس، برنامه‌های تلویزیونی، مطبوعات و سخنرانی‌های خود نهادینه کرده است، نماد بارز و مسئول این فجایع است.

آیا در میان ما کسانی هستند که اسرائیل را دوست می‌دارند، اما کاری برای آن نمی‌کنند؟ زمان ایستادن در دفاع از اسرائیل، قبل از تشییع جنازه‌هاست و هدف آنست که تشییع جنازه‌ای در کار نباشد.

زمانی که تفکر را در مساجد تبلیغ می‌کنند و در مدارس به کودکان فلسطینی می‌آموزند، زمانی است که باید در دفاع از اسرائیل بایستیم و نقطه‌ی پایانی به تعلیمات کشتار جمعی بگذاریم.

هم اکنون سه نوجوان عزیزی را به خاک سپرده‌ایم که امکان تجربه کردن زندگی را نیافتند. اینک در سوگ آنها نشسته‌ایم اما لازم است که لااقل به نام این جوانان عملی هم انجام دهیم. ما می‌توانیم و باید که کاری انجام دهیم به ما ببینید تا متحداً در جهت تغییر اوضاع دست به کار شویم.

بباید امضای خود را زیر یک درخواست ساده مبتنی بر قطع کمک‌های دولتی به تروریسم فلسطینی بگذارید. همین امشب به وب سایت «NoTaxesForTerror.com» مراجعه کنید و درخواست مربوطه را امضا کنید. ببینید جزئی از این تلاش باشید.

دوستان عزیز اسرائیل، ما نمی‌توانیم در برابر تحریکات خطرناکی که بر علیه یهودیان و کشور اسرائیل در جریان است، بی‌تفاوت باشیم.

امشب لازم است که متحداً بگوئیم که «دیگر بس است». بگوئید «هینه - انی» من اینجا هستم! این منم! بنام ایال، نفتالی و گیلعاد من آماده‌ام که برای تغییر اوضاع قدمی بردارم، به امید آنکه ۱۳ سال بعد، یا به امید خداوند، زودتر اوضاع تغییر یافته باشد.

به نام ایال، نفتالی و گیلعاد، من بی‌تفاوت نخواهم ماند، ساکت نخواهم بود و شریک جرم جنایات نخواهم گردید.

قوم یهود جاودانه خواهد بود

متشکر

شانه به شانه ایستاده‌ایم و در کنار مردمان پاک غیریهودی نیز خواهیم ایستاد و در کنار خانواده‌های داغدار به آنها تسلی خواهیم داد. غم آنها، غم ماست و درد این خانواده‌ها، درد جمعی ما.

امشب اما، لازمست که قدرت خود را بازیابیم و تلاش خود را در جهت تغییر شرایط ظاهراً تغییر ناپذیر بکار اندازیم. امشب، باید که وجود خود را وقف تغییر نماییم.

می‌خواهم که امشب به یاد گیلعاد، نفتالی و ایال، مطلب مهمی را با شما در میان بگذارم. من و شما، همواره مالیات پرداخته‌ایم و مالیات ما کماکان به مصرف عملیات تروریستی، همانند قتل این سه جوان رسیده و می‌رسد! بگذارید که چگونگی آنرا برای شما توضیح دهیم. مطلب در واقع بسیار ساده است. دولت ما (آمریکا) سالانه پانصد میلیون دلار به فلسطینیان کمک مالی می‌کند!

از این مبلغ به مبلغ گزاف دیگری که اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی به فلسطینیان می‌پردازند، شصت میلیون دلار به تشکیلات «وزارت زندانیان» فلسطینی اختصاص دارد. وزارت زندانیان فلسطینی، دقت خاصی به خرج می‌دهد که مجرمین محکوم شده‌ی فلسطینی در زندان‌های اسرائیلی حقوق ماهانه دریافت کنند.

از آقای عیسی کاراکه، از مسئولین وزارت زندانیان فلسطینی نقل قول می‌کنم که این حقوق ماهانه «با احترام به مبارزه و فداکاری» آنهاست که بموجب قوانین فلسطینی، به مثابه «شهید» یا «اسرای جنگی» و «مقاومت کنندگان در برابر اشغال» شناخته شده‌اند، پرداخت می‌گردد.

ماهانه هزاران دلار به هر کدام از مجرمین محکوم شده پرداخت می‌شود و هر چه جنایت آنان شدیدتر باشد، حقوق ماهانه آنها بیشتر است. زندانیان مربوطه هم چک‌های خود را به نام خانواده یا دوستان خود پشت نویسی و امضا کرده و به آنان واگذار می‌نمایند.

چگونه می‌توان در شرایطی که قتل و تروریسم را چنین پاداشی می‌دهند، انتظار صلح داشت؟

وزارت زندانیان فلسطینی، از نظر میزان بودجه، سومین دریافت کننده‌ی کل بودجه فلسطینی است!

این پول، پول من و پول شماست که به چنین مصرفی می‌رسد. به نام گیلعاد، ایال و نفتالی، باید که یکبار هم که شده با صدای بلند و رسا اعلام کنیم که «دلار مالیاتی من نمی‌تواند به چنین مصارفی برسد».

دوستان عزیز اسرائیل

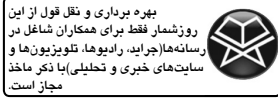
زمانی که یک بمبگذار انتحاری خود را به منظور قتل دیگران منفجر می‌کند، تقصیر کیست؟ چه کسی مسئول آنست؟ کسی که او را به محل انفجار منتقل کرده است؟ کسی که بمب را ساخته است؟ مرشد و معلمی که مردم را به مرحله چنین خشمی رسانده است؟ به خشمی تا حد قتل؟ چه کسانی شریک جرم قتلند؟ آیا اتحادیه اروپا که هنوز با توجیه تروریسم به کمک‌های مالی خود ادامه می‌دهد شریک جرم نیست یا تبلیغات چینی که خشم ضداسرائیلی را در جریان برنامه‌های تحریم در جهان پراکنده می‌سازند، چنین نیستند؟



# روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران

## ۱۰ مرداد تا ۹ شهریور

### August 2013



بهره برداری و نقل قول از این روز شمار فقط برای همکاران شاغل در رسانه‌ها (جراید، رادیوها، تلویزیون‌ها و سایت‌های خبری و تحلیلی) با ذکر مآخذ مجاز است.

۱۳۱۰ خورشیدی (۱۹۳۱ میلادی)

زادروز جلال ستاری، مترجم

۱۳۱۵ خورشیدی (۱۹۳۶ میلادی)

درگذشت شیخ خزعل، از حاکمان پیشین خوزستان (زاده ۱۲۴۲)

۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی)

درگذشت قمرالملوک وزیری هنرمند آوازخوان

قمرالملوک در تاکستان قزوین زاده شد. هنگام تولد پدر نداشت و در ۱۸ ماهگی مادرش هم مرد و از این زمان تحت سرپرستی مادر بزرگش که روضه‌خوان زنانه حرم ناصرالدین شاه بود قرار گرفت. او در جایی گفته است: «من مدیون تربیت اولیه خودم هستم. چرا که همان پامنبری کردن‌ها به من جرأت خوانندگی داد.»

در جوانی پس از آشنائی با استاد مرتضی نی‌داود با ردیف موسیقی ملی آشنا شد و راهش را برای کسب تجربیات از استادان دیگر هموار ساخت. کار پیشرفت قمر در مدتی کوتاه به آنجا رسید که کمپانی «هین ماسترن ویس» به خاطر ضبط صدای او دستگاه صفحه پر کنی به تهران آورد. بعد از آن کمپانی «پولیفون» هم آمد. به گفته ساسان سپینتا ۲۰۰ صفحه از قمر ضبط شده است.

قمر نخستین کنسرت خود را در سال ۱۳۰۳ برگزار کرد. روز بعد نظمیه از او تعهد گرفت که بی‌حجاب کنسرت ندهد. قمر عواید کنسرت را به امور خیریه اختصاص داد. قمر در سفر خراسان در مشهد کنسرت داد و عواید آن را صرف آرامگاه فردوسی نمود. در همدان در سال ۱۳۱۰ کنسرت داد و ترانه‌هایی از عارف خواند. وقتی نیرالدوله والی خراسان چند گلدان نقره به او هدیه کرد آن را به عارف پیشکش نمود. با این که عارف مورد غضب والی و دستگاه رضاشاه بود. در سال ۱۳۰۸ به نفع شیر و خورشید سرخ کنسرت داد و عواید آن به بچه‌های یتیم اختصاص داده شد.



گشایش رادیو ایران در سال ۱۳۱۹ صدای قمر را به عموم مردم رساند. عارف قزوینی و ایرج میرزا و تیمورناتاش وزیر دربار، شیفته او شده بودند. با اینهمه قمر از گردآوری زر و سیم پرهیز می‌کرد و درآمدهای بزرگ و هدایای گران را به فقرا و محتاجان می‌داد. قمرالملوک وزیری در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۳۸ در شمیران، در فقر و تنگدستی مطلق به سگته مغزی درگذشت. وی در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شده است.

آثار قمرالملوک وزیری در مرکز موسیقی و فیلم ایران وابسته به شرکت کتاب موجود است

۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)

زادروز ترانه مکر، ترانه‌سرا

۱۳۶۲ خورشیدی (۱۹۸۳ میلادی)

زادروز لیلیا اوتادی، بازیگر سینما و تلویزیون

۱۳۷۸ خورشیدی (۱۹۹۹ میلادی)

درگذشت پرویز شاپور، طنزپرداز

۱۳۷۸ خورشیدی (۱۹۹۹ میلادی)

درگذشت نورالدین کیانوری، دبیر کل حزب توده ایران از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۲

کتاب خاطرات نورالدین کیانوری در شرکت کتاب موجود است

۱۵ مرداد (۶ آگوست)

۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی)

زادروز عطاءالله مهاجرانی، منتقد و محقق، وزیر ارشاد در دوران محمد خاتمی، از

۱۰ مرداد (۱ آگوست)

۱۳۰۷ خورشیدی (۱۹۲۸ میلادی)

زادروز ابراهیم قنبری مهر، استاد ساخت و مرمت ساز

۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)

زادروز محمود دولت آبادی، قصه نویس، متولد شهرستان سبزوار. آثار او به این شرح هستند: لایه‌های بیابانی، کارنامه سپنج (نمایشنامه)، سفر، آوسنه بابا سبحان، گاواره‌بان، جای خالی سلوچ، عقیل-عقیل، از خم چنبر، کلیدر، روزگار سپری شده مردم سالخورده، اتویوس، سلوک، آن مادیان سرخ یال، طریق بسمل شدن، زوال کلنل (نوشتۀ شده در سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۸۰ میلادی - به زبان فارسی منتشر نشده است)، تنگنا، باشبیرو، ققنوس، ناگریزی و گزینش هنرمند، موقعیت کلی هنر و ادبیات کنونی، دیدار بلوچ، ما نیز مردمی هستیم، هجرت سلیمان، مرد، آهوی بخت من گزل، روز و شب یوسف، آن مادیان سرخ یال، ته شب، رد، گفت و گزار سپنج، نون نوشتن من و آن دیگران

شماره ۱ از آثار محمود دولت آبادی در شرکت کتاب موجودند

۱۳۲۳ خورشیدی (۱۹۴۴ میلادی)

زادروز محمد سریر، آهنگساز، و شاکرد حشمت سنجر

۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱ میلادی)

زادروز محمود نیکبخت، منتقد و پژوهشگر

۱۳۴۱ خورشیدی (۱۹۶۲ میلادی)

زادروز مسعود لوسانی روزنامه نگار و وبلاگ نویس

۱۳۷۲ خورشیدی (۱۹۹۳ میلادی)

درگذشت پرویز خطیبی، روزنامه‌نگار، طنزپرداز، برنامه‌ساز رادیو و تلویزیون، و نمایشنامه‌نویس

شرکت کتاب کامل‌ترین نسخه خاطرات او را با عنوان «خاطراتی از هنرمندان» منتشر کرده است.

۱۱ مرداد (۲ آگوست)

۱۳۰۵ خورشیدی (۱۹۲۶ میلادی)

زادروز محمد زهری، شاعر

۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)

درگذشت هوشنگ شهابی، شاعر، آهنگ‌ساز، ترانه‌سرا و مترجم و همسر خانم مهین شهابی، هنرمند پیشکسوت تئاتر و سینما در لندن.

۱۳ مرداد (۴ آگوست)

۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۶ میلادی)

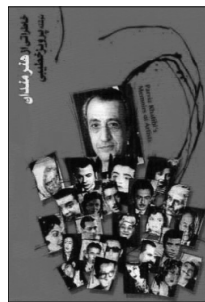
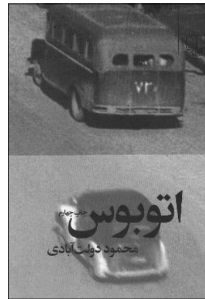
صدور فرمان مشروطیت در ایران، توسط مظفرالدین شاه پنجمین شاه قاجار

۱۴ مرداد (۵ آگوست)

۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۶ میلادی)

سالگرد انقلاب مشروطیت

کتابچه قانون اساسی مشروطیت در شرکت کتاب موجود است





ایران» بر آن نهاده شد  
۱۳۱۳ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)  
زادروز ساسان سپنتا، موسیقی شناس و مؤلف  
۱۳۴۷ خورشیدی (۱۹۶۸ میلادی)  
زادروز سیامک گلشیری، نویسنده و مترجم  
آثار سیامک گلشیری در شرکت کتاب موجود است  
۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)  
درگذشت تقی حاج‌آخوندی مشهور به نوذر پرنگ،  
غزلسرا و شاعر بلندپایه معاصر در سن ۶۹ سالگی در  
تهران.

وی در ۲۰ اسفند ۱۳۱۶ در تهران متولد شد و دو کتاب  
«فرصت درویشان» (۱۳۶۵) و «آن سوی باد» (۱۳۸۲) از آثار معروف و ماندگار  
اوست و منظومه «ساقی‌نامه» وی مشهور است.  
طبق وصیت او، پیکرش در قطعه هنرمندان گورستان بهشت زهرا در کنار علی  
تجویدی به خاک سپرده شد.  
نوذر پرنگ در سال ۱۳۸۵ به مدت ۶ ماه با شرکت کتاب در لوس آنجلس همکاری  
داشت.

کتاب شعر با عنوان «آن سوی باد» نوذر پرنگ در شرکت کتاب موجود است

### ۲۳ مرداد (۱۴ آگست)

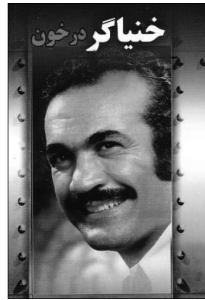
۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۱ میلادی)  
کمیته انقلاب ایران با امضای میرزا کوچک خان جنگلی و حیدر عموآغلی، اعلامیه  
تشکیل حکومت جمهوری شوروی را در رشت منتشر کرد  
۱۳۰۸ خورشیدی (۱۹۲۹ میلادی)  
دولت ایران، دولت نجد و حجاز (عربستان سعودی) را به رسمیت شناخت  
۱۳۲۳ خورشیدی (۱۹۴۴ میلادی)  
زادروز علی حاتمی، کارگردان و فیلمنامه نویس ایرانی  
۱۳۲۵ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)  
زادروز بابک بیات، آهنگساز  
۱۳۷۶ خورشیدی (۱۹۹۷ میلادی)  
درگذشت ناصر فرهنگفر، نوازنده تنبک  
۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)  
درگذشت مهرداد فخمی، فیلمبردار صاحب نام سینمای ایران بر اثر بیماری. وی  
اولین کار خود را با فیلم «غریبه و مه» از بهرام بیضایی شروع کرد. وی تحصیلات  
خود را در رشته فیلمبرداری در آلمان به اتمام رسانیده بود. از فیلم‌هایی که او  
فیلمبرداری آن را بر عهده داشته می‌توان به «مسافران»، «کمال‌الملک»، «هزارستان»،  
«ناخدا خورشید» و... را نام برد.

### ۲۴ مرداد (۱۵ آگست)

۱۳۳۷ خورشیدی (۱۹۵۸ میلادی)  
زادروز حمید متبسم، آهنگساز و نوازنده تار و سه‌تار  
۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۷ میلادی)  
درگذشت الهه (بهار غلامحسین)، بر اثر سرطان در سن ۷۳ سالگی در بیمارستان  
پارسیان در تهران. او کار خود را با خواندن تصنیف‌هایی از شیدا، عارف،  
درویش‌خان و علی‌تقی وزیری آغاز نمود.

### ۲۵ مرداد (۱۶ آگست)

۱۳۲۸ خورشیدی (۱۹۴۹ میلادی)  
محمود نامجو، رکورد وزنه‌برداری جهان را شکست و «آقای دنیا» لقب گرفت  
۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)  
در اثر تظاهرات ضد حکومت شاه، محمد رضا شاه پهلوی همراه با خانواده ایران  
را ترک کرد.  
۱۳۵۱ خورشیدی (۱۹۷۲ میلادی)  
زادروز لونا شاد - گوینده تلویزیون صدای آمریکا و بازیگر سینما  
۱۳۵۸ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
زادروز رضا صادقی - خواننده موسیقی پاپ  
۱۳۷۳ خورشیدی (۱۹۹۴ میلادی)  
درگذشت احمد فرید (احمد مهینی یزدی) - فیلسوف معاصر که مورخین معتقدند  
که لفظ «غرب زدگی» را او نخستین بار به کار برد.



سال ۱۳۸۸ و سرکوب جنبش سبز به خارج از کشور  
گریخته است.  
۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۵۵ میلادی)  
زادروز بیژن الهی، شاعر  
۱۳۷۱ خورشیدی (۱۹۹۲ میلادی)  
ترور و قتل فریدون فرخزاد، شاعر، بازیگر، و خواننده  
Xaniyagar در خون - در شناخت و بزرگداشت فریدون  
فرخزاد از انتشارات شرکت کتاب به نگارش میرزا عسگری  
مانی منتشر شده است.  
۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)  
درگذشت حسین پناهی شاعر و بازیگر تئاتر و سینما و  
تلویزیون، در تهران

### ۱۶ مرداد (۷ آگست)

۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)  
ترور و قتل تیمور بختیار، اولین رئیس ساواک در حکومت پهلوی، در کشور عراق  
۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۱ میلادی)  
ترور و قتل فجیع دکتر شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر ایران در دوران  
محمدرضاشاه پهلوی و سروش کتیبه، منشی مخصوص شاپور بختیار و از اعضای  
جبهه ملی توسط مامورین جمهوری اسلامی در پاریس

### ۱۷ مرداد (۸ آگست)

۱۳۲۰ خورشیدی (۱۹۴۱ میلادی)  
زادروز اسدالله ملک، آهنگساز و نوازنده ویلون

### ۱۸ مرداد (۹ آگست)

۱۳۶۲ خورشیدی (۱۹۸۳ میلادی)  
درگذشت امین‌الله آندره حسین آهنگساز ایرانی، ساکن فرانسه  
۱۳۷۸ خورشیدی (۱۹۹۹ میلادی)  
درگذشت رعدی آذرخشی، شاعر

### ۱۹ مرداد (۱۰ آگست)

۱۲۹۴ خورشیدی (۱۹۱۵ میلادی)  
قوای نظامی انگلیس وارد بوشهر شد و ژاندارم‌های ایرانی را خلع سلاح کرد  
۱۳۱۳ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)  
مؤسسه خبری «ژانز پارس» افتتاح شد  
۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)  
درگذشت بهجت صدر نقاش معاصر ایرانی در ۸۵ سالگی بر اثر سکته قلبی در جنوب  
فرانسه.

بهجت صدر در سال ۱۳۰۳ در شهر اراک زاده شد. وی نخستین زن ایرانی است که  
نقاشی آستره، کولاز و چینه چینی را برگزید و سبک‌های مختلفی را در نقاشی  
تجربه کرد.

### ۲۰ مرداد (۱۱ آگست)

۱۲۹۷ خورشیدی (۱۹۱۸ میلادی)  
امضای موافقت‌نامه بین میرزا کوچک خان و انگلیس‌ها و آزادی انگلیس‌ها در عبور از  
کیلان برای رسیدن به قفقاز

### ۲۱ مرداد (۱۲ آگست)

۱۳۱۳ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)  
نام شهر «ترشیز» به «کاشمر» تبدیل شد  
۱۳۶۷ خورشیدی (۱۹۸۸ میلادی)  
زادروز الناز حبیبی، بازیگر

### ۲۲ مرداد (۱۳ آگست)

۱۲۸۹ خورشیدی (۱۹۱۰ میلادی)  
خبیر نخستین «کنگره‌ی آموزشی مدارس دخترانه ایران» در روزنامه تایمز چاپ شد  
۱۳۰۱ خورشیدی (۱۹۲۲ میلادی)  
بانک «استقراضی» روس، به وزارت دارایی ایران تحویل داده شد و نام «بانک



۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)

قتل عاطفه رجبی سهاله (زاده ۱۳۶۶ مشهد- اعدام شده در ۲۵ مرداد ۱۳۸۳) نکا) دختر دانش آموز ۱۶ ساله‌ای بود که توسط دادگاه به اتهام جریحه دار کردن عفت عمومی توسط قاضی حاج رضایی (رییس دادگستری نکا) به اعدام محکوم شد. حکم اعدام او توسط دیوان عالی کشور در یک هفته تأیید شد. قاضی حاج رضایی طناب دار را شخصاً به گردن وی انداخت و او را در میدان شهر نکا بدار آویخت.

**۲۶ مرداد (۱۷ آگست)**

۱۳۶۳ خورشیدی (۱۹۸۴ میلادی)

زادروز علی عبدالملکی، خواننده، آهنگساز، ترانه سرا و تنظیم کننده

**۲۷ مرداد (۱۸ آگست)**

۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)

کمال الملک نقاش معاصر در سن ۹۳ سالگی در نیشابور درگذشت  
۱۳۳۷ خورشیدی (۱۹۵۸ میلادی)

زادروز حسام‌الدین سراج، هنرمند آواز و آهنگساز

آثار این هنرمند در مرکز موسیقی و فیلم ایران وابسته به شرکت کتاب موجود است

۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۱ میلادی)

زادروز علی‌رضا پنجه‌ای، شاعر

۱۳۵۵ خورشیدی (۱۹۷۶ میلادی)

سازمان تربیت بدنی منحل شد

۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)

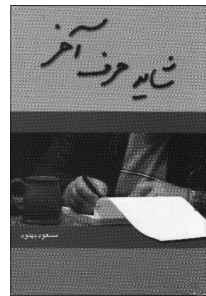
درگذشت جواد حدیدی، نویسنده و پژوهشگر و عضو دائمی فرهنگستان ایران

۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۷ میلادی)

درگذشت احمد شهیدی، آخرین بازمانده نسل اول روزنامه‌نگاران مدرن ایران. او خبرنگاری را از سال ۱۳۱۳ آغاز کرد.

۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)

درگذشت مسعود برزین در تهران. وی از روزنامه‌نگاران و کارشناسان روابط عمومی دوران پهلوی دوم بود. وی در دولت شاپور بختیار، آخرین دولت حکومت پهلوی، مدتی ریاست رادیو و تلویزیون ملی را به عهده داشت و قبل از آن مسئول روابط عمومی دفتر فرح پهلوی و روابط عمومی شرکت نفت در آبادان بود. وی همچنین از بنیانگذاران سندیکای نویسندگان و خبرنگاران ایران محسوب می‌شد.



**۲۸ مرداد (۱۹ آگست)**

۱۳۲۵ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)

زادروز مسعود بهنود، نویسنده و روزنامه‌نگار ایرانی

آثار مکتوب مسعود بهنود در شرکت کتاب موجود است

۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)

موفقیت سازمان سیای آمریکا در کودتا بر علیه دولت محمد مصدق

برای پی بردن به چرایی و چگونگی به ثمر رسیدن کودتای ۲۸ مرداد، کتاب سوداگری با تاریخ نوشته‌ی محمد امینی در پاسخ به آسیب شناسی یک شکست نوشته علی میرفطروس - جلد یکم از انتشارات شرکت کتاب را مطالعه بفرمایید

۱۳۵۱ خورشیدی (۱۹۷۳ میلادی)

احمد زبیرم، عضو شبکه‌ی سیاهکل، در زد و خورد با مأموران انتظامی کشته شد

۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)

حدود ۴۰۰ نفر از مردم آبادان در سینما رکس این شهر به آتش کشیده شدند. آخوندها دولت را منتهم کردند، اما پس از انقلاب معلوم شد که به دستور شخص روح الله خمینی این کار انجام شده و رهبر کنونی نظام، سیدعلی خامنه‌ای نیز در این جنایت دست داشته است.

۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)

درگذشت شعبان جعفری پس از مدتی بیماری در شهر لوس آنجلس امریکا.

**۲۹ مرداد (۲۰ آگست)**

۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)

زادروز عارف عارف‌فک، خواننده و هنرمند

۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)

وینستون چرچیل، نخست‌وزیر انگلستان برای شرکت در «کنفرانس تهران» وارد تهران شد

۱۳۴۷ خورشیدی (۱۹۶۸ میلادی)

فرمان تشکیل فرهنگستان صادر شد.

۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)

درگذشت تورج نگهبان، شاعر و ترانه‌سرای با نوق ایرانی در بیمارستان نازنای لوس آنجلس. وی متولد هفتم اردیبهشت سال ۱۳۱۱ در اهواز بود.

۱۳۹۰ خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)

درگذشت رضا بدیعی، کارگردان ایرانی هالیوود در بیمارستان یوسی‌ال‌ای در شهر لوس آنجلس در سن ۸۱ سالگی. وی به «پدرخوانده تلویزیون آمریکا» نیز شهرت داشت.

**۳۰ مرداد (۲۱ آگست)**

۱۳۰۸ خورشیدی (۱۹۲۹ میلادی)

زادروز نجف دریابندری، مترجم

۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)

تعیین نام خانوادگی برای عموم اجباری شد

۱۳۳۶ خورشیدی (۱۹۵۷ میلادی)

کنگره فرهنگیان کشور گشایش یافت

**۳۱ مرداد (۲۲ آگست)**

۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)

بازگشت محمد رضا شاه پهلوی به ایران

۱۳۴۲ خورشیدی (۱۹۶۳ میلادی)

دانشسرای عالی به دانشگاه تربیت معلم تغییر نام داد

۱۳۵۳ خورشیدی (۱۹۷۴ میلادی)

جمعیت کل کشور به ۳۲ میلیون و ۳۰۰ هزار و ۸۱۰ نفر برآورد شد

۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)

درگذشت سید بزرگ محمودی (متولد ۱۳۱۸) مشهور به دکتر محمودی، همسر ایرانی بتی محمودی خالق رمان بدون دخترم هرگز

**۱ شهریور (۲۳ آگست)**

۱۲۹۶ خورشیدی (۱۹۱۷ میلادی)

تشکیل کمیته ابالتی حزب دمکرات در تبریز

۱۳۰۳ خورشیدی (۱۹۲۴ میلادی)

زادروز دکتر محمد جعفر محبوب- ادیب، پژوهنده و استاد دانشگاه تهران

آثار زنده یاد دکتر محبوب در شرکت کتاب موجودند

۱۳۰۷ خورشیدی (۱۹۲۸ میلادی)

حسین علاء، وزیر مختار ایران در پاریس از تهران دستور گرفت که پانزده نفر معلم برای مدارس متوسطه ایران استخدام کند

۱۳۰۹ خورشیدی (۱۹۳۰ میلادی)

انتشار روزنامه‌ی «ایران آزاد» به مدیریت ضیاء‌الواعظین

۱۳۱۱ خورشیدی (۱۹۳۲ میلادی)

زادروز محمد زنگنه - نقاش و مدرس نگارگری

۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)

دانشگاه جنگ تأسیس شد

۱۳۲۷ خورشیدی (۱۹۴۸ میلادی)

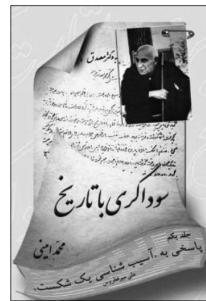
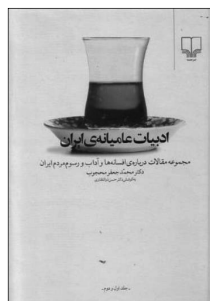
زادروز بیژن کارگر مقدم، داستان‌نویس برون مرزی

۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۸ میلادی)

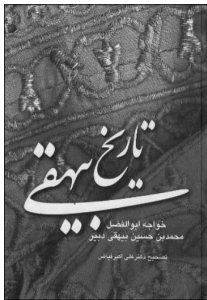
زادروز گوهر خیراندیش، بازیگر

۱۳۵۵ خورشیدی (۱۹۷۶ میلادی)

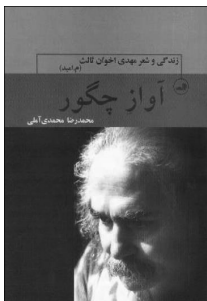
سه کنگره از سوی کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در شهرهای مختلف امریکا برگزار شد







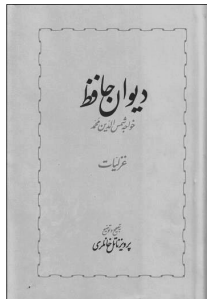
۱۳۴۶ خورشیدی (۱۹۶۷ میلادی)  
 درگذشت سیدفخرالدین شادمان - نویسنده و حقوقدان  
 ۱۳۵۰ خورشیدی (۱۹۷۱ میلادی)  
 درگذشت علی‌اکبر فیاض، استاد ادبیات فارسی و  
 مصحح تاریخ بیهقی  
 کتاب تاریخ بیهقی تصحیح شادروان فیاض در شرکت  
 کتاب موجود است  
 ۱۳۵۸ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
 ترور حاج مهدی عراقی و فرزندش حسام توسط گروه  
 فرقان  
 ۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)



صدور حکم نخست‌وزیری رجائی توسط بنی‌صدر  
 ۱۳۶۹ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی)  
 درگذشت مهدی اخوان ثالث، شاعر  
 آثار مهدی اخوان ثالث این شاعر برجسته معاصر  
 ایران در شرکت کتاب موجود است  
 ۱۳۷۶ خورشیدی (۱۹۹۷ میلادی)  
 درگذشت بیژن نجدی - نویسنده و شاعر گیلانی  
 ۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)  
 درگذشت همایون صنعتی، بنیانگذار انتشارات فرانکلین  
 در تهران.



کتاب جنبش دانشجویی کندراسیون جهانی محصلین  
 و دانشجویان ایرانی (۲ جلدی) نوشته حمید شوکت از  
 انتشارات شرکت کتاب بهترین ماخذ و مرجع برای مطالعه  
 بروی این جنبش دانشجویی و تاثیر آن بر تحولات ایران در  
 دوران سلسله پهلوی و سقوط آن می‌باشد  
 ۱۳۵۶ خورشیدی (۱۹۷۷ میلادی)  
 یک گروه ۱۳ نفری از دانشجویان ایرانی با شعار مخالفت  
 با استبداد، سفارت ایران در لاهه را اشغال کردند  
 ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)  
 درگذشت محمد پروین کنابادی - نویسنده و پژوهنده  
 ۱۳۶۹ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی)



درگذشت دکتر پرویز نائل خانلری - پژوهشگر، نویسنده،  
 شاعر و روزنامه‌نگار.  
 آثار دکتر پرویز نائل خانلری در شرکت کتاب موجود  
 است، دیوان حافظ دو جلدی از زمره تالیفات اوست  
 ۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)  
 درگذشت مهین شهابی، بازیگر پیشکسوت سینما و  
 تلویزیون ایران که مدتها به دلیل ابتلا به تومور مغزی در  
 بیمارستان پارس تهران بستری بود.

۲ شهریور (۲۴ آگست)

۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۱ میلادی)  
 انتشار روزنامه «طوفان» به مدیریت محمد فرخی یزدی و سردبیری موسوی زاده  
 یزدی در تهران  
 ۱۳۲۷ خورشیدی (۱۹۴۸ میلادی)  
 انتخاب عباس خلیلی مدیر روزنامه‌ی «آقدام» به نیابت ریاست عمومی نشریه  
 «اتحاد اسلام»

۳ شهریور (۲۵ آگست)

۱۳۱۳ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)  
 زاروز آخوند اکبر هاشمی بهرامی (هاشمی رفسنجانی)، از اعضای شورای انقلاب  
 اسلامی، شریک جرم در به قتل رساندن محافظان شاه فقید، رییس مجلس شورای  
 اسلامی، رییس جمهور، رییس مجلس خبرگان رهبری و رییس مجلس تشخیص  
 مصلحت نظام و یکی از متهمان اصلی انفجار مرکز یهودیان در بونئوس آیرس  
 آرژانتین و تحت تعقیب پلیس بین الملل  
 ۱۳۱۷ خورشیدی (۱۹۳۸ میلادی)  
 درگذشت نصرالله خان مین‌باشیان، موسیقیدان  
 ۱۳۲۰ خورشیدی (۱۹۴۱ میلادی)  
 اشغال ایران توسط قوای متفقین  
 ۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۵ میلادی)  
 در پی رد اعتبارنامه و توقیف روزنامه «آزیر»، سیدجعفر پیشه‌وری وارد تبریز شد  
 و با صدور بیانیه‌یی، خودمختاری آذربایجان را اعلام کرد  
 ۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)

دو شبکه‌ی «خانه‌ی صلح» و «سازمان جوانان» وابسته به حزب توده‌ی ایران  
 کشف و متلاشی شد  
 ۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)  
 درگذشت علی‌اصغر حکمت - ادیب، پژوهنده و سیاستمدار و نخستین رئیس  
 دانشگاه تهران  
 ۱۳۷۷ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی)  
 قتل پیروز دوانی، ناشر و فعال سیاسی، به وسیله‌ی قاتلان «قتل‌های زنجیره‌ای»

۴ شهریور (۲۶ آگست)

۱۳۱۳ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)  
 زاروز محمد اسماعیلی، نوازنده تنبک  
 ۱۳۱۵ خورشیدی (۱۹۳۶ میلادی)  
 زاروز مرتضی ممیز، طراح گرافیک (درگذشت ۱۳۸۴)  
 ۱۳۱۷ خورشیدی (۱۹۳۸ میلادی)  
 گشایش راه‌آهن سراسری ایران  
 ۱۳۳۹ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی)  
 زاروز اکبر عیدی، بازیگر سینما و تلویزیون

۵ شهریور (۲۷ آگست)

۱۳۰۹ خورشیدی (۱۹۳۰ میلادی)  
 زاروز غلامرضا تختی - قهرمان کشتی ایران و جهان  
 ۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱ میلادی)  
 مجله «فروغ بانوان» به مدیریت عالیله جعتی منتشر شد  
 ۱۳۳۹ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی)  
 کناره‌گیری دکتر منوچهر اقبال از نخست‌وزیری  
 شریف امامی به فرمان شاه نخست‌وزیر شد  
 ۱۳۴۲ خورشیدی (۱۹۶۳ میلادی)  
 تشکیل کنگره «نهضت آزادزان و آزاد مردان» توسط دولت  
 ۱۳۴۷ خورشیدی (۱۹۶۸ میلادی)  
 انتخاب خانم فرخ‌رو پارسا به عنوان اولین وزیر زن در ایران  
 ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۸)  
 سقوط دولت جمشید آموزگار و روی کار آمدن دولت شریف امامی  
 ۱۳۷۷ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی)  
 درگذشت فرهاد گرکانی - نویسنده در لوس آنجلس  
 درگذشت بونصر عصد معاون اتاق صنایع و معادن و ریاست هیأت مدیره بانک  
 اعتبارات، در فرانسه - متولد سال ۱۲۹۱  
 ۱۳۸۶ خورشیدی (۱۹۹۷ میلادی)  
 درگذشت مارکو گریگوریان، نقاش، هنرشناس و بازیگر ایرانی - ارمنی

۶ شهریور (۲۸ آگست)

۱۳۱۱ خورشیدی (۱۹۳۲ میلادی)  
 درگذشت میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک - ادیب و سیاستمدار  
 ۱۳۵۵ خورشیدی (۱۹۷۶ میلادی)  
 ترور سه تن از مستشاران آمریکایی در تهران، اوج‌گیری برخوردهای مسلحانه  
 گروه‌های چریکی با نیروهای انتظامی  
 ۱۳۶۴ خورشیدی (۱۹۸۵ میلادی)  
 درگذشت دکتر عباس آریانیور کاشانی - نویسنده و مترجم در کالیفرنیا - آمریکا  
 ۱۳۷۳ خورشیدی (۱۹۹۴ میلادی)  
 درگذشت کمال الدین مستجاب‌الدعوه برنامه‌ساز رادیو  
 کمال الدین مستجاب‌الدعوه در سال ۱۳۲۴ فعالیت خود را در رادیو آغاز کرد.  
 در سال ۱۳۲۷ سرپرست نمایش‌های رادیو شد و در سال ۱۳۳۴ عهده دار برنامه  
 «بانوان» گردید و پس از آن نیز در زمره گویندگان رادیو قرار گرفت. وی طی  
 سفرهای زیادی که به خارج از کشور داشت به مطالعه پیرامون رادیو پرداخت و در  
 سال ۱۳۳۸ به ریاست اداره انتشارات و رادیو شهرستان‌ها منصوب گردید. در سال  
 ۱۳۴۵ جمعیت «همبستگان ادب و هنر» را که یک تشکل هنری - صنفی بود، تشکیل

ادامه در صفحه بعد



# Persian Radio

## پرشین رادیو



[www.epersianradio.com](http://www.epersianradio.com)  
[info@epersianradio.com](mailto:info@epersianradio.com)

### Hotbird New!

Frequency 11200 Horizontal  
SymbolRate 27500  
FEC Automatic

### Eutelsat W3A

Frequency 10721 Horizontal  
Symbol Rate 22000  
FEC 1/2

### Telstar 5

Frequency 11966 Horizontal  
Symbol Rate 22000  
FEC Automatic



Studio: (818) 981 - 1200

Office: (818) 817 - 7700

Address: 15720 Ventura Blvd., #228, Encino, CA 91436

داد. هدف آن بدست آوردن حقوق صنفی و اجتماعی ادبا و هنرمندان ایران بود. او با همکاری خانم فروزنده اربابی هر روز صبح جمعه با برنامه شما و رادیو به خانه های ایرانیان می آمد که برای سالها از پرطرفدارترین برنامه های رادیو به شمار می رفت. یکی از بخش های اصلی برنامه شما و رادیو مسابقه هوش بود که توسط شادروان مستجاب الدعوه به نحو بسیار زیبایی ارائه می شد که هنوز پس از گذشت قریب به ۴ دهه در ذهن شنوندگان آن حک شده است.

بلیط های بخت آزمایی که دولت ها در همه جای جهان برای کارهای عام المنفعه از آن بهره می برند، در ایران پیش از انقلاب نیز مرسوم بود. برنامه پخش زنده رادیویی آن توسط شادروان مستجاب الدعوه به نحو بی نظیر و جالبی اجرا می شد و توانسته بود به انجام این امر خیر به بهترین نحوی یاری برساند.

۱۳۷۷ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی)  
درگذشت ارتشبد حسن طوفانیان معاون وزارت جنگ در آخرین سالهای سلطنت خاندان پهلوی در آمریکا.  
۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)  
درگذشت علی بهزادی، روزنامه نگار پیشکسوت ایرانی، در سن ۸۵ سالگی  
۷ شهریور (۲۹ آگست)

۱۲۸۸ خورشیدی (۱۹۰۹ میلادی)  
انتخاب محمدحسین میرزا (برادر ۹ ساله سلطان احمدشاه) به ولیعهدی  
۱۳۰۴ خورشیدی (۱۹۲۵ میلادی)  
درگذشت سیدمحمدرضا مساوات، نماینده مجلس و مدیر روزنامه «مساوات»  
۱۳۴۴ خورشیدی (۱۹۶۵ میلادی)

درگذشت موسی معروفی، موسیقیدان  
۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)  
گشایش «جشن هنر» شیراز  
۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)

در پی اعلام فضای باز سیاسی، ۱۴ حزب سیاسی از جمله حزب پان ایرانیست (پژشکیور)، حزب زحمتکشان (بقایی)، جبهه ملی و... اعلام موجودیت کردند  
جبهه ملی طی اعلامیه یی خواستار اجرای ۱۲ مورد اصلاح فوری از جمله انحلال ساواک و آزادی قلم و بیان شد  
۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۵ میلادی)  
درگذشت داوود رمزی، روزنامه نگار، شاعر و نویسنده در لوس آنجلس

### ۸ شهریور (۳۰ آگست)

۱۳۶۰ خورشیدی (۱۹۸۱ میلادی)  
انفجار دفتر نخست وزیر ایران به وسیله سازمان مجاهدین خلق و کشته شدن محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر، رئیس جمهور و نخست وزیر جمهوری اسلامی  
۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی)  
درگذشت منوچهر محجوبی، نویسنده و روزنامه نگار در انگلستان.  
۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴)  
درگذشت عصمت باقرپور (دلکش) خواننده - در سن ۸۰ سالگی در تهران

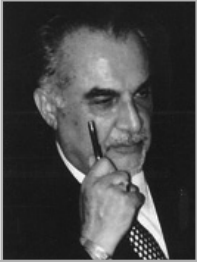
### ۹ شهریور (۳۱ آگست)

۱۳۴۷ خورشیدی (۱۹۶۸)  
درگذشت صمد بهرنگی، نویسنده (زاده ۲ تیر ۱۳۱۸)  
آثار این نویسنده در شرکت کتاب موجود است  
۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)  
درگذشت دکتر کمال الدین جناب، استاد برجسته و ممتاز فیزیک و اولین محقق فیزیک هسته ای ایران در سن ۹۸ سالگی.



1419 Westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024





منوچهر کوهن

# سو کسرود قتل ۳ نوجوان یهودی



چگونه می توانم پای بر زمینی بگذارم

که میدانم شما یان در دل آن خفته اید؟

\*\*\*\*

و آنان از شمار دو چشم فقط سه نوجوان بودند

و صبح گاهی به شوق زیستن ... پای از خانه بیرون نهادند

اما چشمان پدر و مادرشان ..... گریان ....

هنوز هم ..... خیره به راه .... مانده است

\*\*\*

طوفان انسان ستیز تازیان.....

که طولانی قرونی است..... خاک و تاریخ سرزمینم را

به تاراج نشانه کرده است.....

این بار..... زندگی سه نوجوان بی گناه هم کیش ام را....

علاوه بر تمام بلایای سالیان هدف گرفت

و چشمان والدین..... چشمان من و تو..... و میلیون ها انسان....

همان گونه.... هنوز گریان براه خیره مانده است

و آنگاه که خونشان بنا حق بر خاک ریخته شد....

از هر قطره ، بوته ای روئید..... با ده ها گل سرخ

و هر برگ گل سرخ تبدیل به قلبی خونین شد....

و هر قلب خونین..... در بدن انسانی جای داشت

و هزاران قطره خون پاک و بیگناه بر خاک ریخته

تبدیل به ده ها هزار گل سرخ شد

و میلیون ها قطره اشک از چشمان انسان ها بارید و بارید.....  
تا بلکه بشوید

تا باشد که قساوت نابود گردد.....

و جنایت پایان پذیرد.....

و عشق بر جهان ببارد....

و پلشتی ها را از دل ها بشوید.....

آیا..... هرگز .... تواند شد.....؟

اول جولای ۲۰۱۴



# شهلا از مرگ اول تا دم آخر

مهدی رستم پور



در عکس‌های عروسی هم هستند. هرکدام به کنجی نشسته‌اند. نه زنده‌نام فردین که موقع رفتن، گونه داماد را بوسید و مثل همیشه توی گوش تختی، سوژه جدیدی رو کرد درباره حاج عبدالحسین فیلی. نه ویگن، گرداننده عروسی‌اش که تختی دل بسته صدایش بود. آنجا «زن ابرونی تکه والا یه دنیا نمکه» را خواند و تختی، خندان به شهلا می‌نگریست. سپس «زن زیبا بود در این زمونه بلاااا». حالا شهلا می‌خندید که سبز نافذ چشم‌هایش نیفتاده در عکس‌های سیاه و سفید. شهلا از دانشکده امیر کبیر، پا به خانه دلاوری گذاشته بود که پا از تشک برچیده، تلاطم روحش سنگین‌تر از وزن بدنش، بدون دوپنده و وزن‌کشی، باید با زائده‌های زندگی سرشاخ می‌شد. زورخانه، خانه‌اش بود. اما راه و خرج او همیشه سوا، از باستانی‌کارهایی که قداره می‌کشیدند جای کباده.

- توی «کوچه خیابون» مردم چی میگن؟  
بنگاه فاجعه‌آفرینی کوچه و خیابان! این نا امن‌ترین نهاد در تاریخ معاصر تهران، که هنوز ناگزیریم خانه‌هایمان را با دیوارهای بلند، از

در سالنامه ۱۳۸۴ روزنامه شوق نوشتیم تختی «توتم» قبیله ورزش ایران بود. توتم را اهل قبیله می‌کشند تا بعدا بپرستند و هر سال بر مزارش مویه.

می‌خواهم از نخستین مرگ شهلا بنویسم. نیم قرن قبل، از حسادت و تعصب همدوره‌ای‌ها و نوچه‌صفت‌های محیط کشتی. حسدشان به پیکر تختی، هفت مدال جهانی و المپیکش، هفده سال عضویتش در تیم ملی، محبوبیت اجتماعی و البته حساس‌ترین نقطه برای داش مشتی‌ها و قلیچماق‌های تهران: زن زیبای آزاده‌اش که حقوق خود را می‌شناسد.

تهرانی مهبای انفجار که تاخرخره فرورفته در سنت‌های خودساخته. گولاخ‌ها، با سبیل تاج هدهدی می‌گفتند: «چه پهلوونیه که لباس زنش مدل داره؟ استغفرالله قهرمان المپیک مگه زنش باس اینطوری باشه؟ پهلوونم پهلوونای قدیم که زناشون هزار ماشالله یه پارچه کنیز...»

از یکی‌شان پرسیدم چه دیدید از شهلا؟ گفت در شان و شخصیت تختی نبود که زنش با همکلاسی‌هایش پوکر بازی کند!



اگر تختی شش ماه زخم زبان چشید، شهلا یک عمر. شهلای صاحب عزا، نگذاشت هیچ مرد و نامردی دلبری‌اش را کند. مرد اول و آخرش جهان پهلوان بود.

شهلائی مترقی ۱۳۴۶، با لباس عروسی و نوزادی یتیم در آغوش، رفت توی خلوتی که جامعه برایش تدارک دید. زنی که پهلوان شهر پیش از خاک ابن بابویه، در آغوش او آرمیده بود.

سرانجام با اصرار رسول خادام، مجاب شد بیاید به مراسمی در نکوداشت تختی. آمد اما باز پشیمانان کرد، برود و تا دم مرگ دوم، پیدایش نشود بین جماعتی که شگردشان اول پیچچه است و بعدا فتیله پیچ.

عکس پیرزن در مراسم را دست گرفته بودند که چرا کت‌دامن پوشیده! سر زانویش چرا پیداست! جهان پهلوان نبود که سینه ستر کند روبرویشان. بگوید: آرام بگیرد بچه‌بازهای دهه چهل.

خانم شهلا توکلی و آقای غلامرضا تختی. دوباره به هم رسیدید. پیوندتان مبارک.

بانوی خوبروی شرقی، شهلا توکلی. تو در سرزمین سخنرانها، در کشور منابر، در این وادی بی مثال آلودگی صوتی، نیم قرن حرف نزدی.

در ام‌القرای خطبه‌های خواب‌آور. در دیار نوحه‌هایی که کلنگ می‌کوبند تا آب‌بند چشممان را بشکافند. در کشور سوگ‌سروده‌ها، ناله‌هایت را فرو خوردی. سکوت زیباترین واژگان بود. نه ناگفته‌هایت را شنیدیم و نه سکوتت را.

تو و غلامرضا را به رسم دوران، خاله خانجایی‌ها به هم معرفی نکرده بودند. عاشق شده بودید. روح عشاق، گره می‌افکنند به هم. در آسمانی که سرما و گرما، نور و تاریکی را بدان راهی نیست. در لامکانی که تضاد طبقه تو با پسر محله خانی آباد نامفهوم است.

ما شما را نمی‌بینیم اما چشممان پر است از توری سفید ازدواجت. تاج روی سرت در مراسم عقد، جفتی گلبرگ بود از ململ و حریر، اما تاج عروسی‌ات شاخه‌های ظریفی داشت، میوه‌های سنگ‌های ریز.

به غلامرضا پیوسته‌ای که نیم قرن منتظرت بود. سپیدی چشم‌نواز لباس عروسی، درآمیخته با رنگ دود سیگاری که هوشنگ ابتهاج آتش کرد برای غلامرضا.

سی‌ام بهمن ۱۳۴۶ تاج نقره‌ئی نشانده بودی روی طره‌ها که وقتی صدف دیدگانت را بستی، دست زمخت پهلوان، به نرمی برش دارد و با سرانگشتانش، شانه بسازد. موهایت را عقب بزند به آهستگی، برای پدیداری پیشانی بلند؛ پیشانی بلندی با کوتاه‌ترین بخت‌ها. داریوش و پروانه فروهر هم که شب عروسی‌تان بودند، باز هستند. نه اثری از زخم زبانها روی تن تختی و تو پیداست، نه زخم سینه‌های شکافته و گلوی دریده آنها.

پیوند ابدی‌تان مبارک در محفل فرشتگان

آن محافظت کنیم. دهه ۴۰، نرینه‌های سرگذر مفتخر بودند به پاسبانی نوامیس.

صدای شوم کوچه و خیابان مثل جیغ مرغ آبچره، بزخو کرد در زندگی خصوصی شهلا.

تختی با امواج مسموم جاری در برزن، پرتاب می‌شد توی خانه. تختی دست بزن نداشت. پاشنه تخم‌مرغی نبود. تیغ در جیب نمی‌گذاشت. تفریح تختی، پیاده‌روی کنار دیوارهای دانشگاه بود و همسری اختیار کرد از پشت همان دیوارها.

از دستنوشته‌هایش پیداست چقدر عطش نوشتن داشت اما دورانی که باید به مطالعه می‌گذاردند را به جبر روزگار، وردست نجار بود در مسجد سلیمان.

قُلْ قُلْ غیرت بابا شامل‌های قلابی، حتی به تقویم هم بی‌اعتنا ماندا! پهلوان و عروسش چند ماه نامزد بودند؟ بهمن ۴۵ ازدواج نکردند؟ شهریور سال بعد پسرشان متولد نشد؟ کمتر از چهار ماه بعد، تختی نمرد؟

آشنایی، نامزدی، بارداری. سپس تولد و شیرخوارگی بابک تا مرگ تختی به دو سال نکشید. در این فرصت ناچیزتر از چشم به هم زدن، چگونه چناندید افسانه‌های خانمان براندازتان را؟

کشتی‌گیرهای آن دوره از تختی توت‌م ساختند. نویسندگان روشنفکر هم از همسرش «خانم هاویشام!» تیترا «بانوی رازها» فریبده است، مگر نه؟ اما معمایی اگر در میان باشد، راز سلب مسئولیت، اهمال و تعلل تاریخی ماست در بیان هر نقدی که ممکن است جامعه را برنجانند.

انقلاب، خصوصاً در آن سالهای اول می‌توانست هر کسی را به سرعت جذب کند یا سریع‌تر از آن دفع. اما در مصادره همسر تختی ناکام ماند. رییس جمهور رجایی برای یادگار تختی نوشت: پسر بابک.

ولیکن شهلا، پدرخوانده سیاسی نمی‌خواست برای پسرش. خودش هم مادری کرد و هم جهان پهلوانی. بابک را مستقل بار آورد. پسری که هم ناشر باشد و هم نویسنده. و هواخواه آزادگی.

وقتی مهندس بازرگان در سال ۵۸ ایده برگزاری جام تختی را با حسین شاه‌حسینی در میان گذاشت، همان داش‌مشتی‌ها که سیدمحمد خادم حقیقت را به بازداشتگاه مدرسه علوی سپرده تا راساً فدراسیون انقلابی را تشکیل دهند، تا جا داشت مقاومت کردند که پا نگیرد جام تختی.

بابک رشد می‌کرد که باز، زمزمه همانها: پسر تختی چرا راه پدر رو روی تشک ادامه نمی‌ده؟ چرا نشنیمزازه بابک بیاد پیش ما که بهش بگیم باباش کی بود!

زمانه‌ای که جسم تختی را به هلاکت رسانده، حالا در تعقیب روحش بود. اسم تختی به همه تعلق داشت جز زن و بچه‌اش. اسم تختی برای مردم بود. میادین، خیابان‌ها و ورزشگاه‌هایشان، چیزی گیر همسر و فرزندش نمی‌آمد. موزاییک‌های ابن بابویه خش افتاده از قیقاچ رفتن سوگواران بدلی.



برنامه رادیویی خانم هما سرشار که از لوس آنجلس و از ایستگاه رادیویی ۶۷۰ ای ام پخش می‌شود شنوندگان بسیاری دارد و یکی از آن‌ها نیز نگارنده است. خانم سرشار در سوک خانم شهلا توکلی همسر شادروان جهان پهلوان غلامرضا تختی متنی را که در همین شماره ایران‌شهر (از مهدی رستم‌پور) در صفحات قبل چاپ شده است در ابتدای برنامه خواندند.

آقای هادی خرسندی طنزپرداز که در برنامه رادیویی خانم سرشار با ایشان گفتگو می‌شود به مطالب آقای رستم‌پور به عنوان این که آخرت را مطرح می‌کنند و بیرون آمده از ادبیات جمهوری اسلامی است اعتراض کردند. خانم سرشار هفته بعد در برنامه رادیویی خود این متن را که از سر لطف در اختیار ایران‌شهر قرار داده‌اند، خواندند. از نظر نگاه بسیاری و همچنین نگارنده این متن در تاریخ مناسبات ایرانیان بویژه ایرانیان خارج از میهن به یادگار خواهد ماند. بیژن خلیلی

## نگاهی به خویش: پس از سه دهه

### هما سرشار

و سکولاریزم بود که تنها یک آشنایی نیم‌بند تئوریک با آن در دوران گذشته و از طریق کتابها روی داده بود، و تازه فهمیدم که من و بسیاری از هموطنانم از چه مواهبی محروم بودیم:

- یکی اینکه در این کشور - با تمام خوبی و بدیهایش - توی خارجی پنج سال پس از پناهنده شدن، امریکایی می‌شوی و می‌توانی هر چه دلت خواست (از تعریف و تمجید تا انتقاد و ایراد به آب و خاک و دولت و رئیس‌جمهورش) بگویی و مجازاتت زندان و اخراج نیست. فرزندی که در اینجا از تو به دنیا می‌آید می‌تواند رئیس‌جمهور آینده این کشور شود در حالیکه در بسیاری از سرزمین‌ها از جمله کشور من و تو چنین نبود و نیست.

- یکی اینکه توی پناهنده پس از سی و چند سال اقامت در این مملکت هنوز در گردهمایی‌هایت پرچم ایران را بر می‌افزای و کسی کاری به کارت ندارد، در حالیکه شهروند این مملکت شده‌ای سرود ای ایران را می‌خوانی و نه تنها کسی معارض تو نیست و از تو نمی‌پرسد: «تکلیف خودت را روشن کن، ایرانی هستی یا امریکایی!» که هیچ مقام دولتی هم نمی‌تواند این حق مسلم و آزادی بنیادین را به صرف مهاجر بودن از تو بگیرد. ولی در سرزمین مادریت این اجازه را نمی‌یافتی که دهان به انتقاد بگشایی یا از سر درد فریاد برآوری چون در گذشته اگر چنین می‌کردی خائن خوانده می‌شدی و امروز اگر چنین کنی حکم قتل خود را امضا کرده‌ای.

- یکی اینکه در سرزمین آزادی برای کوشندگان صالح این وسیله فراهم است که با وقوف به اهمیت آموزش و آگاهی سیاسی رشد کنند، از امکانات و حقوق مساوی بهره بگیرند و به مقامی که شایستگی‌اش را دارند برسند در حالی که شیوه رایج در سرزمین مادری من و شما این بوده و هست که مقام و منصب بر اساس چیز

من نه تئوری‌پرداز و تحلیل‌گر سیاسی هستم و نه در این زمینه تخصصی دارم. آنچه می‌گویم و می‌نویسم نگاه یک روزنامه‌نگار است به رویدادهایی که در اطرافش می‌گذرد هر چند همه آنچه در اطراف ما ایرانیان برون‌مرزی می‌گذرد چیزی جز سیاست نبوده و یکایک ما نیز چاره‌ای جز اینکه سیاسی باشیم نداشتیم. آرزوی بزرگ من در زندگی‌ام همیشه این بوده که دور از صحنه سیاست به کار مورد علاقه‌ام روزنامه‌نگاری بپردازم و فارغ از این هر نوع آرمانگرایی و جانبداری و تعلق، از ورای نگاهی بدون تعصب و خشم جهان را بنگرم. ولی شوربختانه پس از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی ایران و تجربیات تلخ و شیرینی که هر یک از ما پشت سر گذاشته‌ایم، در دورانی که دید انتقادی داشتن نسبت به خود و لزوم بازنگری گذشته، همیشه نو شدن و نایستادن از ابزار لازم زندگی است، این نگرش هنوز و همچنان در جامعه ایرانی - بویژه ایرانیان خارج و در نهایت تأسف در میان روشنفکران و کوشندگان سیاسی باقی مانده است. در حالی که هموطنان من و تو در ایران سالهاست از این مانع عبور کرده‌اند، برای ما چنین اتفاقی نیفتاده است و همچنان دست از این ویژگی سنتی و قومی خود یعنی تعصب و خشم بر نمی‌داریم.

۱- آنچه که در این سالهای غربت از دیگران آموختم و پسندیدم هر چند انقلاب اسلامی زندگی مرا نیز چون بسیاری زیر و رو کرد و به غربتی ناخواسته کشاند، ولی دستکم این فرصت را برایم فراهم کرد که گونه‌ای از دموکراسی را در این مملکت بیازمایم و امکان اینرا بیابم تا با مشاهده و تجربه عینی، اندر خم همان کوچه‌ای که سالهای نوجوانی و جوانی‌ام را گذراندم نمانم. بزرگترین دستاورد زندگی در غربت یا تبعید برای من کشف مردم‌سالاری (دموکراسی)



دیگری جز شایستگی به دست آید.

- یکی اینکه مشارکت مردم در همه کارها و کار تیمی تا چه حد مؤثرتر از فرهنگ سنتی تک‌روی و جمع‌گریزی و فردپرستی و خودی و ناخودی است.

- یکی اینکه کثرت‌گرایی چه زیباست.

- یکی اینکه مخالفت و ضدیت و رقابت و دشمنی مقوله‌های متفاوتی هستند.

- یکی اینکه رای دادن یک حرکت دمکراتیک است نه یک شوخی تلخ.

- یکی این که در میدان رقابت سیاسی هر قدمی که زنان و مردان بر می‌دارند برای کسب قدرت سیاسی و یا اثرگذاری در قدرت سیاسی است، تعارف هم ندارند. کمتر کسی در راه رضای خدا گام به این میدان می‌گذارد و سعی می‌کند بر سر دیگران منت بگذارد که این کار را از سر وطن پرستی و دلسوزی برای ملت می‌کند.

و هزاران یکی‌های دیگر...

۳- آنچه که در این سالهای غربت از من ساخت:

همه این سالها و گذراندن دوران تبعید در کشوری که **land of opportunities** (سرزمین امکانات) نام گرفته و قانون

اساسی اش زیباترین حق را برای انسانها قائل شده یعنی **Pursuit of happiness** (جستجوی خوشبختی) از من انسان دیگری ساخته

است. انسانی رها از زندان پرستش این و آن، رها از قهرمان پروری و قهرمان‌سازی و رها از ستیز با آنهایی که چون تو فکر نمی‌کنند. گذر راحتی نبود. افت و خیز فراوان داشت و هنوز هم راه طولانی دیگری در پیش دارم، می‌دانم. ولی سخت کوشش می‌کنم.

- امروز که در پشت این میکروفون نشستام برای شعور خود و دیگر دوستان اهل قلم و اندیشه‌ورزم بیش از آن ارزش قائلم که اسیر افکار آمیخته به تعصب و ساده‌اندیشی شوم.

- امروز که قریب به هفت دهه از زندگی‌ام را پشت سر گذاشته‌ام، مدتهاست که مرزهای تعصب را درنور دیده‌ام و انسانها را به گونه‌ای دیگر نگاه می‌کنم: انسانهایی با ویژگیهایی که برخی‌شان را می‌پسندم و برخی دیگر را نه.

- امروز که با شما سخن می‌گویم، مدتهاست یقه‌درانی انسانها برای این رهبر یا آن پیشوا، شعار مرگ بر این و مرده‌باد آن و کشت و کشتار بنام محمد و موسی و عیسی را نمی‌پسندم.

و بالاخره امروز به این نتیجه رسیده‌ام که پس‌رفت و در نتیجه حضور حکومت‌های خودکامه در کشورهایی چون ایران نتیجه عوامل فرهنگی، سنتی، جامعه‌شناختی و بشمارای عوامل تاریخی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است و نه دخالت خارجی.

ز دست غیر چه نالم که همچو حساب / همیشه خانه خراب هوای خویشتم

- امروز پس از سی و اندی سال که چندین صد کتاب و هزاران مقاله و فیلم مستند و مصاحبه و انقلاب و کودتا و جنگ را پشت سر گذاشته‌ایم و بسیار دیده‌ایم و شنیده‌ایم و خوانده‌ایم، شرم جاودانه تاریخ را با خود حمل خواهیم کرد اگر از همه اینها نیاموزیم.

تاریخ این ایام را

۲- آنچه را که در این سالهای غربت از خودمان دیدم و نپسندیدم با وجود این، در میان جامعه ایرانیان برون‌مرزی و مبارزان سیاسی مان فضای دیگری حکمفرماست. فضایی که علیرغم دستیابی به این همه امکانات رشد فکری کماکان جهان‌سومی باقی مانده است.

- در اینجا هنوز «چرا» زیاد هست و «چرا» هنگامیکه از صورت پرسش درآمد و بار اعتراض گرفت غیر دمکراتیک می‌شود.

- در اینجا ما گروهی سیاست‌باز و سیاست‌پیشه داریم که به نام مبارزه با دیکتاتوری، خود جلوه‌هایی از اقتدارگرایی را با اسامی گوناگون به ما می‌نمایانند.

- در اینجا آزادی نوشتن و گفتن هست ولی آزادی تحریم و منزوی سازی و تهمت بعد از آن هم به وفور وجود دارد. در اینجا وقتی زبان از گفتن باز می‌ماند موسیقی آغاز نمی‌شود که فحاشی و توهین آغاز می‌شود.

- در اینجا به تعداد احزاب و گروهها خودی و غیرخودی می‌بینی. هر اظهار نظری بکنی از سوی یک گروه انگ خیانت می‌خوری.

- در این دیار قهرمان‌سازی و قهرمان‌ستیزی فراوان است. قهرمان یک گروه ضد قهرمان گروه دیگر است: از کشته مردگان شاهان و شاهزادگان گرفته تا نمازگزاران ملی‌گرای پشت سر قائد اعظم، از قداره‌کشان استالینی تا ششلول‌بندان حزب‌اللهی.

- در اینجا نه تنها دگر اندیشان دست یکدیگر را نمی‌فشارند که دست مبارزانی که از ایران به سویشان دراز می‌شود را نیز پس می‌زنند. در حالیکه برای مبارزه با رژیم حاکم بر کشورمان می‌توان و باید دست‌ها را از فراز اقیانوسها دراز کرد و در دست مبارزان داخلی گذاشت. نه همه آنانکه در ایران زندگی می‌کنند یکسره مردودند و نه همه آنان که در خارج از ایران هستند یکسره مطلوب.

- در اینجا کمتر می‌توان نشانی از تحمل و بردباری در مقابل دگراندیشان یافت. در حالیکه می‌بینیم مثلا این جمهوری‌خواه، سخن



همه شهروندان باید مسئولیت برابر داشته باشند.  
 - من دنبال کشوری هستم که در آن هیچ زنی به دلیل جنسیتش، هیچ یهودی و بهایی و مسیحی و زرتشتی و سنی و شیعه و انسان لائیک به دلیل شیوه نیاایشش، هیچ آذری و کرد و بلوچ و لر به دلیل قومیت و زبانش و هیچ انسانی به دلیل بیان اندیشه‌اش مورد ستم و تبعیض قرار نگیرد و هیچ صاحب اندیشه‌ای به دلیل عشق به آزادی زندانی یا کشته نشود.

- من خواستار حکومتی سکولار و دموکراتیک همراه با عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت برای ایران هستم تا زیر لوای آن شهروندانش با هر اندیشه و عقیده و مرام و مذهب و زبانی در مقابل قانون حقوق و مسئولیت برابر داشته باشند و همراه با کثرت احزاب، رسانه‌های همگانی آزاد، کوشندگان سیاسی و حقوق بشری و محیط زیستی، الفبای فرهنگ سیاسی را هم فرا گرفته باشند. بویژه روشنفکران پرمدعایش.

- من دنبال سرزمینی هستم که ملک طلق هیچکس نباشد و همه افراد و احاد یک ملت از کل کشور که ملکی مشاع است سهم مساوی داشته باشند هرچند در اندیشه و باور با من در یک خط نباشند.

سرزمین ما سفره ایست که همه باید در گستراندنش دست در دست یکدیگر داشته باشند. توازن هنگامی برقرار می‌شود که چهار گوشه این سفره در چهار جهت کشیده شود که هم جامع است و هم مانع، یعنی توازن در کثرت. اگر همه به یک سو بکشیم سفره‌ای پهن نخواهد شد، اگر زیادی بکشیم پاره می‌شود و اگر نیروی کشنده نامساوی و نابرابر باشد بساط سفره برچیده خواهد شد.

و همه این‌ها فراهم نمی‌آیند مگر آنکه حرکتی را به اتفاق آغاز کنیم. در پایان صحبت من از گفته حمید مصدق در منظومه بسیار زیبای آبی، خاکستری، سیاه مدد می‌گیرم که می‌گوید:

در میان من و تو فاصله‌هاست

گاه می‌اندیشم

می‌توانی تو به لبخندی این فاصله را برداری

در من این جلوه اندوه چیست؟

در تو این قصه پرهیز که چه؟

در من این شعله عصیان نیاز

در تو دمسردی پائیز که چه؟

حرف را باید زد!

درد را باید گفت!

سخن از مهر من و جور تو نیست

سخن از

متلاشی شدن دوستی است،

و عبث بودن پندار سرور آور مهر

سینه‌ام آینه‌ایست

با غباری از غم

تو به لبخندی از این آینه بزدای غبار

هر کس که خواهد خواند  
 جز این سخن از ما نخواهد راند:  
 این نسل سر در گم  
 بر توسن اندیشه‌های لنگ  
 فرسنگ در فرسنگ  
 جز سوی ترکستان نمی‌رانند  
 تاریخ پیش از خویش را باری نمی‌خوانند. (علیرضا شجاع پور)

۴- و بالاخره آنچه هنوز به دنبالش هستم

به باور بسیاری، امروز ما در حساس‌ترین نقطه تاریخ معاصر ایران قرار گرفته‌ایم. در این موقعیت حساس من به عنوان یک شهروند عادی که دنبال ناکجاآباد خویش است - دنبال صداقت و راستگویی از سوی کلیه گرایشهای سیاسی مبارز و اپوزیسیون (اعم از چپ و راست و میانه، ملی و مذهبی و هوادار مشروطه و جمهوری) هستم. ما خسته‌تر و سرخورده‌تر از آنیم که آزموده را از نو بیازماییم که: فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر / سخن نوآر که نو را حلاوتی است دگر

- من برای ایران و ایرانی، دنبال حکومتی هستم که در آن هر کس بتواند حرف خودش را بزند و حق دیگری را بپذیرد که چون جلوی حرف زدن کسی را بگیری دیگران بیشک حق را به او خواهند داد و از او قهرمان خواهند ساخت.

- من برای ایران و ایرانی، دنبال حکومتی هستم که سرنوشت من در دست یک نفر پادشاه مستبد، یک رهبر مذهبی دیکتاتور، یک رئیس‌جمهور جهان‌سومی خودرایی و یا یک چپی دگم نباشد که هر چهار این سمت‌های موروثی و دائمی حق مشارکت شهروندان را در سرنوشت خودشان از آنها می‌گیرند. سیاستمدارانی که عمر خدمتشان کوتاه است کمتر دیکتاتور می‌شوند.

- من برای ایران و ایرانی، دنبال حکومتی هستم که نیاز و خواسته مردم را از طریق قانون برآورده کند که چون قانون چنین کند رحمت است و اگر نکند حکمت است، در حالیکه اگر این نیاز از طریق یک نفر برآورده شود منت است و اگر رد شود خفت.

- من برای ایران و ایرانی، دنبال کشوری هستم که اگر در آن قانونی مخالف خواسته‌ام وضع شد حق اعتراض و مخالفت با آن را داشته باشم و بتوانم در جهت تعویض آن کوشش کنم. به عنوان مثال من با مجازات اعدام مخالفم هر چند مخالفان به طعنه آنرا درد روشنفکری می‌خوانند، ولی چنانچه نهاد قانونگزاری مملکت قانون مجازات اعدام را وضع کرد با تمام وجود برای تغییر آن مبارزه خواهم کرد و اگر موفق نشدم مطیع اکثریت خواهم شد. ولی راضی خواهم بود که جلوی آزادی مخالفت کردنم سد نشده است.

- امید و آرزوی من برقراری حکومتی در وطنم ایران است که سالاری انسان و احترام به حقوق او والاترین رسالت سیاستمدارانش باشد. باورم این است که در راه رسیدن به این هدف باید به بازنگری اشتباهات گذشته و ریشه‌یابی معضلات پرداخت و در این بازنگری







ضمیمه رایگان اقتصادی و سیاست بین الملل

# اقتصادی

و سیاست بین الملل

شماره دوم

# ایرانشهر

# پیش به سوی سیاست فرزند بیشتر - زندگی بدتر



مالی آمریکا و سازمان ملل می‌باشد. چنین نمونه‌هایی برای مقایسه رابطه جمعیت یک کشور با توان ملی آن فراوان است.

جامعه ۱۷۰ میلیون نفری بنگلادش به هیچ وجه وضعیتی بهتر از تایوان ۲۳ میلیونی ندارد. همچنین است مقایسه کانادا با هندوستان و یا سنگاپور پیشرفته با نیجریه فقیر و عقب مانده و پرجمعیت.

**اتفاقاً افزایش بی‌رویه جمعیت در کشوری که دچار ضعف اقتصادی است، یک عامل مهم عقب ماندگی و فقر گسترده می‌باشد. به همین دلیل هم کشورهای مانند چین، بنگلادش و هندوستان در دهه‌های پیشین می‌کوشیدند رشد لجام گسیخته جمعیت را مهار کنند.**

از چند ماه پیش و این بار در دولتی که قرار است اهل اعتدال و تدبیر باشد، ناگهان برنامه‌های همه جانبه‌ای از سوی حکومت برای ازدیاد جمعیت آغاز گردید و حتی لایحه مهم و مشخصی برای تشویق زاد و ولد و ممانعت اکید از هر گونه اقدام ضدبارداری در مجلس به تصویب رسید.

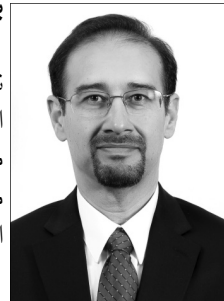
در این هیاهوی سیاسی که رادیو تلویزیون دولتی و سایر دستگاه‌های تبلیغاتی دائماً شعار می‌دهند فرزند بیشتر مساوی است با زندگی بهتر، امکان و اجازه نقد و بررسی کارشناسی این سیاست خطرناک وجود ندارد. اصولاً این سیاست هم مانند سایر اقدامات نسنجیده حکومتی در شرایط بی‌خبری عمومی می‌رود که پیامدهای سراسر منفی برای جامعه ایران رقم بزند.

بررسی این مسئله که رشد سریع جمعیت برای سعادت مادی و معنوی یک کشور مفید است یا مضر، بازمی‌گردد به جنبه‌های گوناگون شرایط یک جامعه و خصوصاً وضعیت اقتصاد آن کشور.

اگر کشوری از موقعیت رشد و شکوفایی اقتصادی برخوردار گردید، رشد جمعیت می‌تواند جنبه مثبت داشته باشد و حتی به روند رشد اقتصادی شتاب بخشد، اما برعکس کشورهایی که دچار ضعف و رکود اقتصادی هستند در

روند اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های غلط جمهوری اسلامی در مدیریت اقتصاد، جامعه و سیاست همچنان ادامه دارد و خلاصه هر از چند صباحی از این **باغ بری می‌رسد.**

جدیدترین نمونه از این سیاست‌های غلط که بطور ناگهانی و بدون بحث و بررسی کارشناسی در شرف اجرا می‌باشد، برنامه تشویق ازدیاد جمعیت است که مانند سایر تصمیمات غلط سران جمهوری اسلامی می‌تواند پیامدهای زیانبار ملی برای چند نسل از ایرانیان به همراه آورد.



**امین اکبری**  
allenakbari@yahoo.com

از حدود سه چهار سال پیش احمدی‌نژاد و سپس رهبر معظم در اظهارات پیاپی هشدار دادند برنامه کنترل جمعیت خیلی بد و مذبوم و غلط است و کشور اسلامی باید جمعیتی عظیم با رشد سریع داشته باشد. احمدی‌نژاد با همان شیوه شعار پراکنی خود گفت جمعیت ۱۲۰ میلیونی برای ایران مطلوب است و این رقم باید نهایتاً به ۲۰۰ میلیون برسد!!

این آقایان در اندیشه عقب مانده و ذهن کوچک خود همچنان فکر می‌کنند که جمعیت بیشتر و ساختن سباهی لشکر هرچه بزرگتر مساوی است با توان و قدرت بیشتر. غافل از آن که چنین شیوه استدلالی در قرن یکم کاربرد عملی داشت نه در قرن بیست و یکم.

در دنیای مدرن و صنعتی آن کشوری ثروتمندتر، قوی‌تر و پیشرفته‌تر است که از اقتصاد برتر، دانش بیشتر، صنایع و تکنولوژی مدرن‌تر برخوردار باشد. برای مثال کره جنوبی با ۴۹ میلیون نفر جمعیت ثروت اقتصادی‌اش بسیار بیشتر از پاکستان ۲۰۰ میلیونی است. احترام و اعتبار کره در عرصه جهانی بسیار گسترده و آشکار است. اما پاکستان کشوری فقیر، عقب مانده و دائماً محتاج کمک‌های

یک دلیل دیگر برای ازدیاد زاد و ولد در گذشته، مربوط به شماربالای مرگ و میر کودکان بود. تا نیمه اول قرن بیستم درصد مرگ و میر کودکان و نوزادان خصوصاً در کشورهای توسعه نیافته بسیار زیاد بود. اما به موازات تولید و گسترش داروهای موثر و برنامه واکسیناسیون گسترده دیگر کودکان قربانی بیماری‌های سابقاً لاعلاج مانند- کزاز، سرخک، آبله و... نمی‌شدند. به این ترتیب والدین دیگر مجبور نبودند که مثلاً ۷ فرزند تولید کنند تا پس از مرگ چهار نفرشان، لاقل سه کودک سالم و زنده بمانند.

زن و شوهرها در قرن بیست و یکم علاقه‌ای ندارند که مانند پدربزرگ‌های خود فرزندان متعدد داشته باشند بلکه برای خانواده امروزی نکته مهم داشتن فرزندان است که بتوانند از زندگی با کیفیت توأم با تحصیل، تندرستی، شادی و خوشبختی برخوردار شوند. به همین دلیل هم شعار فرزند کمتر- زندگی بهتر از نیمه قرن بیستم در جوامع پیشرفته به یک الگوی توسعه اجتماعی و اقتصادی تبدیل شد.

البته افزایش جمعیت در موارد استثنایی می‌تواند موجب بهبود توان اقتصادی جامعه بشود، اما این امر شدیداً وابسته به قدرت و امکانات پایه‌ای اقتصاد یک کشور است. نمونه بارز این سناریوی استثنایی جامعه آمریکای دهه‌های ۶۰-۱۹۴۰ میلادی بود. در پایان جنگ جهانی دوم، امریکا تبدیل گشت به تنها ابرقدرت اقتصادی جهان و سربازان بازگشته از جنگ با کمک‌های هنگفت دولت فدرال امکان تحصیل، اشتغال، ازدواج و تشکیل خانواده یافتند و ناگهان افزایش سریع زاد و ولد، رشد جمعیت و نسل جدید (Baby Boom) را در امریکا پدید آورد. اما تأکید بر این نکته ضروری است که تحول مذکور در کشوری روی داد که امکانات و قدرت اقتصادی آن جنبه استثنایی و تقریباً نامحدود یافته بود. کشوری مانند ایران که امروزه گرفتار بحران گسترده است و اصولاً اقتصاد آن تک محصولی (نفتی) است به هیچ وجه توان آن را ندارد که زندگی مناسب و مرفه برای جمعیتی که سران حکومت خواستار دوبرابر شدن آن هستند، فراهم سازد.

یک نکته مهم دیگر مسئله منابع (Resources) است که در علم اقتصاد بررسی آن همواره اهمیت ویژه‌ای دارد. منابع و خصوصاً منابع طبیعی عنصر مهمی در تولیدات و رشد اقتصادی هر کشور هستند. ایران به عنوان کشوری کم آب در منطقه خشک خاورمیانه در زمینه آب، زمین زراعی مناسب و منابع غذایی دارای محدودیت‌های حساسی می‌باشد.

با افزایش بی‌رویه جمعیت تمامی این مشکلات دوچندان می‌شوند که این امر فشار و لطمات مضاعفی به محیط زیست وارد خواهد ساخت. هم‌اکنون نیز محیط زیست و شرایط طبیعی و اکولوژی ایران دچار حالت بحرانی است و بر اثر سیاست‌های غلط متحمل خسارت‌های سنگینی شده که این وضعیت باز دیاد جمعیت یقیناً بدتر خواهد شد.

به طور خلاصه باید گفت اجرای سیاست ازدیاد جمعیت که بر اساس هدف‌های سیاسی تدوین شده برای اقتصاد و جامعه ایران می‌تواند آسیب‌های شدید استراتژیک به دنبال آورد و کشور را برای چند دهه با مشکلات اساسی مواجه سازد. حتی جغرافیا و طبیعت گسترده ایران نیز ممکن است توان تحمل عواقب این سیاست جدید را نداشته باشد. جمعیت بزرگ، فقیر و مستأصل برای هیچ کشوری مایه افتخار و پیشرفت نیست. برنامه دولتی زاد و ولد فرمایشی که ولایت فقیه توصیه می‌کند یک سناریوی خطرناک برای جامعه ایران است که باید پیرامون جوانب و عواقب آن بحث و تبادل نظر کرد تا مانع از اتخاذ تصمیم غلط دیگری در فضای بی‌خبری درون کشور شد.

صورت مواجهه با رشد سریع جمعیت دچار رشد فقر می‌شوند. دلیل این امر بسیار واضح است. کشوری که مثلاً برای جمعیت ۷۰ میلیونی خود قادر به تأمین اشتغال، مسکن، بهداشت، خوراک، تحصیلات و اصولاً نوعی رفاه نسبی نیست، یقیناً در برابر جمعیت ۱۲۰ میلیونی مشکلاتی به مراتب بیشتر خواهد داشت. حتی برخی اقتصاددانان می‌گویند کشورهای گرفتار فقر و ضعف اقتصادی پایدار اگر دچار افزایش بی‌رویه جمعیت شوند، آنگاه بطور دائم یا لاقل برای چند دهه نمی‌توانند خود را از چنگال فقر رها کنند. بنگلادش و پاکستان دو کشوری هستند که نمونه‌های خوبی از این سناریوی تاریک و پرخطر به شمار می‌روند. این دو مستعمر سابق انگلستان پس از کسب استقلال و جدایی از خاک هندوستان همواره فقیر و محتاج کمک‌های خارجی بوده‌اند. پاکستان دچار مشکلات سیاسی فراوانی است و اصولاً زمینه لازم برای شکل گرفتن اقتصاد نیرومند در آن کشور به دلایل گوناگون فراهم نیست. یکی از دلایل اصلی فقر دائمی در پاکستان جمعیتی است که به صورت لجام گسیخته چند دهه افزایش یافت و اکنون به مرز ۲۰۰ میلیون نفر رسیده. در نتیجه اقتصاد ملی اصولاً توان لازم برای تأمین نیازهای عادی جامعه را ندارد. بنگلادش نیز سابقاً گرفتار فقر، قحطی و گرسنگی دائمی بود اما جمعیت ۱۶۶ میلیونی آن امروز شرایطی دارد که اندکی از گذشته بهتر است. بنگلادش همچنان فقیر است اما از لحاظ سیاسی با ثبات‌تر از پاکستان می‌باشد و با فاصله گرفتن از بنیادگرایی اسلامی گام‌های محدودی در زمینه گسترش تجارت خارجی و بهبود اقتصادی برداشته است. رشد غیرقابل کنترل جمعیت این دو کشور برای سال‌های طولانی یک مانع مهم در زمینه مبارزه با فقر و ضعف اقتصادی بوده است. هندوستان نیز وضعیت مشابهی با دو همسایه شرقی و غربی خود داشت. اما نکته جالب در این جاست که هر سه کشور مورد اشاره طرح‌هایی برای کنترل جمعیت به اجرا گذارند و با این که هنوز مشکل رشد جمعیت آن‌ها حل نشده، اما سرعت افزایش جمعیت در هر سه کشور آهسته‌تر از گذشته است.

زمانی بود که این کشورها دچار رشد ۳ درصدی جمعیت بودند، اما امروز این رقم به کمتر از نصف (حدود ۱/۳ درصد) رسیده است.

#### مقایسه آمار رشد جمعیت

ذکر این نکته نیز مهم است که اتفاقاً ایران به هیچ وجه در زمره کشورهای کم رشد از لحاظ جمعیت نیست و مقامات جمهوری اسلامی نگران آنند که رشد جمعیت شاید در آینده آهسته شود. ایران هم اکنون با رشد حدود ۱/۲ درصد مشابه هند (۱/۲ درصد) می‌باشد و فاصله چندانی با بنگلادش (۱/۶ درصد) پاکستان (۱/۵ درصد) و مکزیک (۱/۲ درصد) ندارد. از سوی دیگر کشور آلمان که کشوری پیشرفته و مرفه می‌باشد سال‌ها دچار کاهش جمعیت بوده و این امر لطمه‌ای به رفاه و کیفیت زندگی مردم نزده. در آمریکا نیز رشد جمعیت کمتر از یک درصد است.

در سوی دیگر این مقوله «ترکیب جمعیتی»، کشورهای پیشرفته آمریکای شمالی، اروپا، آسیای شرقی و حتی آمریکای جنوبی قرار دارند. در تمامی کشورهای پیشرفته و یا در حال پیشرفت، سرعت رشد جمعیت به طور طبیعی آهسته می‌شود. در کشورهای فقیر و عقب مانده اکثریت جامعه روستا نشین هستند و زندگی غیر مدرن روستایی نیازمند خانواده‌های بزرگ است تا فرزندان زیاد بتوانند در مزرعه و دامداری به والدین کمک کنند. اما پیشرفت اقتصادی منجر به گسترش شهرنشینی می‌شود و زندگی مدرن جامعه‌ای مدرن را می‌سازد که در آن «کیفیت» زندگی و رفاه عمومی مهم‌تر از «کمیت» اجتماعی است و همین امر به خودی خود نیاز و علاقه والدین به داشتن فرزندان متعدد را کاهش می‌دهد.

# قراردادهای میلیاردی سپاه ادامه دارد



در امور اقتصادی مطرح کرد و یک بار به طور ضمنی گفته بود آن‌ها که برای دفاع از کشور جنگیدند و در دفاع مقدس فداکاری کردند، حالا نباید توقع داشته باشند که سهم پولی و مالی بگیرند.

سخنان او اعتراضات شدید سران سپاه را برانگیخت و حتی جعفری، فرمانده سپاه، در یک مورد گفت دولت جدید امکانات و توانایی سپاه را در امور سازندگی و تقویت اقتصاد کشور به کار نمی‌گیرد.

سپاه پاسداران در رابطه با پروژه‌های بزرگ عمرانی و دولتی همواره حضور و دخالت گسترده‌ای داشته و ظرف سال‌های اخیر رقم کلی مجموع قراردادهای دولتی با سپاه بالغ بر ده‌ها میلیارد دلار بوده است. البته سپاه توانایی و امکانات و فنی اجرایی چنین پروژه‌های عظیمی در زمینه صنعت نفت، مخابرات، احداث فرودگاه و غیره را ندارد، اما فرماندهان سپاه از طریق نهادی به نام «قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا» به



صورت پیمانکار اصلی قراردادهای منعقد کرده و سپس اجرای عملیاتی پروژه را مجدداً به سایر شرکت‌های بخش خصوصی واگذار می‌کنند. سپاه پاسداران در این پروژه‌ها در واقع نقش واسطه را ایفا می‌کند و از طریق انتقال قرارداد از دولت به پیمانکار اجرایی میلیاردی دلار سرمایه کسب می‌کند. اما گزارش مالی این اقدامات پرهزینه سپاه تاکنون هرگز افشا نشده و ابعاد و جزئیات این فعالیت‌های چند میلیارد دلاری همیشه پنهان و غیر شفاف است. انتقاد انصاری هم به همین موضوع بوده که سپاه پاسداران فقط جنبه واسطه را دارد و اگر عوامل اجرایی پروژه‌ها در نهایت شرکت‌های بخش خصوصی هستند، چرا باید این قرارداد نخست با سپاه منعقد شود. حال آن که می‌توان از همان ابتدا قرارداد مربوطه را مستقیماً با شرکت‌های خصوصی و با هزینه کمتر به مرحله اجرا گذارد.

به نظر می‌رسد دولت روحانی به رغم برخی تلاش‌های جنجال برانگیز قادر نیست سپاه پاسداران را متقاعد سازد از عرصه امور مالی و اقتصادی خارج شود و در همان قلمرو اصلی امور نظامی و امنیتی باقی بماند.

انتشار خبر قرارداد هنگفت ۲۰ هزار میلیارد تومانی شهرداری تهران با قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیای سپاه در ایران بارتاب گسترده‌ای یافت. برخی از اعضای شورای شهر تهران انتقادهایی در این مورد مطرح کرده و گفتند انجام این قرارداد به صورت خودسرانه توسط شهردار قالیباف و مقامات سپاه انجام گرفته. همچنین تشریفات قانونی مربوطه رعایت نشده و رای‌گیری در شورای شهر انجام نگرفت. این قرارداد، پروژه‌های بزرگ شهری را برای چهار سال آینده به طور انحصاری در اختیار قرارگاه خاتم‌الانبیا قرار می‌دهد. ارزش ۲۰ هزار میلیاردی این قرارداد -معادل ۷ میلیارد دلار- آن را در زمره مهمترین پروژه‌های

هنگفت دولتی قرار می‌دهد. غلامرضا انصاری عضو کمیسیون بودجه در شورای شهر با انتقاد از این شیوه عملی گفت که اجرای پروژه‌های دولتی از طریق انحصاری پیامدهای منفی دارد و قراردادهای دولتی را می‌توان با شرکت‌های عمرانی و ساختمانی بخش خصوصی انجام داد نه به صورت انحصاری. فقط با سپاه پاسداران. او در این رابطه افزود: «در موارد قبلی دیدیم که چگونه پروژه‌ها به صورت دست دوم و چندم با دریافت مبلغی به بخش خصوصی واگذار شد. چرا نباید پروژه‌ها را به طور مستقیم به بخش خصوصی واگذار کنیم تا آن‌ها امکان رشد داشته باشند. از شهردار تهران می‌خواهیم با حضور در صحن شورا درباره این تصمیم توضیح دهد چرا که ما این موضوع را همسو با مصلحت شهر، شهروندان و اقتصاد رقابتی نمی‌دانیم.»

حسن روحانی از سال گذشته چند بار انتقاداتی در مورد دخالت سپاه پاسداران

# چرا طلا ارزان شد و چرا دوباره گران می‌شود؟

امین اکبریان



قیمت طلا که در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسیده بود برای دو سال پیاپی روند معکوس یافت و نهایتاً در سال گذشته (۲۰۱۳) این فلز زرد رنگ پرترفدار با کاهش ۲۸ درصدی قیمت خود یک سال بسیار بد را تجربه کرد.

قیمت طلا سه سال پیش رکورد تاریخی ۱۹۰۷ دلار در هر اونس را در بازارهای جهانی به ثبت رساند، اما از آن پس یک روند کاهش را تجربه کرد و با تنزلی که بیشتر به نوعی سقوط شباهت داشت در حدود رقم ۱۲۰۲ دلار سال گذشته را به پایان برد.

بهای طلا در پایان دهه ۹۰ میلادی حول و حوش ۲۵۰ دلار بود، اما از آغاز قرن جدید با سرعتی حیرت‌انگیز رو به ترقی رفت و طی حدود یک دهه بهای آن ۷ برابر شد. در طول این مدت دلار آمریکا نیز بنا به دلایل گوناگون - از جمله افزایش کسر بودجه آمریکا، پیدایش

قیمت طلا نیز افزایش یافت. اما از هنگامی که روند کاهش ارزش دلار در سال ۲۰۱۲ متوقف شد و مجدداً قدرت گرفت، طلا نیز وارد دوره تنزل قیمت شد.

به طور کلی بهای جهانی طلا و قدرت و توان دلار در اکثر موارد رابطه معکوس دارند. دلار قوی منجر به ارزانی طلا می‌شود و دلار ضعیف زمینه‌ساز گرانی طلا بوده است.

عوامل اصلی اثرگذار بر قیمت جهانی طلا، عبارتند از: میزان تقاضا برای خرید و مصرف طلا به عنوان فلز اصلی در جواهرات، پناه بردن به طلا در شرایط بروز تورم و یا مشکلات سیاسی و اقتصادی در جهان، خرید طلا توسط دولت‌ها به عنوان پشتوانه ارز ملی، و رابطه معکوس قدرت دلار و طلا.

از میان عوامل مذکور این آخری یعنی قدرت و ضعف دلار در بازار ارزها، بیش از سایر عوامل بر قیمت طلا اثرگذار است.

از آغاز سال جاری بروز بحران‌های سیاسی در اوکراین و مناقشات بحران ساز خاورمیانه موجب افزایش ۸ درصدی بهای طلا شد که این هم ناشی از یکی از عوامل مورد اشاره قبلی بوده یعنی پناه بردن سرمایه‌گذاران به طلا در هنگام انتشار خبرهای بد و بحران‌های سیاسی. با توجه به چشم انداز رو به وخامت اوضاع سیاسی در چند نقطه جهان بعید نیست که بهای دلار امسال یک روند افزایش محدود را در بازارهای جهانی تجربه کند.

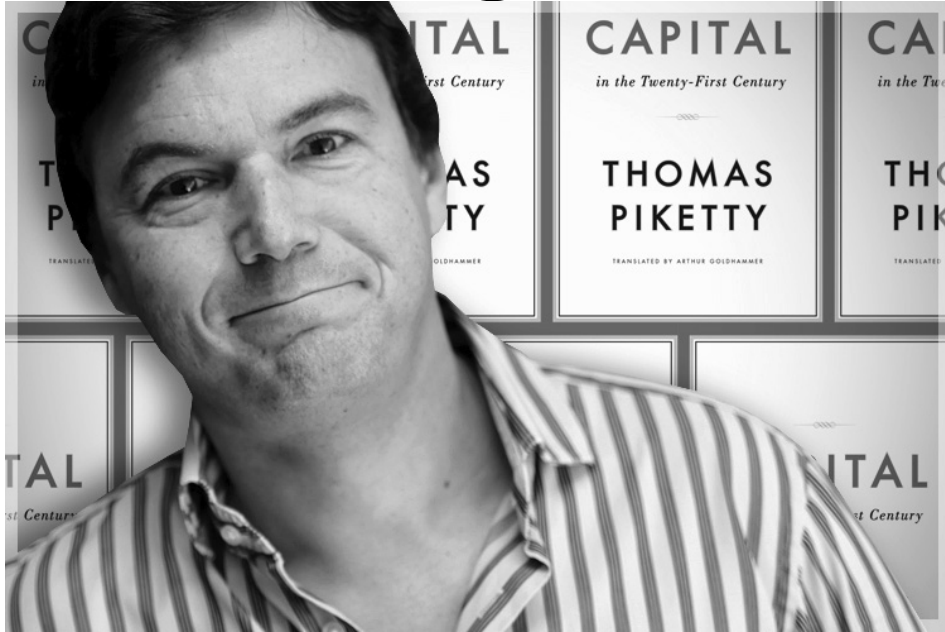
ذکر این نکته نیز ضروری است که مکانیسم نوسانات قیمت طلا در بازارهای جهانی با روند قیمت طلا در ایران کاملاً متفاوت است زیرا وضعیت اقتصاد داخلی ایران چندان ارتباطی با زمینه‌های اقتصاد جهانی ندارد.

ارزهای رقیب مانند یورو اروپا و بروز برخی زمینه‌های تورم - یک دوره ضعف طولانی را تجربه کرد. یعنی در واقع به موازات کاهش ارزش برابری دلار در برابر سایر ارزهای جهانی (ین، پاوند، یورو)



# نظریات جنجالی اقتصاددان فرانسوی پیرامون اختلاف طبقاتی

امین اکبریان



موضوعات و مسائل نظری و آکادمیک دنیای اقتصاد معمولا مقولاتی نیستند که خوانندگان و طرفداران زیادی در میان مردم عادی جامعه داشته باشند. افراد جامعه حتی در میان طبقه کتابخوان و آگاه به امور و اخبار جاری یک کشور نیز علاقه چندانی به مطالب تئوریک و تخصصی رشته اقتصاد ندارند، زیرا این رشته علمی به رغم اهمیت حساس‌اش در شکل گرفتن جامعه مدرن بشری، جنبه‌ای بسیار انتزاعی، مجازی و تا حدودی پیچیده و خسته کننده دارد. به همین دلیل هم آثار و کتاب‌های منتشره در زمینه اقتصاد تقریبا هیچگاه پر فروش نمی‌شوند. اما ارائه و انتشار نظرات و توصیه‌های یک اقتصاددان جوان فرانسوی این قاعده کلی را تا حدودی تغییر داده و کتاب او مدتی

یک بخش از جامعه بیش از اندازه باشد، چنین روندی یقینا منجر به بروز بی‌ثباتی درون مجموعه ساختار اقتصاد و جامعه می‌شود. او نتیجه می‌گیرد که در ساختار اقتصادی کشورهای غربی اختلاف طبقاتی به خودی خود مقوله بدی نیست و برای ایجاد زمینه رقابت و رشد اقتصادی وجود طبقات متفاوت اقتصادی لازم و ضروری است. اما هشدار می‌دهد که افزایش و تشدید میزان سطح درآمد و ثروت اگر از حد مشخصی فراتر برود برای کل اقتصاد و حتی برای طبقات ثروتمند جامعه هم زیان‌بار خواهد بود. اشاره او بیشتر به روندی است که طی دو دهه اخیر در آمریکا و اروپا مشهود بوده، یعنی افزایش سریع ابعاد ثروت و سرمایه در میان طبقات بالای اجتماعی در کنار راکد ماندن و حتی تحلیل رفتن سطح میانگین درآمدها در میان طبقه متوسط جامعه.

انتشار نظرات سیاسی و اقتصادی پیکتی موجی از انتقادهای گوناگون را از جانب راست‌گرایان و جمهوری خواهان در آمریکا علیه او برانگیخته و حتی برخی او را متهم می‌کنند که نظریاتش در واقع بیان دوباره تئوری‌های کارل مارکس است. اما خود پیکتی تاکید می‌کند که او یک پژوهشگر باورمند به سرمایه‌داری است. ولی در جهان الگوهای متفاوتی برای اقتصاد سرمایه‌داری وجود دارد که همگی یکسان نیستند و در طیف گسترده‌ای جای می‌گیرند. همچنین چند تن از معروف‌ترین برندگان جایزه نوبل اقتصاد این پژوهش آکادمیک را مورد ستایش قرار داده‌اند، از جمله پال کروگمن، نویسنده اقتصادی روزنامه نیویورک تایمز که او نیز یکی از مطرح‌ترین اقتصاددانان سرشناس در آمریکا به شمار می‌رود.

است که در زمره پرفروش‌ترین کتاب‌های جهان قرار گرفته است. توماس پیکتی، اقتصاددان ۴۳ ساله فرانسوی و استاد دانشکده اقتصاد پاریس از چند سال پیش تحقیقات تخصصی خود را مشخصا در زمینه اختلاف طبقاتی و پیامدهای آن برای اقتصاد و جامعه نوین پی گرفت و حاصل این پژوهش آکادمیک را که جنجال برانگیز هم شده، در کتاب جدیدش به نام «سرمایه در قرن بیست و یکم» منعکس ساخته است. این کتاب نخست به زبان فرانسوی در پاریس چاپ و منتشر شد و حدود ۵۰ هزار نسخه فروش داشت. اما پس از انتشار ترجمه انگلیسی آن، فقط در آمریکا ظرف دو ماه تیراژ فروش یکصد هزار نسخه را شاهد بود و به گفته موسسه ناشر این کتاب سفارش فروش دویست هزار نسخه دیگر آن در دست تهیه است.

به این ترتیب کتاب آقای پیکتی در همان ابتدای انتشارش در آمریکا مقام اول را در میان فهرست پرفروش‌ترین‌ها به دست آورد و این در حالی است که فقط حدود سه ماه از معرفی و انتشار کتاب در آمریکا می‌گذرد.

پیکتی که تخصص اصلی‌اش در رابطه با ماهیت و مکانیسم تشدید اختلاف طبقاتی در اقتصاد کاپیتالیستی و تأثیرات درازمدت آن بر شرایط اجتماعی می‌باشد، در این کتاب تاریخچه و روند آماری افزایش و انباشته شدن سرمایه را در آمریکا و اروپا طی ۲۵۰ سال گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. او تاکید می‌کند که ماهیت اقتصاد سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) به گونه‌ای است که به طور طبیعی با اختلاف طبقاتی همراه است. اما نکته حساس در این جاست که اگر سرعت و شدت تراکم سرمایه و ثروت در

## آیا قدرت های نوظهور می توانند آمریکا را به چالش بکشند؟



اجلاس مهم و پر سر و صدای پنج کشور موسوم به قدرت های نوظهور اقتصادی بار دیگر این بحث و سوال تکراری را برجسته ساخته که رقبای سیاسی آمریکا توان ایجاد یک بلوک اقتصادی جدید در برابر واشنگتن را دارند.

پوتین، رهبر روسیه، که علاقه زیادی به تقویت جریانات ضد امریکایی در جهان دارد، به همراه همتایان خود از برزیل، چین، آفریقای جنوبی و هند کنفرانس مفصلی در پایتخت برزیل برگزار کردند و تاکید خود را در این مذاکرات چند جانبه بر گسترش همکاری های اقتصادی در سطح جهانی متمرکز ساخته بودند.

از جمله این گروه موسوم به قدرت های اقتصادی نوظهور (Brics) اقدام به تشکیل یک بانک بزرگ بین المللی با سرمایه اولیه ۵۰ میلیارد دلاری نمودند که هدف آن کمک به توسعه و پیشرفت کشورهای ضعیف جهان اعلام شده و در واقع هدف ۵ کشور مذکور تشکیل نهاد جدیدی است که با نفوذ و قدرت مالی موسساتی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مقابله کند.

این کشورها همچنین در گذشته تلاش کرده اند راهی برای جایگزینی دلار با یک واحد پولی دیگر بعنوان ارز رسمی تجارت جهانی ایجاد کنند ولی تاکنون در این راه موفقیتی نداشته اند.

## مهاجران غیر قانونی یا پناهندگان اقتصادی

هجوم ناگهانی شمار زیادی از مهاجران غیر قانونی به مرزهای جنوبی ایالات متحده، بار دیگر رهبران واشنگتن را در برابر معضل مقابله با انبوه مهاجران فراری از کشورهای فقیر امریکای مرکزی قرار داده است.

طی ۹ ماه اخیر در حدود ۶۰ هزار تن که عمدتاً کودکان و نوجوانان کم سن و سال می باشند پس از طی مسافتی در حدود ۲۲۰۰ مایل خود را به مرزهای جنوبی آمریکا رسانده و عملی می کشند به این کشور پناهنده شوند. این کودکان که برخی از آنها حتی فقط ۱۰ ساله هستند توسط شبکه های قاچاق و در ازای پرداخت پول توسط خانواده های آنها، از سه کشور السالوادور، هندوراس و گواتمالا توسط قطار و اتوبوس پس از گذشتن از خاک مکزیک به مرزهای جنوبی آمریکا منتقل می شوند تا بلکه راهی برای ورود به ایالت های تگزاس و نیومکزیکو بیابند. این روند غیر قابل کنترل وضعیت بدی در شهرهای مرزی جنوب آمریکا ایجاد کرده و حتی به یک معضل مهم سیاسی خصوصاً برای دولت اوپاما تبدیل گشته، زیرا جمهوریخواهان در انتقادهای شدید خود کاخ سفید را متهم می کنند که با اتخاذ برنامه های قبلی، زمینه غفو مهاجران را فراهم کرده و در واقع به شهروندان فقیر امریکای لاتین نوعی چراغ سبز برای ورود و مهاجرت غیر قانونی به ایالات متحده داده است.

اما علت واقعی بروز این وضعیت بیشتر مربوط به فقر شدید اقتصادی و بحران سیاسی گسترده ای است که سه کشور السالوادور، هندوراس و گواتمالا در امریکای مرکزی را فرا گرفته و شهروندان فقیر این مناطق در آرزوی رسیدن



به امریکا خانه و کاشانه را ترک کرده و یک مسیر طولانی را طی می کنند تا بلکه راهی برای ورود به امریکا بیابند. همچنین گروه های مافیایی قاچاق مهاجران در سه کشور مذکور شایعاتی را به دروغ منتشر می کنند حاکی از آن که دولت آمریکا تصمیم گرفته به مهاجران غیر قانونی کمتر از ۱۹ سال سن، حق اقامت تضمینی اعطا کند و آن ها اخراج نخواهند شد.

برخی ناظران سیاسی و اقتصادی تاکید می کنند تنها راه موثر و دراز مدت برای مقابله با مسئله مهاجرت غیر قانونی آن است که شرایط اقتصادی در کشورهای منطقه بهبود یابد تا از میزان فقر شدید و همه جانبه کاسته شود و شهروندان این کشورها مجبور به فرار از کشورهای خود نشوند.

سه کشور مورد اشاره در امریکای مرکزی دچار بحران شدید اقتصادی، بی ثباتی سیاسی و گسترش سریع جرم و جنایت توسط گروه های مافیایی گوناگون بوده اند.

## بیم و امید در مورد رشد اقتصادی آمریکا

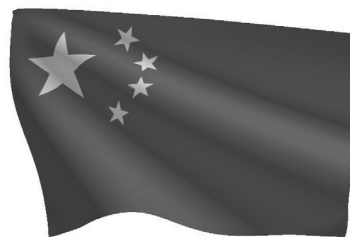


دولت فدرال آمریکا هر سه ماه یک بار گزارش رسمی میزان تولید ناخالص داخلی (GDP) و میزان رشد یا کاهش آن را به طور مرتب اعلام می‌کند. که این گزارش آماری اهمیت زیادی برای تعیین وضعیت اقتصادی در آمریکا و یا هر کشور دیگری دارد. اما امسال گزارش مربوط به رقم و میزان تولیدات اقتصادی در سه ماهه دوم امسال، آپریل تا ژوئن، خصوصاً از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و کارشناسان اقتصادی بی‌صبرانه منتظر اعلام و انتشار این ارقام در پایان ماه جاری (جولای) هستند.

روند بهبود و رشد تدریجی اقتصاد آمریکا که ظرف سال گذشته (۲۰۱۳) آشکارا در جهت مثبت حرکت می‌کرد، ناگهان در سه ماهه اول امسال ناگهان دچار موانع و آهستگی شدیدی شد. تا آن جا که روند مثبت رشد اقتصادی متوقف گردید و حتی تولید ناخالص داخلی با تجربه نوعی حالت انقباضی رقم منهای ۲/۹ درصد را به ثبت برساند.

اکثر ناظران اقتصادی سرما و یخبندان غیرعادی و کم سابقه زمستان گذشته را عامل بروز این رکود غیرمنتظره خصوصاً در مناطق شمالی و مرکزی آمریکا می‌دانند. شدت سرما در مناطق مذکور موجب تعطیلی گسترده و حتی نوعی حالت فلج اقتصادی و تجاری برای چندین هفته شد. کارشناسان اکنون بی‌صبرانه در انتظار بررسی گزارش تولید اقتصادی سه ماهه دوم سال هستند و اکثر پیش‌بینی‌ها، تولید رشد اقتصادی حدود ۳ درصد را برای این مقطع زمانی برآورد می‌کنند، اما اگر گزارش سه ماهه دوم هم مانند سرآغاز سال جاری نوید کننده باشد، آنگاه مجدداً نگرانی جدی در مورد وضعیت اقتصادی آمریکا در برابر دولت و کانون‌های تجارت و سرمایه پدیدار خواهد شد. گزارش تولید اقتصادی (GDP) حدود یک ماه پس از پایان هر فصل سال منتشر می‌شود.

## ابراز امیدواری نسبت به رشد مجدد اقتصاد چین



اعلام این خبر که میزان رشد اقتصادی چین در سه ماه دوم سال اندکی بهبود یافته، تا حدودی نگرانی‌های قبلی ناشی از احتمال بروز مشکلات کساد و آهستگی تجاری در دومین اقتصاد نیرومند جهان را تا حدودی کاهش داد. کشور عظیم چین که با کنار گذاشتن اقتصاد کمونیستی سریعاً وارد جرگه کشورهای سرمایه‌داری شده پس از دو دهه رشد سریع اقتصادی اخیراً شاهد محدود شدن روند این رشد گسترده بوده تا آن جا که برخی ناظران احتمال آهستگی بیش از حد و بروز نوعی وضعیت رکود را مطرح کرده‌اند.

اقتصاد چین برای چندین سال از رشد کم نظیر ۹ تا ۱۲ درصد برخوردار بود و ظرف مدت کوتاهی کمتر از دو دهه این کشور از یک سرزمین فقیر و کم توسعه ناگهان تبدیل گشت به قدرت دوم اقتصادی در جهان. بر اساس برخی تخمین‌ها حتی چین می‌تواند ظرف یک تا سه دهه دیگر حتی از آمریکا نیز در زمینه قدرت اقتصادی پیشی بگیرد. البته چنین سناریویی محتمل است و نه قطعی.

اما اقتصاد چین با چالش‌های زیادی نیز مواجه است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از یک بعدی ماندن الگوی توسعه اقتصادی صرفاً بر اساس تولید و صادرات کالای ارزان با استفاده از کارگران ارزان. این شیوه توسعه تجارت و اقتصاد تاکنون برای چین موفق بوده، اما کارایی آن به دلایل گوناگون رو به کاهش است.

اقتصاددانان غربی و حتی کارشناسان داخلی در چین تأکید می‌کنند که جامعه یک میلیارد و سیصد میلیون نفری چین به جای وابستگی شدید به اقتصاد صادراتی باید زمینه توسعه اقتصاد داخلی و تولید و مصرف درون خود کشور را فراهم سازد تا بتواند به توسعه و پیشرفت «پایدار» برسد.

در سه ماهه اول سال جاری ضریب رشد اقتصادی در حدود رقم ۷/۲ رسیده بود و این امر نگرانی‌هایی را در پکن پدید آورد که شاید اقتصاد به سمت ضعف و آهستگی می‌رود، اما اعلام خبر افزایش نرخ رشد به رقم ۷/۵ درصد در سه ماهه دوم سال اندکی از میزان نگرانی‌ها کاسته است.

با این همه کارشناسان هشدار می‌دهند که چالش‌های پیچیده‌ای در عرصه اقتصاد همچنان در برابر رهبران چین قرار دارد که حل و فصل آن‌ها نیازمند انجام اصلاحات و تغییرات بنیادی و حساسی در این پرجمعیت‌ترین کشور جهان می‌باشد.

امریکا با میزان تولید اقتصادی (GAP) حدود ۱۷ هزار میلیارد دلار در سال همچنان اولین قدرت اقتصادی جهان است و چین با تولیدات ۹۱۰۰ میلیارد دلار در مقام دوم قرار دارد. ژاپن، آلمان، فرانسه و انگلستان به ترتیب قدرت‌های سوم تا ششم اقتصادی در جهان هستند.



## علاقه‌تروریست‌های داعش به صادرات نفتی!!



گروه تروریستی داعش طی ماه‌های گذشته به یک قدرت سیاسی و نظامی خطرناک و رو به گسترش در دو کشور عراق و سوریه تبدیل شده و اکنون علاوه بر حضور فعال در قلمرو سیاست خاورمیانه اکنون به نوعی در عرصه نفت و اقتصاد نیز فعالیت‌هایی را آغاز کرده است.

روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف به نقل از منابع بین‌المللی صنعت نفت گزارش داد گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) که اخیراً نام خود را به «خلافت اسلامی» تغییر داده پس از تصرف مناطق وسیعی در شمال و غرب عراق، کنترل برخی از چاه‌های نفتی را نیز در اختیار دارد و عملیات صدور و فرورش نفت را از طریق قاچاقچیان فعال در کردستان و ترکیه آغاز کرده است.

این گزارش حاکیست در حالی که بهای نفت خام در بازارهای جهانی در حدود یک صد دلار در هر بشکه می‌باشد، تروریست‌های داعش نفت خام را توسط تانکرهای متعدد به مرزهای کردستان و ترکیه منتقل کرده و آن را به بهای فقط ۲۵ دلار در هر بشکه به قاچاقچیان می‌فروشند. برخی تخمین‌های غیررسمی میزان درآمد داعش از طریق صادرات نفتی را در حدود یک میلیون دلار در روز برآورد می‌کند.

این گروه مسلح افراطی قبلاً نیز پس از تصرف حوزه‌های نفتی در شرق سوریه اقدامات مشابهی را برای فروش نفت خام و کسب درآمد انجام داده بود.

## آمریکایی‌های پشیمان از جنگ عراق



نتایج یک نظر سنجی جدید نشان می‌دهد که اکثریت قاطع افکار عمومی مردم آمریکا از حمله نظامی به عراق در سال ۲۰۰۳ پشیمانند و این اقدام دولت جورج بوش را یک اشتباه تاریخی قلمداد می‌کنند.

جورج بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا در شرایط پس از بحران ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با اصرار فراوان به لزوم حمله به عراق آن جنگ را برای امنیت و صلح جهانی ضروری می‌نامید و بخش قابل توجهی از آمریکایی‌ها نیز در ابتدا از جنگ حمایت کردند. اما ناتوانی آشکار آمریکا در اداره اوضاع عراق پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری یعنی انتقادهای زیادی را متوجه دولت وقت آمریکا نمود و شهروندان آمریکایی نیز دیدگاه بسیار منفی نسبت به این سیاست نافرجام پیدا کردند.

جمهوریخواهان و راستگرا در آمریکا همواره ادعا کرده‌اند اگرچه جنگ با عراق بسیار پرهزینه و پرتلفات بوده و تاکنون هم مشکلات سیاسی و استراتژیک زیادی برای واشنگتن به همراه داشته، اما در درازمدت و در مقیاس تاریخی موفقیت آن آشکار خواهد شد.

اما نظر سنجی اخیر که توسط روزنامه راستگرای وال استریت ژورنال به همراه تلویزیون ان‌بی‌سی، مشترکاً انجام گرفته حاکیست ۷۱ درصد مردم آمریکا معتقدند اشغال عراق یک سیاست غلط بوده که با توجه به هزینه گزاف جنگ و پیامدهای آن قابل توجیه نیست.

فقط ۲۲ درصد آمریکایی‌ها هنوز این جنگ را یک اقدام موجه تلقی می‌کنند. نتایج این بررسی در مقایسه با نظر سنجی‌های قبلی حاکیست که طی یک سال اخیر شمار مخالفان جنگ عراق از ۵۹ درصد به ۷۱ درصد افزایش یافته است. جنگ عراق برای آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۳-۰۹ هزینه مالی عظیمی به همراه داشت که رقم کل آن بین ۱۱۰۰ تا ۱۸۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است. همچنین حدود ۵ هزار سرباز آمریکایی در این مدت ۶ ساله کشته شدند و اوضاع داخلی عراق نیز دچار آشفتگی داخلی گردید که هنوز هم ادامه دارد. گرچه دولت بوش امیدوار بود پس از سرنگونی دیکتاتور بغداد، بتواند روابط سیاسی و تجاری پرسودی با عراق داشته باشد، اما دولت شیعه بغداد همواره روابط بسیار سردی با واشنگتن داشته و قراردادهای بزرگ نفتی و تجاری عراق نیز توسط دولت نوری مالکی همگی با کشورهای چین، روسیه و اتحادیه اروپا به امضا رسید.

# افتضاح تیم برزیل و باقی قضایا در جام بیستم

امین اکبریان

تاریخی فوتبال برزیل باقی خواهد ماند.

\*\*\*

همیشه می‌گویند جام جهانی بیشتر جام شگفتی‌هاست و اتفاقات عجیب در خلال مسابقات خبرساز می‌شود. امسال به جز این که سقوط و شکست تحقیرآمیز تیم برزیل شگفتی آور بود، چند مورد از مصدومیت‌های بازیکنان هم جزو وقایع عجیب قرار داشت. برای مثال خطای آشکار بازیکن کلمبیایی بر روی ستاره تیم برزیل، نیمار، آن چنان شدید بود که این بنده خدا مهره کمرش شکست و کارش به بیمارستان و جراحی کشید.

\*\*\*

یکی از شگفتی‌های دیگر این جام که هم خنده‌دار، هم تاسف‌بار و هم



عجیب به شمار می‌رفت، مسئله پیدایش یک فوتبالیست آدمخوار بود!! این فوتبالیست علاقمند به گوشت انسان!! «لوئیس سوارز» مهاجم سرشناس تیم اروگوئه است که در یک اقدام پر اشتها!! علیه بازیکن خط دفاع ایتالیا، او را با دندان گاز گرفت. این فوتبالیست آدمخوار در گذشته سه بار دیگر نیز حریفان خود را در میدان فوتبال گاز گرفته بود. مسئولین فیفا بلافاصله این بازیکن جنجالی را از جام جهانی اخراج کردند، ولی بعید است این مجازات کمکی به تغییر اشتهاى او در رابطه با آدمخواری بکند!! برخی گزارشگران فوتبال توصیه کردند برای حفظ جان سایر بازیکنان در مسابقات بعدی به این فوتبالیست نیمه گرگ پوزبند بزنند!!

\*\*\*

در طول سه چهار هفته‌ای که تب فوتبال و جام جهانی همه دنیا را فرا گرفته بود، ما هم مثل تمام ملت ایران اصولاً به طور ذاتی و طبیعی و فیزیکی و ژنتیکی و احساسی به تماشای این ورزش زیبا معتاد بودیم!! همچنین به خاطر این که اصولاً نوعی بیماری فضولی ژورنالیستی هم داریم خیلی تلاش و مجاهدت کردیم که چند نکته که به خیال خودمان توجه برانگیز بود را در مورد بیستمین دوره جام جهانی بر روی کاغذ مشق یادداشت کنیم بدهیم این آقای ویراستار مجله چاپ کند، تا مثلاً ما هم احساس کنیم که یک چیزی درباره فوتبال می‌دانیم!!

\*\*\*

نکته اول این بود که برعکس همه جار و جنجال‌های اولیه که برزیل کشوری پر از مشکل است و فساد دولتی و اداری همه جا بیداد می‌کند و هشدار دائمی که برزیلی‌ها اهل مدیریت و نظم و ترتیب نیستند، اتفاقاً روند مدیریت و اجرای جام جهانی نسبتاً خوب بود و اشکال خاصی در برگزاری این همه مسابقات پیاپی پیش نیامد. شاید تنها انتقاد موجه این بود که شهر «مانائوس» به دلیل هوای گرم و بسیار مرطوبش وضعیت آب و هوای بدی برای بازیکنان داشت.

\*\*\*

گفتیم که دولت برزیل در مدیریت و اجرای جام جهانی نمره قبولی گرفت، اما در مورد فوتبال برزیل همه کارشناسان متفق‌القول بودند که این تیم پرسر و صدای پرتوقع کاملاً رفوزه شد و دو بازی آخرش هم بیشتر



به نوعی افتضاح شباهت داشت تا بازی فوتبال برای تیمی که در تاریخ جهان ورزش شهرت اسطوره‌ای یافته بود. شکست سنگین برزیل در نیمه نهایی با تحمل ۷ گل در برابر آلمان برای همیشه یک نقطه سیاه در کارنامه



باشند و شئونات را رعایت کنند! این آقا گفته گزارش مشاهداتش را به مجلس ارائه می‌دهد. لابد مجلس اسلامی هم برنامه‌ای برای رعایت شئونات هم برای ایرانی‌ها و هم برای مردم منحرف و فاسد برزیل تصویب خواهد کرد!

\*\*\*

یکی دو نکته هم در مورد تیم ایران تامل

برانگیز بود. اول این که فوتبالیست‌های ایران کارنامه خوبی ارائه دادند و بازی آن‌ها خصوصا در برابر آرژانتین نمایش تحسین برانگیزی بود. اما نمی‌دانم چرا بچه‌های تیم ملی در هر سه بازی خود چهره‌ای خسته و حتی غمگین و عصبی داشتند. این ورزشکاران جوان در بزرگترین گردهمایی ورزشی جهان در یک فضای پر از انرژی و شادی به میدان می‌رفتند و نتایج بدی هم نگرفتند، اما چرا این قدر چهره‌های آن‌ها عبوس و غمگین بود؟؟

شاید آن آقا مهدی که از مجلس شورای اسلامی برای نظارت آمده بود زیادی به این بنده خداها تذکر می‌داده که سنگین باشند و شئونات را رعایت کنند!!

\*\*\*

دست آخر این که بالاخره حق به حقدار رسید. آلمانی‌ها با یک تیم بسیار ورزیده، و با نظم و انضباط معروف آلمانی همه حریفان را شکست دادند و بدون اگر و مگر برنده جام جهانی شدند. تیم ملی آلمان ظرف چهار سال گذشته با یک برنامه‌ریزی همه جانبه و درازمدت کاملا بازسازی شده بود و موفقیت یک مدیریت صحیح و دقیق ورزشی در شکل گرفتن این تیم نیرومند آشکار بود. آلمانی‌ها با شایستگی کامل مدعیان اصلی یعنی آرژانتین و برزیل را در خانه حریف (آمریکای جنوبی) شکست دادند و کسب جام قهرمانی حق مسلم آن‌ها بود.



یک خبر جنجالی هم در خلال گزارش‌های جام جهانی ماجرای اقدامات مشکوک مالی توسط دولت قطر در رابطه با مدیران فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) بود. این شایعات که قبلا نیز شنیده می‌شد و اخیرا دوباره مطرح شده در مورد شیوه سوال برانگیز انتخاب کشور قطر به عنوان میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ بوده و هنوز بسیاری مسایل در این رابطه بی‌پاسخ مانده است.

حدود دو سال پیش مقامات فیفا اعلام کردند که پس از بررسی شرایط گوناگون و صلاحیت امور اجرایی و توان مدیریتی چندین کشور متقاضی، تصمیم گرفتند قطر را به عنوان میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ برگزینند.

متقاضیان اصلی کسب عنوان میزبانی این مسابقات معتبر جهانی استرالیا، کانادا، کره جنوبی، امریکا و قطر بودند. انتخاب قطر از میان این همه کشورهای نیرومند شایعات زیادی را موجب گردید و برخی می‌گویند مقامات قطر الطاف زیادی نسبت به روسای فیفا از لحاظ مالی داشته‌اند. اصولا انتخاب یک کشور بسیار کوچک و کم جمعیت با امکانات بسیار محدود جغرافیایی به عنوان میزبان مهمترین گردهمایی ورزشی جهان بسیار سوال برانگیز است. خصوصا آن که متقاضیان بسیار بهتری برای میزبانی این مسابقات بین‌المللی وجود داشت. شایعاتی حاکیست نمایندگان قطر در چند مورد ملاقات‌های بسیار «دوستانه» که اتفاقا «پر هزینه» بوده، با روسای «فیفا» داشته‌اند. امان از دست این «ملاقات‌های پر هزینه»!

\*\*\*



البته گفتنی است که در جام بیستم صحنه‌های زیبا هم بسیار زیاد بود. از جمله گل‌های دیدنی که زیباترین آن شوت دقیق و گل زیبایی خامس رودریگز کلمبیایی علیه تیم اروگوئه بود. خامس ۲۳ ساله که او را مهمترین ستاره نوظهور جام بیستم لقب دادند، با درخشش چشمگیر

به عنوان یک بازیکن تهاجمی خط میانی توانست تیمش را به مرحله یک چهارم نهایی برساند که این افتخار بزرگی برای تیم کلمبیا بود.

\*\*\*

یکی از خبرهای بامزه جام جهانی هم مربوط به ماجراهای وطنی بود. ماجرا از این قرار است که در میان مسابقات پرهیاهوی جام جهانی که با شادی و پایکوبی و رقص‌های آن‌چنانی مردم کافر!! در برزیل برگزار شد، مجلس شورای اسلامی هم یک هیأت ویژه برای نظارت بر امور فرهنگی در طول اجرای جام جهانی به برزیل اعزام کرده بود. یکی از این آقایان مسئول نظارت بر امور فرهنگی، مهدی شافعی، دبیر کمیته ارتقای سلامت اداری کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی بوده. این آقا مهدی که عکس بامزه‌ای هم از خودش که در رسانه‌های وطنی چاپ کرده، در مصاحبه با سایت تدبیر گفته، به مسافران و تماشاگران ایرانی که به برزیل رفته بودند تذکر می‌داده که زیاد نخندند، چون ایرانی‌ها باید سنگین



طنز نوشته ای از: حمیدرضا رحیمی

www.hazl.com

# توقع



کرده‌اند با حمله به چندین مسجد و اماکن متبرکه در مناطق "موصل" و "نینوا" برخی از این اماکن را منفجر کرده و برخی دیگر را با بولدوزر نابود کرده‌اند.

به گزارش "تدبیر"، شبکه خبری "راشا تودی" با انتشار تصاویر مربوط به تخریب و انفجار مساجد و اماکن متبرکه نوشته است: "این تصاویر با عنوان "تخریب اماکن متبرکه در استان نینوا" منتشر شده‌اند. دست کم چهار مسجد به وسیله بولدوزر ویران شده‌اند. شش مسجد مربوط به شیعیان عراق نیز منفجر شده‌اند. /گروه عکس تدبیر

\*\*\*

فدوی اما در این مختصر، به علت فقدان بیض لازم، به هیچ روی قصد درگیری و حتا دخالت در امور برادران داعش، که از برادران خودمان مبالغی خشن‌تراند را، دستکم امروز ندارد! لکن از امامان گرامی خود (ع-ع-س-ص-عج) با آن همه معجزات و کرامات، انتظار داشت که با یک قیام و قعود، آن نابکاران را، اگر نه اجر، دست کم سوسک فرمایند، تا خستگی هزار و چهارصد ساله، اینگونه به تن مؤمنین و از آن جمله فدوی گردن شکسته، نماند!..

زیاده جسارت است ...

۲۴ جمادی الجولای ۲۰۱۴

به گزارش خبرگزاری‌ها، برادران داعش، که چرکنویس برادران خودمان کثرالله امثالهم هستند، همچنان به شلتاق خود در عتبات عالیات ادامه داده و ضمن انجام برخی اقدامات طالبانی، از جمله ختنه دختران، بشرح زیر:

بر اساس فتوای تروریست‌های "دولت اسلامی" در عراق و سوریه، کلیه زنان و دختران ساکن شهر موصل و مناطق حومه آن باید هدف "مثله کردن آلت تناسلی" قرار گیرند. /دویچه وله

به استناد خبری که در پی می‌آید، چند فقره از اماکن مقدسه را نیز برای دستگرمی، منفجر کرده‌اند!

به گزارش سایت تلویزیون عراقی "السومریه" از شهر موصل در شمال عراق، نیروهای داعش که کنترل این شهر را در دست دارند، امروز پنجشنبه، با استفاده از مواد منفجره قبر یونس پیامبر را در این شهر تخریب کردند. به گفته یک مقام امنیتی از شهر نینوا این گروه تندرو که پیشتر آرامگاه شیخ فتاحی را منفجر کرده، امروز همچنین آرامگاه امام ابوالعلی و نیز یک مسجد و یک حسینیه را در این شهر منفجر کرده است. /العربیه

و از میان منابع دیگر:

شبه نظامیان وابسته به گروه تروریستی "دولت اسلامی شام و عراق" (داعش) که در طول یک ماه گذشته در شمال و غرب عراق پیشروی



ضمیمه رایگان علمی، بهداشتی

# ایران‌شهر پزشکی

ضمیمه علمی، بهداشتی «ایران‌شهر پزشکی» بخشی از نشریه جامع ایران‌شهر است که به صورت مستقل تلاش دارد تا رابطه بهتری بین مخاطبان فارسی زبان برآورد. در آمریکا و پزشکان و متخصصان سلامت، تغذیه، دارو و درمان ایجاد نماید. در صورت تمایل به همکاری با تحریریه «ایران‌شهر پزشکی» و یا درج آگهی در این بخش از نشریه ایران‌شهر با تلفن ۸۱۸,۹,۰۸,۰۸,۰۸ تماس حاصل فرمایید.

ضمیمه سیزدهم. آگوست ۲۰۱۴ - ضمیمه در مجله ایران‌شهر



# تحقیق روی مغز «معتادان جنسی»



دکتر والری وون، استاد دانشگاه کمبریج، معتقد است: «این اولین تحقیق جامع درباره کسانی است که از این نوع اختلال رنج می‌برند، اما فکر نمی‌کنم در این مرحله بتوانیم بگوییم این افراد «معتاد» هستند.» خانم وون در توضیح این موضوع می‌گوید: «ما نمی‌دانیم که فعالیت بیشتر در این بخش‌های مغز، آیا عامل رفتار و افکار جنسی این افراد است یا فقط تاثیر دیدن پورنوگرافی است. پاسخ دادن به این سوال خیلی مشکل است.»

دکتر وون می‌گوید درباره اعتیاد به مواد مخدر این طور است که هر چه زودتر و در سن پایین‌تر افراد در معرض آن قرار گیرند، احتمال اعتیادشان بیشتر می‌شود.

اما به گفته او هنوز شواهد کافی در دست نیست که نشان دهد تاثیر دقیق پورن روی نوجوانان چیست.

پائولا هال، رئیس انجمن درمان اعتیاد و وسوسه جنسی در بریتانیا می‌گوید که اینترنت به شکلی بی‌سابقه رفتارهای جنسی را تحت تاثیر قرار داده است.

او به باور رسیده است که: «آن چه که ما شاهد آن هستیم، افزایش شمار مردان جوانی است که نمی‌توانند نعوظ خود را حفظ کنند، چون اشتهای جنسی آنها با دیدن پورنوگرافی از بین رفته و آستانه تحریکشان آن قدر بالا رفته که یک زوج واقعی نمی‌تواند پاسخگوی نیازشان باشد.»

خانم هال می‌گوید: «رابطه زوجها آسیب بسیار سنگینی از این عارضه می‌بیند. دروغ و خیانت و نداشتن تمایل به برقراری رابطه جنسی به دلیل نداشتن میل کافی همه از پیامدهای این مسئله است.»

با وجود این خانم هال هم می‌گوید که هنوز زود است که این افراد را «معتاد» بدانیم.

اولین تحقیقی که در بریتانیا روی فعالیت مغزی افراد «معتاد جنسی» انجام شده حاکی از شباهت قابل توجه آنها به معتادان به مواد مخدر است.

درباره این که آیا افراد می‌توانند به رفتارهای جنسی مانند تماشای فیلم‌های پورنوگرافی، «معتاد» شوند، اختلاف نظر وجود دارد.

در این تحقیق، پژوهشگران دانشگاه کمبریج بریتانیا آزمایش‌هایی روی مغز ۱۹ مرد که عادت به دیدن فیلم پورن دارند، انجام داده‌اند.

اسکن مغزی این افراد نشان می‌دهد که هنگام تماشای پورن، همان بخش‌هایی در مغزشان فعال می‌شود که معتادان به مواد مخدر، با دیدن ماده مخدر دلخواهشان.

دو نفر از افراد مورد مطالعه در این تحقیق، شغلشان را به دلیل دیدن پورن هنگام کار از دست داده‌اند.

چهار نفر از آنها هم می‌گویند که تماشای پورن، راه آنها را به خانه روسپیان باز کرده است.

همه این افراد ذهنشان به شدت درگیر افکار و رفتار جنسی است، اما معلوم نیست که آیا دقیقا مانند افراد سیگاری که به نیکوتین معتاد هستند، در رده معتادان قرار می‌گیرند یا نه.

بعضی محققان معتقدند که الگوی رفتاری این افراد بیشتر شبیه مبتلایان به اختلال وسواس فکری-عملی یا اختلال کنترلی است.

اسکن مغزی گروه محققان کمبریج برای مشاهده تغییرات فعالیت مغز این افراد در هنگام تماشای پورن، از اسکن ام.آر.آی. استفاده کرده‌اند.

آنها مغز افراد دارای دغدغه شدید جنسی را با آدمهای معمولی مقایسه کرده‌اند. نتیجه این تحقیق که در نشریه PLoS One چاپ شده، نشان از فعالیت بیشتر مغز در سه بخشی دارد که در معتادان هنگام دیدن ماده مخدر مورد علاقه‌شان تحریک می‌شود.



# زندگی مدرن 'میل جنسی' را کم می‌کند



همچنین مردان میانگین سنی ۲۵ تا ۳۴ در ماه بیش از ۵.۴ بار و زنان ۱۶ تا ۲۴ سال بیش از ۵.۸ بار در ماه سکس دارند.

این نظر سنجی ۱۰ سال یک بار انجام می‌شود و در همین تحقیق آمده که سن افرادی که علاقه به رابطه جنسی دارند کمتر شده است. این برآوردها نشان می‌دهد:

- \* از هر شش باروری یک مورد ناخواسته است
- \* نیمی از زنان و مردان این بررسی در روابط جنسی خود مشکل دارند، اما تنها ۱۰ درصد از آنها نگران روابط جنسی خود هستند
- \* بی‌علاقگی به سکس از شایع‌ترین مشکلات است، ۱۵ درصد از مردان میل جنسی ندارند.

\* این تحقیقات نشان می‌دهد، پس از آخرین تحقیقات سال ۲۰۰۰، رابطه با جنس موافق بیش از خیانت به همسر پذیرفتنی است.

\* زنان زیر ۴۴ سال گفته‌اند در دوران زندگی خود ۷.۷ شریک جنسی داشته‌اند در حالیکه شریک جنسی مردان در همین میانگین سنی ۱۱.۷ بوده است.

\* ۳.۶ درصد از مردان در پنج سال گذشته برای سکس پول پرداخته‌اند، اما در مورد زنان این مسئله به ندرت اتفاق افتاده است.

\* در این نظر سنجی که در مجله لنست چاپ شده، آمار از افرادی که مجبور به داشتن رابطه جنسی شده‌اند، نیز منتشر شده است.

\* براساس این گزارش از هر ۱۰ زن یک نفر و از هر ۷۰ مرد یک تن چنین رابطه ناخواسته و اجباری را تجربه کرده است.

محققان می‌گویند: نگرانی مالی و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، باعث کاهش میل جنسی می‌شود.

یک نظر سنجی در میان حدود ۱۵ هزار نفر در میانگین سنی ۱۶ تا ۴۴ نشان می‌دهد که آنها در ماه کمتر از پنج بار رابطه جنسی دارند، در حالیکه نظر سنجی‌های قبلی که سال‌های ۱۹۹۰ تا ۹۱ و ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ انجام گرفت متوسط رابطه جنسی ماهانه بیش از شش بار بود. براساس این تحقیق زندگی مدرن در میل جنسی تاثیر می‌گذارد.

دکتر کث مرکر، از دانشگاه کالج لندن می‌گوید: «مردم نگران کار و معیشت خود هستند و دیگر رغبتی به سکس ندارند.»

«اما ما فکر می‌کنیم تکنولوژی در این مسئله بی‌تاثیر نیست. مردم موبایل و تبلت‌هایشان را با خود به رختخواب می‌برند. از فیس بوک و توئیتر استفاده می‌کنند و جواب ایمیل‌هایشان را می‌دهند.»

دکتر مرکر همچنین گفته است: «این بررسی نشان می‌دهد که زوج‌های ۱۶-۴۴ ساله ممکن است از فیلم پورنو به عنوان جایگزین برای رابطه جنسی استفاده کنند.»

گزارش شده که مردان در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ در ماه حدود ۴.۹ بار و زنان حدود ۴.۸ بار سکس داشته‌اند. در حالیکه در تحقیقات پیشین این آمار بیش از شش تا هفت بار در ماه برای هر دو گروه بود.

این تحقیق نشان داد ۴۲ درصد زنان بین سن ۶۵ تا ۷۴ سال و همچنین ۶۰ درصد از مردان در همین میانگین سنی، همچنان از لحاظ جنسی فعال هستند



# چرا کاندوم خجالت‌آور است؟



هر اندازه، طرح و طعمی تقریباً در تمام داروخانه‌ها در دسترس است. در یکی از مطالعات کارخانه تولید کاندوم فیوژن، ۵۶ درصد شرکت‌کنندگان گفته‌اند از این که کاندوم بخرند، خجالت می‌کشند. به طور مشخص، ۵۴ درصد مردان و ۵۷ درصد زنان وقتی می‌خواهند کاندوم بخرند، صورتشان سرخ می‌شود.

نهادهای فعال در زمینه سلامت جنسی می‌گویند که خجالت کشیدن زمانی که بحث از روابط جنسی و کاندوم می‌شود، همچنان برای خیلی‌ها مساله است و بیشتر افراد ترجیح می‌دهند به جای صحبت کردن درباره رابطه جنسی، به خود این رابطه مشغول باشند.

جیمز ۴۸ ساله که تاجری موفق به شمار می‌رود، می‌گوید که هنوز وقتی می‌خواهد کاندوم بخرد، حس خوبی ندارد و می‌افزاید: «صندوق‌های خودپردازی که در بعضی فروشگاه‌ها فعال هستند، زندگی را خیلی راحت‌تر کرده‌اند. من همیشه ترجیح می‌دهم برای خرید کاندوم از این ماشین‌ها استفاده کنم تا با یک انسان دیگر به عنوان صندوقدار و فروشنده طرف شوم. به نظرم این حس، از بچگی در من مانده است، قدیم‌ترها استفاده از کاندوم و صحبت درباره رابطه جنسی عادی و مرسوم نبود.»

با این حال، عامل خجالت در زمان خرید کاندوم به نفع عرضه‌کنندگان آنلاین این محصولات بوده است.

فروش محصولات سایتی همچون مای‌کاندوم از زمان راه‌اندازی، ماه

خبر آغاز به کار رستورانی در لندن که به تبلیغ رابطه جنسی ایمن و استفاده از کاندوم می‌پردازد یکی از جالب‌ترین رویدادهای سال گذشته میلادی بود. ولی خیلی‌ها هنوز از این که آشکارا درباره رابطه جنسی صحبت کنند یا حتی کاندوم بخرند، خجالت می‌کشند. چرا؟ رستوران زنجیره‌ای جدید تایلندی در بریتانیا «کلم و کاندوم» نام دارد و همانطور که از عنوانش پیداست، به جز غذا، وسیله‌های پیشگیری از بارداری هم عرضه می‌کند.

این رستوران به جای آب‌نیات نعنایی بعد از غذا به مشتریان کاندوم می‌دهد. چراغ‌ها و دیوارهای رستوران با کاندوم آراسته شده‌اند و حتی تزیینات و آثار هنری روی دیوارها هم از کاندوم درست شده‌اند.

تمام سود رستوران صرف برنامه‌های آموزش روابط جنسی و پیشگیری از بارداری در تایلند می‌شود و اولین شعبه‌اش در خارج از تایلند، به تازگی در آکسفوردشر بریتانیا آغاز به کار کرده است.

اما براساس اعلام نهادهای فعال در زمینه آموزش روابط جنسی، حتی در آمریکا هم خیلی‌ها هنوز از این که در انظار عمومی و فروشگاه‌ها کاندوم بخرند، خجالت می‌کشند و بسیاری نیز نمی‌توانند به راحتی درباره رابطه جنسی صحبت کنند.

ولی چرا خیلی از ما هنوز وقتی بحث کاندوم می‌شود، راحت نیستیم؟ آمریکا «جامعه‌ای سکس‌زده» است، جایی که فروشگاه‌های عرضه وسائل جنسی در بسیاری از مراکز خرید پیدا می‌شوند و کاندوم با







به ماه افزایش داشته است.

هرچند الکس گرین، از مدیران فعال در زمینه فروش آنلاین این محصولات می‌گوید: «همچنان عده زیادی هستند که محتاطانه عمل می‌کنند و البته خجالت کشیدن، تنها یکی از دلایل احتمالی است. کاندوم‌ها با اندازه کوچک، فروش آنلاین قابل توجهی دارند و تقریباً روشن است که چرا کسی دوست ندارد این کاندوم‌ها را از یک فروشگاه یا داروخانه بخرد. حتی وقتی کسی به طور آنلاین خرید می‌کند، همچنان نگران مواردی است که ممکن است باعث خجالتش شود. از جمله ما درخواست‌ها و سوالات زیادی درباره شیوه بسته‌بندی سفارش‌های آنلاین دریافت می‌کنیم و حتی بعضی‌ها می‌خواهند برای اطمینان،

عکس بسته‌ای را که دریافت خواهند کرد، برایشان بفرستیم.»

او می‌گوید: «بسته‌بندی‌های ما ساده است، چون مشتری‌ها کاملاً نشان داده‌اند که نمی‌خواهند از روی بسته پستی، معلوم باشد چه چیزی خریده‌اند. حتی برخی خریداران می‌خواهند بدانند که در صورت حساب آنلاینی که برایشان صادر می‌شود، اسم چه شرکتی ذکر خواهد شد.» فیلیپ هادسون، روان‌درمانگر عضو انجمن مشاوره و روان‌درمانگری بریتانیا می‌گوید که وقتی بحث کاندوم می‌شود، افراد واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند و دامنه این واکنش‌ها از بی‌شرمی کامل تا شرمساری شدید متفاوت است، هرچند رفتار عده زیادی چیزی مابین این دو است.

او می‌گوید: «خرید کاندوم یعنی شما کاملاً درباره چیزی صریح هستید که خیلی‌ها می‌خواهند درباره‌اش لاپوشانی کنند؛ خرید کاندوم یعنی تایید این که شما قرار است رابطه جنسی داشته باشید یا به فکر داشتن رابطه جنسی هستید.»

براساس اعلام انجمن تنظیم خانواده بریتانیا، صحبت کردن درباره استفاده از کاندوم، موضوع دیگری است که افراد با آن مشکل دارند. داده‌های این انجمن نشان می‌دهد که ۶۱ درصد افراد گفت‌وگو با یک شریک جنسی جدید درباره کاندوم را دشوار می‌دانند. از این تعداد، ۷۰ درصد آنها چنین گفت‌وگویی را خجالت‌آور می‌دانند و ۳۶ درصد می‌گویند که بعد از صحبت در این باره، احتمال این که از کاندوم استفاده کنند، کمتر می‌شود.

کارشناسان می‌گویند که واضح‌ترین راه برای غلبه بر چنین روندی، آموزش بهتر و بیشتر روابط جنسی در مدارس است تا نوجوانان و جوانان اطلاعات خود در این باره را از منابع مطمئن و نه در زمین بازی و حاشیه خیابان‌ها کسب کنند.

آموزش والدین برای برخورد مناسب و دادن اطلاعات مناسب به

فرزندان‌شان از دیگر مواردی است که می‌تواند به بهبود رویکرد افراد در برابر کاندوم کمک کند.

کاترین ۱۷ ساله می‌گوید که نوجوانان در اغلب مواردی که درباره کاندوم صحبت می‌کنند، در حال شوخی هستند. او می‌گوید: «احتمال این که یک کاندوم پر از آب به سرم بخورد یا کسی کاندومی را به کارت تبریک تولدم بچسباند، بیشتر از داشتن یک مکالمه جلدی درباره کاندوم و رابطه جنسی است.» او اضافه می‌کند: «جوان‌ها برای آن که خجالت نکشند، اغلب به شوخی و مسخره کردن رو می‌آورند.»

در پژوهشی که فیوژن انجام داد، افراد در بازه سنی ۱۶ تا ۱۹ سال بیشتر از بقیه بازه‌های سنی گفتند که از خرید کاندوم خجالت می‌کشند. ۶۵ درصد این افراد گفتند که خرید کاندوم برایشان سخت است. در عین حال ۵۷ درصد افراد ۲۰ تا ۳۰ ساله و ۵۰ درصد بالای ۳۱ ساله‌ها هم گفتند که در این باره احساس مشابهی دارند.

به گفته دکتر آدوری سیمپسون، عضو انجمن تنظیم خانواده، این داده‌ها نشان می‌دهد که وقتی بحث سلامت جنسی است، تمام افراد در هر سن و سالی به اندازه نوجوانان و جوانان نیازمند حمایت هستند. او می‌گوید: «مشکل این است که ما دلمشغول رفتارهای جنسی نوجوانان شده‌ایم و در نتیجه، افرادی که الان در دوره سی سالگی هستند، به نسلی فراموش شده در زمینه سلامت جنسی تبدیل شده‌اند. آنها (بالای سی ساله‌ها) در دوران مدرسه آموزش کمی در زمینه روابط جنسی دیده‌اند، ولی در جامعه‌ای رشد کرده‌اند که به سرعت در حال سکس‌زده شدن بود.»

او می‌گوید: «خیلی عجیب نیست که افراد به نظرشان استفاده نکردن از کاندوم راحت‌تر از آن است که با صحبت درباره موضوعی که به شدت برایشان ناراحت‌کننده است، خود را شکنجه دهند.»

# زوج‌یابی با اپلیکیشن‌های تلفن همراه خطر عفونت مقاربتی را بیشتر می‌کند



هرچند احتمال آلودگی هر دو گروه به ویروس اچ‌آی‌وی به یک اندازه است.

این پژوهشگران نتیجه‌گیری کرده‌اند: «پیشرفت‌هایی که باعث راحت‌تر شدن ملاقات با افراد ناشناس برای برقراری رابطه جنسی می‌شود، می‌تواند به طور غیرعمد شبکه‌هایی از افراد را شکل دهد که احتمال ابتلای کاربرانشان به عفونت‌های مقاربتی بیشتر است.»

دکتر استیو تیلور، مشاور سلامت جنسی در بیمارستان هارتلند بیرمنگام معتقد است: «در درمانگاه‌های سلامت جنسی و اچ‌آی‌وی بیشتر از قبل شاهد چنین مواردی هستیم، هم بین مردان همجنسگرا و هم دگر جنسگراها.» او گفته است: «بدون شک، پیشرفت در فناوری باعث شده است افراد سریع‌تر از قبل بتوانند شریک جنسی جدید پیدا کنند و به همین دلیل، فضایی مناسب برای انتقال و گسترش عفونت‌های مقاربتی و اچ‌آی‌وی فراهم می‌شود.»

جاستین هارباتل، مشاور بهداشت، می‌گوید: «مردان همجنسگرا در مقایسه با قبل، فرصت‌های بیشتری برای ملاقات با شرکای جنسی جدید دارند.» او گفت: «بخشی از مشکل این است که ارتباطات از طریق اپلیکیشن‌ها می‌تواند خیلی کوتاه و کم باشد و به همین دلیل، ممکن است بحث‌های مهمی مثل رابطه جنسی مطمئن شکل نگیرد.»

این مشاور بهداشت گفت که استفاده از کاندوم هنگام برقراری رابطه جنسی، همیشه بهترین راه برای مبتلا نشدن به عفونت‌های مقاربتی است.

پژوهشگران هشدار داده‌اند که استفاده از اپلیکیشن‌های تلفن‌های هوشمند برای پیدا کردن شریک جنسی، زمینه‌ساز افزایش خطر ابتلا به عفونت‌های مقاربتی می‌شود.

نتایج مطالعه‌ای که در لس‌آنجلس انجام شد، نشان داده است که مردان همجنسگرای که از اپلیکیشن‌ها برای پیدا کردن شریک جنسی استفاده می‌کنند، در مقایسه با مردان همجنسگرای دیگری که به صورت حضوری (مثلاً در کلوب‌ها) یا در وبسایت‌ها شریک جنسی خود را پیدا می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که به بیماری‌های سوزاک و کلامیدیا تراکوماتیس مبتلا شوند.

پژوهشگران می‌گویند که پیشرفت در فناوری، بیش از قبل، فرصت‌های بیشتری برای برقراری رابطه جنسی فراهم کرده است.

اپلیکیشن‌های مورد مطالعه، بعد از نصب روی تلفن‌های هوشمند، با شناسایی موقعیت جغرافیایی تلفن، افرادی را که در نزدیکی یکدیگر هستند، به هم معرفی می‌کنند.

در این پژوهش ۷ هزار و ۱۸۴ مرد که به یک درمانگاه ارائه‌دهنده خدمات سلامت جنسی مراجعه کرده بودند، شرکت کرده‌اند.

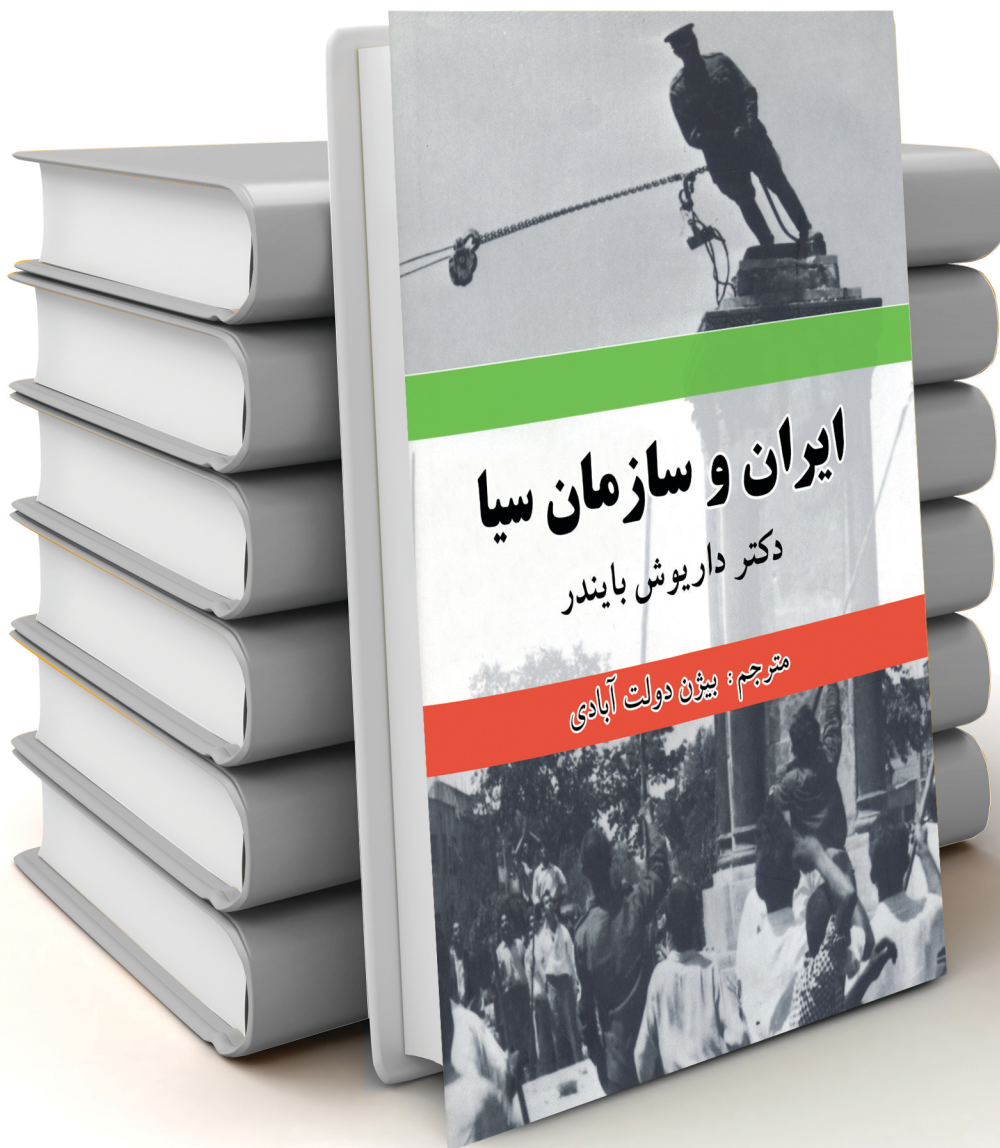
براساس نتایج این پژوهش، بین مردانی که از این اپلیکیشن‌ها استفاده می‌کنند و مردانی که با حضور در کلوب‌ها یا از طریق وبسایت‌ها شریک جنسی جدید پیدا می‌کنند، احتمال ابتلای گروه اول به سوزاک ۲۳ درصد و احتمال ابتلای آنها به بیماری کلامیدیا تراکوماتیس ۳۵ درصد بیشتر است.



# ایران و سازمان سیا

دکتر داریوش بایندر

منتشر  
شد



شرکت کتاب

[www.ketab.com](http://www.ketab.com)

(310) 477-7477

(818) 908-0808

1419 Westwood Blvd., Los Angeles CA 90024

NAZANIN BONIADI

RILEY SMITH

MAZ JOBRANI

# SHIRIN IN LOVE

Love has no borders



[shirinlove.com](http://shirinlove.com)

1-800-367-4726



[ketab.com](http://ketab.com)

1-800-FOR IRAN

فیلم سینمایی "عشق شیرین" به دو زبان، انگلیسی و دوبله به فارسی  
در شرکت کتاب و فروشگاه‌های منتخب ایرانی



- Karin Abcarians Screen Invasion

**"A thinking woman's romantic comedy"**

- Marshall McCreadie Film journal International

VISION FILMS PRESENTS A SIDESHOW PRODUCTION OF A FILM BY RAMIN NIAMI "SHIRIN IN LOVE" NAZANIN BONIADI RILEY SMITH MAZ JOBRANI GEORGE WALLACE AMITA VAHEDI  
WITH MARSHALL MANESH AND AMY MADIGAN MUSIC BY ALEX KOVACS EDITED BY FRITZ FEICK RAMIN NIAMI CO-PRODUCED BY BEHROOZ ARSHADI LINE MICHAEL WATSON  
DIRECTION OF PHOTOGRAPHY GARRETT SHANNON EXECUTIVE PRODUCERS MAZ JOBRANI RAY MOHEET NICK SOBER ARGHAVAN GOUSHEH PRODUCED BY KAREN ROBSON  
© 2014 SHIRIN IN LOVE, LLC. ALL RIGHTS RESERVED

